



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

راهنمای کلید واژه‌ها

آموزش میدانی معارف جنگ

منطقه خوزستان

دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری

ارتش جمهوری اسلامی ایران

گردآوری و تنظیم

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی کویا

۱۳۹۱

گردآوری و تنظیم: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

نوبت/سال چاپ: اول/۱۳۹۱

طرح جلد: سید حامد هاشمی

شمارگان: ۳۰۰۰

مرکز پخش: تلفن ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است»

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه
کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را
دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط
جزئیات این دوران غفلت نکنند و این
گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به
ودیعه بگذارند.

امام خمینی (ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج
است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج
استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی
تاریخ ما را تغذیه کند.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از بازیافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاریها، ایثارگریها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیتهای تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار می‌دهند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا کنون نیز به یاری پروردگار ادامه دارد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۰	مقدمه
۱۱	خوزستان در جنگ به روایت امام خمینی (ره)
۱۲	خوزستان در جنگ به روایت رهبر معظم انقلاب اسلامی
۱۳	استان خوزستان
۱۹	خرمشهر
۲۰	شلمچه
۲۳	نهر خین
۲۴	پل نو
۲۵	نهر عرایض
۲۶	جاده اهواز - خرمشهر
۲۷	پلیس راه
۲۸	پادگان دژ
۲۹	مسجد جامع خرمشهر
۳۰	گلزار شهدای خرمشهر
۳۱	بندر خرمشهر
۳۳	پل خرمشهر
۳۴	مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه جنگ)
۳۴	مارد
۳۵	عملیات آفندی بیت المقدس
۳۷	ایستگاه حسینیه
۴۱	عملیات آفندی رمضان

۴۴	عملیات آفندی کربلای ۴
۴۵	عملیات آفندی کربلای ۵
۴۷	جاده شهید صفوی (بنای یادبود شهدای شیمیایی بهبهان)
۴۸	یادمان شهدای شلمچه
۴۹	شهرستان آبادان
۵۱	آبادان
۵۴	پالایشگاه آبادان
۵۷	اروند رود
۵۹	بهمن شیر
۶۰	اروند کنار
۶۳	جزیره مینو
۶۴	چوئبده
۶۴	عملیات آفندی ثامن الائمه (ع)
۶۷	بندر امام خمینی (ره)
۶۸	یگان‌های رزمی نداجا
۷۲	دارخوین
۷۳	بستان
۷۴	هویزه
۷۷	عملیات آفندی نصر
۷۹	سوسنگرد
۸۰	تپه‌های الله اکبر
۸۲	منطقه عملیاتی شهید رستمی
۸۳	دهلاویه (یادمان شهید چمران)

۸۴	کرخه نور (کرخه کور)
۸۶	عملیات آفندی طریق القدس
۸۸	ارتفاعات میشداغ
۸۹	تنگ جزابه
۹۰	پل سابله
۹۱	هورالهویزه
۹۳	کارون
۹۵	دُبِّ حردان
۹۶	کارخانه نورد اهواز
۹۷	تپه های فولی آباد
۹۸	پادگان حمید
۹۹	شهرستان شوش
۱۰۱	شوش
۱۰۳	بارگاه دانیال نبی (ع)
۱۰۴	کرخه
۱۰۵	سد کرخه
۱۰۶	سایت ۴ و ۵
۱۰۸	کانال هندلی
۱۱۰	عملیات آفندی فتح المبین
۱۱۳	عملیات آفندی محرم
۱۱۴	رقابیه
۱۱۵	شهرستان اندیمشک
۱۱۷	اندمشک

۱۱۹	پل نادری
۱۲۰	پادگان دوکوهه
۱۲۳	شهرستان دزفول
۱۲۴	دزفول
۱۲۶	پایگاه وحدتی دزفول
۱۲۷	هواپیمای اف - ۱۴
۱۲۸	هواپیمای اف - ۴
۱۲۹	هواپیمای اف - ۵
۱۳۰	تانک تی ۷۲
۱۳۴	بالگرد ۲۱۴
۱۳۵	بالگرد ۲۰۶
۱۳۶	بالگرد کبری
۱۳۷	بالگرد شنوک
۱۳۹	فرازهایی از پیام‌های امام خمینی (ره) در دفاع مقدس
۱۴۲	فرازهایی از درسهای استاد شهید امیرسپهبد علی صیاد شیرازی

پیشگفتار

هیئت معارف جنگ به ابتکار شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۷۳ بنیانگذاری شد. در پی تاسیس این نهاد، دانشکده افسری امام علی (ع) درخواست نمود تا موضوعات عملیات ۸ سال دفاع مقدس به دانشجویان آن دانشگاه آموزش داده شود.

هیات معارف جنگ با همکاری جمعی از فرماندهان و مسئولان جنگ فعالیتهای آموزشی را راه اندازی و اقدام به برنامه‌ریزی آموزش برای دانشگاههای افسری آجا نمود.

از سال ۱۳۷۴ به دنبال آموزش‌های نظری در این دانشگاه، اقدام به اعزام دانشجویان سال ۳ به اردوگاه آموزشی معارف جنگ در مناطق عملیاتی غرب و جنوب کرد و همه ساله این آموزشها انجام می‌شود و تاکنون ادامه دارد.

در پی توسعه آموزش نظری به دانشگاههای افسری آجا و در پی اوامر مقام معظم فرماندهی کل قوا دانشجویان سالهای پایانی دانشگاههای مزبور به طور ادغامی به اردوگاه معارف جنگ در منطقه عملیاتی جنوب (خوزستان) اعزام می‌گردند.

به منظور انتقال هر چه بیشتر دانستنی‌های جنگ، راهنمای کلید واژه‌های آموزش میدانی تهیه گردید. امید است مورد استفاده دانشجویان عزیز قرار گیرد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

مقدمه

۸ سال دفاع در مقابل تجاوز ، یادآور حماسه‌هایی است که لحظه به لحظه آن توسط فرزندان دلیر این مرز و بوم که پیمان حراست از آن را در اعماق ضمیر و با خدای خویش بسته‌اند به منصف ظهور رسیده است. آشنایی با این حماسه‌ها، احساس لذت حاصل از پیروزی‌ها، یاس و حرمان ناشی از شکست‌ها و بالاخره ریشه‌یابی علل اصلی آن می‌تواند چون چراغی برای هدایت آیندگان مورد بهره‌برداری واقع گردد.

از این رو بر تمامی آحاد ملت به ویژه جوانان و بالاخص دانش پژوهان جوان نظامی که در واقع وارث این حماسه‌ها هستند لازم است که در شناخت و آشنایی آن دقت کافی مبذول دارند. از نقاط ضعف و قوت اقدامات پدران نظامی خود در آن زمان و شرایط، بهره‌برداری کرده، نقاط قوت را توسعه و نقاط ضعف را برطرف سازند و سرانجام اینکه بدانند که دفاع از اسلام و میهن اسلامی نیاز به توان بی پایان دارد.

در این مجموعه سعی شده است اطلاعات لازم از کلید واژه‌های آموزش میدانی مناطق عملیاتی خوزستان در اختیار دانشجویان عزیز گذاشته شود.

امید است مورد بهره‌برداری شایسته قرار گرفته و مفید واقع شود.

خوزستان در جنگ به روایت امام خمینی(ره)

خوزستان دین خودش را به اسلام ادا کرد. خوزستان برای اسلام و برای ارزش‌های انسانی و برای شرافت خود و کشور خود کوشش کرد و کوشش می‌کند و مردانه ایستاده است و شهدای بزرگوار خود را نزد خدای تبارک و تعالی فرستاد. خوزستان در این عرصه تهاجم باطل به حق و دفاع حق و در برابر باطل پیش‌قدم است و اسوه است از برای سایر اهالی کشور... من به شما اهالی خوزستان و سایر مرزنشینانی که مورد تهاجم واقع شدید، تبریک عرض می‌کنم و به شما دو جمله از کتاب خدا را تذکر می‌دهم: «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ» (برآنچه از دستتان می‌رود اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید شادمانی نکنید. سوره حدید، آیه ۲۳) این تعلیم خدای تبارک و تعالی است به انسان‌ها از اول تا آخر که در پیشامدها چنانچه پیشامدی بود که برای شما ضرری داشت، به حسب ظاهر و چشم‌های ظاهربین، شما محزون نباشید، که این‌ها ضرر نیست. برای آن چیزی که از دستتان رفته است، نه تأسف بخورید و نه محزون باشید ... خداوند تمام شهدای راه اسلام را و تمام کسانی که در راه اسلام به آوارگی رسیده‌اند را به سعادت‌های ابدی برساند و من به تمام بازماندگان این شهدا هم تسلیت عرض می‌کنم و هم تبریک. مبارک باد بر اهالی خوزستان و بر اهالی جنوب و غرب این خدمت‌گزاری و این جان‌نثاری و این پایداری. بیانات امام خمینی(ره) در جمع خانواده شهدا و جانبازان استان خوزستان.

۱۳۶۰/۱/۱۳

^۱ - کلیه مطالبی که در این مجموعه با عدد ۱ مشخص شده‌اند، منبع آن، کتاب اطلس جغرافیای حماسی خوزستان در جنگ با تالیف: پژمان پورجباری، انتشارات صریح، تهران ۱۳۸۹ می‌باشد.

خوزستان در جنگ به روایت رهبر معظم انقلاب

دست دشمن، نقشه استکبار، برنامه‌ریزی دستگاه‌های فعال صهیونیستی و استعماری همه با هم این طور ترتیب دادند که این بخش از میهن عزیز ما، در معرض یکی از سخت‌ترین آزمایش‌های الهی خون‌بار قرار گیرد. جنگ تحمیلی هشت سال به طول انجامید. در این مدت شما مردم شجاع و دلاور این استان (خوزستان) در معرض این امتحان بسیار دشوار قرار داشتید. البته دشمن جنگ را بر خوزستان تحمیل نکرد؛ بر ایران تحمیل کرد و همه ایران در مقابل او قیام کردند تا از کشور دفاع کنند؛ اما خوزستان در معرض سخت‌ترین و شدیدترین ضربات دشمن قرار گرفت و به وسیله دشمن بیشترین فاجعه‌آفرینی در این استان واقع شد. بیش از همه مردم کشور، مردم استان‌های مرزی و بیش از همه استان‌های مرزی، استان خون‌بار خوزستان رنج جنگ را تحمل کرد. در سراسر این استان ممتحن و مجرب، مردان و زنان و خانواده‌ها، شهری‌ها و روستایی‌ها، عشایر عرب و لر و بختیاری و مردم فارس که در این استان هستند، همه و همه در کنار یکدیگر و دست در دست هم، در مقابل متجاوزان ایستادند. البته ملت ایران به کمک استان‌های مرزی آمد. در این شکی نیست. و آزمایش بزرگ، آزمایش ملت ایران بود؛ اما چه کسی است که نداند استانی که در کنار مرز است، در مقابل اولین حملات دشمن، چه شکنجه و درد دشواری را تحمل می‌کند و این استان هشت سال این دشواری را تحمل کرد و ایستاد و فداکاری نمود. در دوران قبل از انقلاب اسلامی، یعنی شاید هفتاد، هشتاد سال قبل از این - باز مردم مومن و علمای خوزستان، در مقابل تجاوز انگلیسی‌ها ایستادگی کردند. آن هم یک تجربه دیگر است. مردم این استان در چنین کارهای بسیار با عظمت و پرشکوهی سابقه دارند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم اهواز ۱۳۷۵/۱۲/۱۸^۱

استان خوزستان

استان خوزستان با مساحت ۶۴ هزار و ۲۳۶ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد و شهر اهواز مرکز آن است. خوزستان از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی به استان چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان های کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر، از جنوب به خلیج فارس و از غرب به کشور عراق محدود می شود.

خوزی ها قوم اولیه ساکن این سرزمین و با ایلامیان هم تبار بودند. بنابر سنگ نوشته داریوش، در دوران هخامنشی نام استان خوزستان «خوجیا» بوده است. از سوی دیگر، «خوز» را به معنی شکر و نیشکر نیز معنا می کنند. زیرا خاک حاصلخیز و بارور خوزستان استعداد ویژه ای برای رشد این گیاه داشته و بهترین محصول نیشکر را به دست می داده است. پس از هخامنشیان در دوران اشکانی، ساسانی و تمام دوران اسلامی، شوشتر مرکز حکومتی خوزستان بوده است تا آنکه در سال ۱۳۰۳ش و در پی شیوع بیماری وبا در شوشتر، مرکز حکومتی خوزستان به مدت یک سال به دزفول و سپس به اهواز منتقل شد و تاکنون نیز اهواز است.

در سال ۱۲۸۷ش نخستین چاه نفت ایران در خوزستان و در شهر مسجد سلیمان حفر و نفت از آن استخراج شد. این چاه که به «چاه شماره یک» مشهور است. نخستین چاه نفت در جهان است که از آن در مقیاس صنعتی، نفت استخراج شده و اولین گام در تاسیس صنعت نفت ایران به شمار می رود. اکنون چاه شماره یک، به صورت موزه با مدیریت شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب ایران اداره می شود.

استان خوزستان غنی‌ترین استان ایران در زمینه منابع نفت و گاز است که در حال حاضر عمده درآمد کشور از راه صدور این دو محصول طبیعی حاصل می‌شود. تا چندی پیش قابلیت کشتیرانی تجاری در رود کارون تا شهر اهواز وجود داشت اما در حال حاضر کشتیرانی تجاری عملاً ناممکن شده است. آب فراوان رودهای کارون، کرخه، هندیجان، جراحی، مارون، اروند و دز که از جمله پرآب‌ترین رودهای ایران هستند و ساختار جلگه‌ای استان خوزستان، قابلیت بالقوه کشاورزی فراوانی در آن ایجاد کرده است. علاوه بر کشاورزی سنتی و نیمه مکانیزه محصولات سنتی (مثل برنج، گندم، مرکبات و صیفی‌جات) نیشکر هم به صورت صنعتی در قالب طرح و توسعه نیشکر و صنایع جانبی استان خوزستان در ابعاد وسیعی کاشت و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

با اینکه مذهب رسمی مردم این استان شیعه است. پیروان دیگر آیین‌ها نیز در این استان زیسته‌اند. در شهر اهواز کنار اروندکنار گروه اندکی صابئین (درخوزستان به آنها صَبّی می‌گویند) در کرانه رود کارون ساکنند و بیشتر به کار زرگری مشغولند.

خوزستان تنها استانی است که در طول جنگ دچار بیش‌ترین آسیب و خسارت شد. خوزستان و به ویژه اروندرود یکی از مطامع اصلی رژیم بعث عراق در حمله به ایران اسلامی بود. این استان به علت داشتن ذخایر غنی نفت و موقعیت راهبردی، تاریخ پرماجرایی داشته است و تا قبل از جنگ یک بار توسط قوای عثمانی و دوبار توسط قوای انگلیس مورد تعرض قرار گرفته است. قبل از آغاز جنگ مناقشات متعددی بر سر حاکمیت بر اروندرود بین ایران و رژیم بعث وجود داشت که با عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر این مناقشات مدتی فروکش کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مخالفین تحرکات زیادی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران انجام دادند که یکی از آنها راه‌اندازی جریان خلق عرب و ایجاد تفرقه بین مردم خوزستان و در نهایت تجزیه خوزستان بود که در این میان رژیم بعث، سهم ویژه‌ای داشت. پس از شکست همه توطئه‌ها و با توجه به سابقه زیاده‌خواهی حزب بعث و صدام، حمله به ایران توسط عراق آغاز شد. صدام در مقابل دوربین تلویزیون عراق و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را پاره کرد و بلافاصله نقاط مهمی از کشور و به ویژه استان خوزستان مورد بمباران و هجوم قرار گرفت.

جنگنده‌های عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (روز آغاز رسمی جنگ) شهرهای اهواز، دزفول، امیدیه، آبادان و ... را بمباران کردند. بمباران و بعدها موشک‌باران شهرها به حدی بود که شهر دزفول به عنوان «بلد الصواریخ» یعنی شهر موشک‌ها نام گرفت. علاوه بر بمباران هوایی، نیروهای زمینی عراق نیز به خوزستان هجوم آوردند و شهرهای خرمشهر، سوسنگرد، بستان و هویزه را تصرف نموده و تا منطقه دبحردان در نزدیکی اهواز پیشروی کردند. شهر آبادان نیز به محاصره ۲۷۰ درجه درآمد و شهرهای شوش، دزفول و اندیمشک در تیررس دشمن قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۹ و اوایل ۱۳۶۰ وضعیت جنگی به نفع رژیم بعث عراق بود تا آن که پس از عزل بنی‌صدر و آغاز تحول انقلابی در صحنه جنگ، عملیات پیروزمندانه آغاز شد. با عملیات ثامن‌الائمه (ع) و شکست حصر آبادان و سپس عملیات طریق‌القدس و آزادی بستان، جنگ در جبهه خوزستان روند بهتری یافت و در نهایت با انجام دو عملیات فتح‌المبین در شمال خوزستان و بیت‌المقدس در جنوب، تقریباً

همه مناطق اشغالی آزاد شد. استان خوزستان تا آخرین روزهای جنگ شاهد عملیات‌های بزرگ دیگری همچون والفجر مقدماتی، و الفجر ۱، خیبر، بدر، والفجر ۸ و کربلای ۵ بود.

از آغاز تا پایان «جنگ شهرها» بالغ بر ۱۲۷ شهر کشور مورد تهاجم هوایی و موشکی دشمن قرار گرفت. در این میان، آبادان با بیش از ۱۰۱۷ بار، بیش از همه مورد تهاجم واقع شد. این تعداد معادل ۲۱/۳ درصد از کل مجموع حملات به شهرهای کشور است. شهر اهواز، با ۳۱۶ بار حمله و ۶/۶ درصد از کل حملات به شهرها، در درجه دوم قرار گرفته و سپس دزفول با ۲۴۱ تهاجم، ۱/۵ درصد از کل حملات را متحمل شده است. به طور کلی استان خوزستان با ۲۰۰۸ مورد بیش از ۴۲ درصد از حملات هوایی دشمن را در طول جنگ متحمل بوده است.

جدول آمار تهاجم هوایی عراق به شهرهای استان خوزستان در طول جنگ

نام شهر	تعداد تهاجم
آبادان	۱۰۱۷
اهواز	۳۱۶
دزفول	۲۴۱
خرمشهر	۱۲۸
سوسنگرد	۵۷
اندیمشک	۵۲
مسجدسلیمان	۳۳
آغاچاری	۲۹
رامهرمز	۲۵
شوشتر	۲۲
بستان	۱۷
شادگان	۱۱
بندرماهشهر	۱۱
هویزه	۱۰
حمیدیه	۹
بندرامام خمینی(ره)	۹
بهبهان	۸
شوش	۷
ایذه	۵
امیدیه	۱
جمع	۲۰۰۸

بیشترین آمار شهدا و مجروحین جنگ شهرها در طول جنگ مربوط به شهر اهواز است که در مجموع ۱۰/۷ درصد از کل تلفات را به خود اختصاص داده است. بعد از آن به ترتیب شهرهای کرمانشاه با ۷/۹ درصد، دزفول با ۶/۹ درصد، آبادان با ۶/۲ درصد، اندیمشک به

۶/۲ درصد، همدان با ۴ درصد و تهران ۳/۴ درصد به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به طور کلی ۴۰/۵ درصد از شهدا و مجروحین جنگ شهرها در طول جنگ به استان خوزستان تعلق دارد.

جدول آمار شهدا و مجروحین شهرهای استان خوزستان در طول جنگ شهرها

نام شهر	تعداد شهدا	تعداد مجروحین	تعداد کل شهدا و مجروحین	درصد شهدا و مجروحین نسبت به کل کشور
اهواز	۱۱۳۷	۷۱۱۶	۸۲۵۳	۱۰/۷٪
دزفول	۱۱۷۳	۴۱۵۳	۵۳۲۶	۶/۹٪
آبادان	۸۸۲	۴۱۹۱	۵۰۷۳	۶/۶٪
اندیشمک	۷۲۴	۱۷۶۰	۲۴۸۴	۶/۲٪
مسجد سلیمان	۴۳۳	۱۸۰۳	۲۲۳۶	۲/۹٪
بهبهان	۳۷۳	۱۱۶۲	۱۵۳۵	۲٪
سوسنگرد	۲۰۲	۸۱۱	۱۰۱۳	۱/۳٪
شوشتر	۱۳۲	۵۶۸	۷۰۰	۰/۹٪
خرمشهر	۱۴۰	۳۰۳	۴۴۳	۰/۶٪
رامهرمز	۵۶	۲۵۸	۳۱۴	۰/۴٪
هویزه	۲۵	۱۹۰	۲۱۵	۰/۲۸٪
آغا جاری	۳۲	۱۶۰	۱۹۲	۰/۲۵٪
حمیدیه	۴۵	۱۴۱	۱۸۶	۲۴/۰٪
بندرماهشهر	۱۹	۱۳۷	۱۵۶	۰/۲٪
بندرامام خمینی	۲۳	۹۹	۱۲۲	۰/۱۶٪
شادگان	۸	۸۳	۹۱	۰/۱۲٪
بستان	۲۳	۳۸	۶۱	۰/۰۸٪
شوش	۸	۵	۱۳	۰/۰۱٪
جمع	۵۴۳۵	۲۲۹۷۸	۲۸۴۱۳	۴۰/۵ درصد از کل کشور

با پایان جنگ، خوزستان به مرور به سازندگی و بازسازی روی آورد، هرچند هنوز مناطق بسیاری از آن آلوده به میادین مین بود و پیکرهای شهدا در این مناطق برجای مانده بود. با راه اندازی کمیته جستجوی مفقودین، پیکر پاک شهدای بسیاری از دل خاک های تفتیده خوزستان تفحص شدند که در این راه و در این سرزمین شهدای دیگر نیز تقدیم انقلاب شدند. خوزستان پس از جنگ به مرور پذیرای رزمندگانی شد که به یاد هم‌رزمان خویش قدم بر این سرزمین می گذاشتند و این‌گونه بود که سایر اقشار مردم نیز به آن‌ها پیوستند و راهیان نور استان خوزستان شکل گرفت.^۱

خرمشهر

خرمشهر شهری است مرزی در جنوب غربی استان خوزستان که در محل تلاقی رودخانه‌های کارون و اروند واقع شده است و از شمال به اهواز، از شرق به بندر ماهشهر، از جنوب به آبادان و از غرب به مرز ایران و عراق محدود می‌شود. رودخانه کارون با گذر از داخل شهر خرمشهر (به صورت شرق به غرب) در جنوب خرمشهر به اروندرود می‌پیوندد که به این نقطه «سه راه تلاقی» گفته می‌شود.

با آغاز جنگ ایران و عراق، خرمشهر به دلیل نزدیکی به مرز، یکی از اولین نقاطی بود که مورد حمله ارتش بعثی قرار گرفت. دشمن در نظر داشت خوزستان و خرمشهر را چند روزه اشغال کند، اما مدافعان شهر به مدت ۳۴ روز در مقابل ارتش عراق مقاومت کردند و همین امر خرمشهر را به عنوان نماد و سمبل مقاومت به همگان شناساند. در تاریخ ۴ آبان ۱۳۵۹ آخرین مدافعان شهر نیز به جهت فشار مضاعف دشمن

و کمبود سلاح و تجهیزات مجبور به عقب‌نشینی از خرمشهر شدند. دشمن پس از ناکامی در اشغال خوزستان، تجهیزات و امکانات دفاعی فراوانی را در خرمشهر و حومه آن مستقر و اطراف شهر را مین‌گذاری کرد و خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ مطرح نمود. اما با همت جوانان ایرانی، خرمشهر پس از ۵۷۸ روز (حدود ۱۹ ماه) اشغال توسط ارتش بعثی عراق، در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۶۱ با حمله نیروهای خودی در عملیات «بیت‌المقدس» آزاد شد. در روزهای پایانی جنگ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، ارتش عراق که هیچ‌گاه دست از خوی تجاوزکارانه خود برنداشته بود، با انبوهی از لشکرهای خود در ۱۳۶۷/۴/۳۱ با تهاجمی دیگر خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساند و ۳۰ کیلومتر این جاده را اشغال کرد. درحالی که خرمشهر در خطر محاصره و اشغال دوباره قرار گرفته بود، با پیام هشداردهنده امام خمینی(ره) و با حضور سپاه و انبوه نیروهای مردمی در این منطقه، طی سه روز درگیری و مقاومت، دشمن دوباره به عقب رانده شد.

شلمچه

شلمچه منطقه‌ای در حدفاصل شهرهای خرمشهر و بصره است که بخشی از آن در خاک ایران و بخشی دیگر در خاک عراق قرار دارد. مرزهای سرزمینی شلمچه از شمال به کانال ادب و پاسگاه بوبیان، از جنوب به اروندرود، از شرق به نهر عرایض و از غرب به کانال زوجی محدود می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعثی عراق با توجه به نزدیکی

بندر خرمشهر به مرز و وجود کنسولگری عراق در این شهر، به حمایت از گروه‌های ضدانقلاب از جمله گروه موسوم به خلق عرب پرداخت، پشتیبانی تجهیزاتی رژیم بعث از این گروه، که در راستای زمینه‌سازی تهاجم گسترده به ایران بود، اقدامات مختلف تروریستی را در پی داشت که مواردی مانند ترور اشخاص، ارسال مهمات، بمب‌گذاری، حمله مسلحانه به مراکز نظامی و اقتصادی و گلوله‌باران پاسگاه‌ها را شامل می‌شد. این وضعیت از اوایل سال ۱۳۵۸ آغاز و در مرداد و شهریور ۱۳۵۸ به اوج خود رسید. در این ماه‌ها، اقدامات مهندسی عراق در ایجاد مواضع، سنگرها و گسترش نیروهای نظامی در منطقه، نمودی آشکار از زمینه‌سازی تجاوز و انتخاب شملچه به عنوان محور اصلی تهاجم به خوزستان بود.

با هجوم سراسری ارتش عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ پاسگاه شملچه به اشغال دشمن درآمد؛ اما اندک نیروهای خودی، پاسگاه را بازپس گرفته و بیست تن از نیروهای دشمن را اسیر کردند. از بامداد ۱۳۵۹/۷/۱ ارتش عراق تلاش نمود تا با شکستن خط تامین دژ و عبور از شملچه به سمت خرمشهر پیش‌روی نماید، اما با مقاومت سرسختانه مدافعان، فاصله پاسگاه شملچه تا پل نو را در مدت چهار روز طی کرد.

با دستیابی دشمن به حاشیه خرمشهر، منطقه شملچه به اشغال کامل عراق درآمد. اگرچه خرمشهر در ۱۳۶۱/۳/۳۱ در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس آزاد شد، اما حاشیه مرزی شملچه تا آغاز عملیات کربلای ۵ در ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند.

دشمن به دنبال مشاهده پیش‌روی‌های رزمندگان، به فکر ایجاد مانعی غیرقابل عبور برای نیروهای اسلام افتاد؛ بنابراین پیرو تدابیر

پدافندی خود، در شمال جزیره بوارین توسط کانال پرورش ماهی آب زیادی را در زمینی به وسعت ۷۵ کیلومترمربع رها ساخت. عمق آب‌گرفتگی بوبیان در زمان جنگ با توجه به کنترل آن توسط دشمن، حداکثر به هفتاد سانتی‌متر می‌رسید. عراق با این کار دریاچه مصنوعی کم‌عمقی را ایجاد کرده بود که پیش‌روی قایق و غواص را با مشکلات فراوان مواجه می‌نمود.

از دیگر مواضع پدافندی دشمن در این منطقه، کانال زوجی بود؛ کانال دو ردیفه‌ای به طول تقریبی هشت کیلومتر و عرض چهل متر و شامل دو شاخه بیست‌متری که به فاصله چهارمتر از یکدیگر قرار می‌گرفتند. کانال شمالی - جنوبی زوجی از یک طرف به کانال پرورش ماهی و از سمت دیگر به اروند صغیر متصل بود.

دو ردیف دژ با مواضع نونی‌شکل در غرب نهر دوعیجی نیز از پیشرفته‌ترین طرح‌های پدافندی بود که توسط کارشناسان غربی، طرح‌ریزی و دراختیار صدام قرار داده شد. ایجاد مواضع نونی در این نقطه باعث شد قوت خطوط پدافندی در این منطقه استحکام بیشتری نسبت به تمام خطوط پدافندی عراق داشته باشد.

در طول جنگ، منطقه شلمچه صحنه عملیات‌های بیت‌المقدس، رمضان، پش‌تیبانی والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۸ و بیت‌المقدس ۷ بود که در این میان، نبرد کربلای ۵ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.^۱

نهر خین

خین نهری است در نزدیکی روستای خین در غرب خرمشهر و جنوب نهر عرایض که جزیره بوارین عراق را از شلمچه ایران جدا می‌کند. نهرخین در مجاورت پاسگاه مرزی خین قرار دارد و دو و نیم متر عمق و بین هشت تا سی متر عرض آن متغیر است و در تنومه عراق به شطالعرب می‌ریزد.

قبل از آغاز جنگ، ارتش عراق برای مسلح نمودن عوامل خود در خرمشهر به طور مرتب در حاشیه این نهر به تخلیه سلاح می‌پرداخت. با آغاز جنگ تیپ ۲ لشکر ۵ پیاده - مکانیزه ارتش عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ در کنار نهرخین آرایش تهاجمی به خود گرفت. این درحالی بود که از روزهای قبل، پاسگاه خین زیر آتش دشمن قرار داشت و نیروهای ژاندارمری به کمک نیروهای مردمی در این پاسگاه مقاومت می‌کردند. در سومین روز جنگ این پاسگاه تخلیه شد و مدافعین در محدوده پل نو موضع گرفتند.

در جریان آزادسازی خرمشهر، خین یکی از محورهای قرارگاه نصر برای ورود به شهر بود. در عملیات والفجر ۸ نیز تلاش پشتیبانی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در محدوده آن صورت گرفت. در عملیات کربلای ۴ این منطقه شاهد سنگین‌ترین درگیری خود در طول تاریخ بوده است، به طوری که شهدای بسیاری در آن به شهادت رسیدند. نهرخین با انواع موانع از جمله نبشی‌های ضربدري و سیم‌خاردارهای حلقوی و انواع میادین مین و موانع خورشیدی، مانع بسیار جدی برای عبور رزمندگان در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ محسوب می‌شد. عبور از منطقه باتلاقی و لجن‌زار و نفوذ به دژ جنوبی نهرخین با ارتفاع دو و نیم متر و عرض

شش متر که در وسط آن کانالی بتنی با مهندسی پیچیده ساخته شده بود و اطراف آن سنگرهای نگهبانی و کمین ضد گلوله تعبیه شده بود که گلوله آرپی.جی ۱۱ و چهارلول ضد هوایی از آن محافظت می‌کردند. عملاً کاری غیرممکن بود. با این حال رزمندگان در عملیات کربلای ۴ در نبردی شجاعانه خسارات و تلفات فراوانی به دشمن وارد کردند و حتی عده‌ای از رزمندگان از نهر خین گذشتند. اما در نهایت به دلیل لورفتن عملیات و حجم بسیار سنگین آتش دشمن، فرماندهان دستور توقف عملیات را صادر نمودند. با اطلاعات و تجارب به دست آمده در این عملیات، این منطقه در عملیات کربلای ۵ آزاد شد.^۱

پل نو

نهر عریاض شاخه‌ای از رود اروند است که برای آبیاری منطقه غرب خرمشهر احداث شده است. در گذشته بر روی این نهر پلی چوبی بود که پس از ترمیم پل نو نام گرفت. این پل با ۵۸ متر طول و هفت متر عرض، از طریق جاده شلمچه، منطقه شلمچه را به خرمشهر متصل می‌کند.

با شروع جنگ، پل نو معبر اصلی هجوم نیروهای بعثی به خرمشهر شد. به نحوی که گردان تانک‌الحسن و گردان نهم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق پس از عبور از شلمچه در ۲ مهرماه ۱۳۵۹ به نزدیکی پل نو رسیدند. صبح روز ۳ مهر نیروهای خودی با نیروهای دشمن درگیر شدند. اما با پیش‌روی قوای زرهی عراق از شمال نهر عریاض، اندک مدافعان پل نو تا پاسگاه مرزی دوربند عقب آمده و سپس با بضاعت کم، تانک‌های مهاجم را عقب راندند. در روزهای بعد

نیز درگیری و جنگ و گریز ادامه داشت و گاهی دشمن با عبور از پل نو به طرف خرمشهر پیش می‌آمد. لیکن مدافعان آنها را تا غرب این پل عقب می‌راندند. در نهایت برای ممانعت از ورود نیروهای دشمن به شهر، رزمندگان سپاه آغاچاری به کمک نیروهای مهندسی ارتش، بخشی از پل را منهدم کردند. واحدهای زرهی دشمن که برای تصرف خرمشهر چاره‌ای جز عبور از نهر عرایض نداشتند، با احداث پل نظامی توسط مهندسی سپاه سوم ارتش عراق توانستند در روز ۱۰ مهرماه نیروهای خود را عبور داده و تا چهارراه کشتارگاه پیش‌روی کنند.

در جریان عملیات بیت‌المقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱ در حالی که تیپ ۳۳ احتیاط نیروی مخصوص ارتش عراق در غرب پل نو مستقر شده بود و ده‌ها عراده توپ در شمال آن در اختیار داشت، رزمندگان توانستند ضمن آزاد نمودن کل منطقه، چهار پل نظامی احداث شده بر روی نهر عرایض را تصرف کرده و راه فرار نیروهای دشمن را در خرمشهر مسدود کنند. پس از آزادی خرمشهر، دشمن برای ممانعت از دستیابی رزمندگان به شلمچه در آن سوی نهر عرایض موانع متعددی احداث نمود. با این وجود در عملیات کربلای ۴ و ۵ رزمندگان در آن سوی نهر وارد عمل شدند.^۱

نهر عرایض

نهر عرایض منشعب از اروندرود و در غرب خرمشهر واقع است. این نهر مانع بزرگی بر سر راه قوای متجاوز عراقی بود. در دومین روز جنگ (۱۳۵۹/۷/۱) در حالی که تیپ زرهی دشمن در شمال نهر عرایض به سمت جاده خرمشهر- اهواز پیشروی می‌کرد. یک گردان

نیروی مخصوص نیز از سمت شلمچه به طرف نهر عرایض پیش می‌آمد. تنها پل روی عرایض، پل نو نام داشت که دشمن برای تصرف آن بیش از یک هفته تلاش کرد و تا زمانی که پل نو به طور کامل سقوط نکرده بود، نهر عرایض عامل بازدارنده مهمی بود که به عنوان سپر دفاعی در جبهه غربی خرمشهر شناخته می‌شد. متقابلاً، پس از بیرون راندن دشمن از خرمشهر و آزادی خرمشهر، دشمن در آن سوی نهر عرایض موانع زیادی را ایجاد کرد تا مانع از دستیابی نیروهای خودی به شلمچه باشد.

با وجود این رزمندگان در سه عملیات والفجر ۸، کربلای ۴، و کربلای ۵ در آن سوی نهر عرایض عملیات کردند. در عملیات کربلای ۴، نهر عرایض محل استقرار قایق‌هایی بود که قرار بود از تنگه ام‌الرصاص عبور کنند. اما همچنان غرب نهر عرایض ناامن و پر از موانع و سنگرهای کمین بود. تا آن که در عملیات کربلای ۵ منطقه مزبور پاکسازی شد.^۱

جاده اهواز - خرمشهر

جاده اهواز - خرمشهر مهم‌ترین جاده حمل و نقلی کشور قبل از جنگ و اصلی‌ترین جاده ارتباطی خرمشهر با اهواز مرکز استان خوزستان بود. این جاده و خاکریز شرق آن، که بر دشتهای وسیع غرب رودخانه کارون مسلط است برای ارتش عراق بسیار بااهمیت بود.

در پنج روز اول جنگ، از کیلومتر ۶۰ این جاده تا پلیس راه خرمشهر به اشغال دشمن درآمد و در طول اشغال، انواع خاکریز، موانع، استحکامات و مواضع تانک و نفربر برای ممانعت از تسلط رزمندگان بر

جابه‌جایی ادوات دشمن و هرگونه امکان نفوذ در آن، در شرق این جاده احداث شد که بعدها در میان فرماندهان به دژ بارلویی نیز معروف شد. دشمن در طول جاده نیز برای هدایت آب از غرب جاده به سمت شرق، با قطع جاده سه بریدگی ۲۰ متری ایجاد کرده بود.

این جاده که مهم‌ترین بخش از مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس بود، در ۱۳۶۱/۱۲/۱۰ با رشادت رزمندگان قرارگاه فتح و نصر آزاد شد. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۱۳۶۷/۴/۳۱ دشمن با هجومی گسترده به اهواز و خرمشهر پیش‌روی نمود و دوباره بر این جاده مسلط شد که در نهایت در عملیاتی موسوم به عملیات سرنوشت با نبردی سنگین و دشوار طی سه روز به عقب رانده شد.^۱

پلیس راه

پلیس راه خرمشهر در ابتدای جاده خرمشهر—اهواز و پس از کمربندی قرار دارد و دروازه ورود به خرمشهر از سمت شمال محسوب می‌شود.

ارتش عراق پس از آنکه در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲ جاده خرمشهر—اهواز را مسدود کرد، با یک فلش غربی - شرقی به سوی کارون و با یک فلش شمالی - جنوبی به سوی خرمشهر حرکت کرد ولی تا روز ۱۳۵۹/۷/۲۱ نتوانست موقعیت خود را در پلیس راه تثبیت کند. در این مدت در انبارهای عمومی، ساختمان‌های پیش‌ساخته، پلیس‌راه و دیزل‌آباد نبردهای سنگین روی داد. حتی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ دشمن همه موانع را پشت‌سر گذاشت و تا میدان کشتارگاه پیش‌روی کرد. اما نتوانست موقعیت خود را تثبیت کند. تا آنکه توان مدافعان تحلیل رفت

و دشمن در ۱۳۵۹/۷/۱۶ در منطقه خانه‌های پیش‌ساخته با مقاومت کمی روبه‌رو شد، طوری که دشمن ظرف پنج روز خط خود را تا پلیس راه جلو کشید و موقعیت خود را تثبیت نمود.

نوزده ماه پس از اشغال این منطقه، هنگامی که رزمندگان در ادامه مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس کوشیدند با استفاده از جاده اهواز-خرمشهر از پلیس راه عبور کنند و وارد شهر شوند، دشمن مقاومت سختی از خود بروز داد و عملیات در این منطقه به نتیجه نرسید. تا آن که با اجرای مرحله پایانی عملیات بیت‌المقدس، دشمن از محور پل‌نو نیز تهدید شد و از دو سو به محاصره درآمد و تسلیم شد.^۱

پادگان دژ

پادگان دژ در شمال خرمشهر و شرق جاده اهواز-خرمشهر واقع شده است. این پادگان با استعداد یک گردان مستقل (گردان ۱۵۱ لشکر ۹۲) وظیفه حراست از دژهای مرزی را برعهده داشت. در طرح‌های نظامی قبل از انقلاب پیش‌بینی شده بود که در صورت حمله عراق به خوزستان، دژهای مرزی با انجام عملیات تاخیری فرصت لازم را برای حضور لشکرهای نیروی زمینی ارتش فراهم آورند. به همین منظور در پادگان دژ که فرماندهی دژهای مرزی را نیز برعهده داشت. سلاح و مهمات کافی برای مقاومت ۴۸ ساعته ذخیره شده بود. پادگان دژ در ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ سقوط کرد و سلاح‌های باقی‌مانده در پادگان غارت شد.

نیروی دشمن که در کیلومتر ۷ جاده اهواز-خرمشهر قرار داشتند. در روز ۲ مهرماه بر روی پادگان آتش گشودند که این امر موجب تخلیه سربازان پادگان شد. اما با حضور به موقع مدافعین و تجدید

مسجد جامع خرمشهر ۲۹/

روحیه سربازان و بهره‌گیری از معدود تفنگ‌های ۱۰۶ موجود در پادگان، مقاومت در پادگان همچنان ادامه یافت. در روز ۷ و ۸ مهرماه پادگان زیر آتش شدید توپخانه ارتش عراق قرار گرفت.

در روزهای پایانی مرحله سوم هجوم دشمن، تعدادی از کماندوهای عراقی به امید آزادی اسرای خود که گمان می‌کردند در پادگان نگهداری می‌شوند، شبانه به این پادگان شبیخون زدند و یکی از افسران آن را با چاقو به شهادت رساندند. در پی این حادثه گروهی از نیروهای ژاندارمری در پادگان مستقر شدند. دشمن سرانجام با آغاز مرحله چهارم هجوم خود در ۲۳ مهر، با تانک‌های تیپ ۲۶ زرهی و نیرهای پیاده خود پادگان دژ را محاصره کرد و حدود بیست نفر از مدافعان آن، از جمله یک افسر را به اسارت درآورد و تفنگ‌های ۱۰۶ و سایر تجهیزات موجود را غارت کرد. این پادگان تا آزادسازی خرمشهر همچنان در اشغال دشمن قرار داشت.^۱

مسجد جامع خرمشهر

مسجد جامع خرمشهر در بخش مرکزی شهر و بین خیابان آیت‌الله‌خامنه‌ای (چهل‌متری) و رود کارون و نبش خیابان انقلاب قرار دارد. این مسجد که در سال ۱۲۵۰ش ساخته شده و به نام «مسجد لب‌شاخه» معروف شده بود در سال ۱۳۴۳ تجدید بنا شد و به مرور به کانون مبارزه با رژیم ستمشاهی تبدیل شد. با پیروزی انقلاب این مسجد کانون مبارزه با ضدانقلاب شد به طوری که در ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸ با پرتاب نارنجک توسط ضدانقلاب هفت نفر از مردم در صحن مسجد به شهادت رسیدند.

با آغاز جنگ این مسجد به دلیل موقعیت مکانی و نقش محوری در مبارزات قبل از انقلاب به کانون مقاومت ۳۴ روزه مردمی خرمشهر تبدیل شد و به عنوان مرکز پشتیبانی و سازماندهی نیروهای مردمی به محلی برای تبادل اخبار، تجهیز، آموزش، جمع‌آوری کمک‌ها، مداوای اورژانسی مجروحین و نگهداری موقت پیکرهای شهدا تبدیل شد. با حضور مستمر شهید محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر و تعدادی از افسران ارتش و نیز استقرار بی‌سیم مادر در مسجد، این مکان عملاً به مقر تاکتیکی دفاع از خرمشهر تبدیل شد. دشمن در ۱۳۵۹/۷/۲۸ مصادف با عید قربان با هدایت عناصر ستون پنجم برای اولین بار مسجد جامع را هدف گلوله‌باران خود قرار داد که در نتیجه آن بخش‌هایی از گنبد و صحن مسجد تخریب و جمعی از مدافعان به شهادت رسیدند. صبح روز ۳ آبان ۱۳۵۹ درگیری با دشمن در سی‌متری مسجد تشدید و در نهایت توسط دشمن اشغال شد و با فرارسیدن شب دستور عقب‌نشینی و ترک شهر به همه مدافعان ابلاغ گردید. مسجد جامع خرمشهر یکی از معدود بناهایی بود که پس از آزادسازی خرمشهر همچنان پابرجا مانده بود. با پیروزی عملیات بیت‌المقدس رزمندگان بلافاصله پس از آزادسازی خرمشهر خود را به مسجد جامع رساندند و نماز شکر به جای آوردند.^۱

گلزار شهدای خرمشهر

گلزار شهدای خرمشهر که قبل از جنگ جنت‌آباد نام داشت. روبه‌روی پادگان دژ در بخش شمالی شهر و ضلع جنوبی خیابان کمربندی قرار دارد. این گلزار یادآور شهدای گمنام و مظلوم خرمشهر

است که عده‌ای از آنها بدون مراسم و حتی بدون کفن دفن شدند. تنها در دوران مقاومت خرمشهر ۴۱۹ نفر در این مکان به خاک سپرده شدند که ۲۴۷ نفر از آنها خرمشهری بودند و ۱۶۲ نفر دیگر از ۵۱ نقطه کشور می‌باشند که بیش‌ترین آنها به ترتیب از شهرهای تهران، آبادان، شیراز و اهواز می‌باشند.

این گلزار در دوران مقاومت شاهد زنانی بوده است که با دستان خویش پدران و پسران و برادران خویش را به خاک سپرده‌اند. این گلزار به دلیل نزدیکی با پادگان دژ همواره زیر آتش دشمن قرار داشت. و در برخی موارد در اثر انفجار، پیکرهای شهدا به اطراف پراکنده می‌شد.^۱

بندر خرمشهر

بندر خرمشهر که در جنوب‌غربی این شهر قرار دارد، به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی و ارتباط با آب‌های آزاد و وجود شرکت‌های بزرگ تجاری و کشتیرانی داخلی و خارجی از گذشته به خرمشهر چهره‌ای جهانی داده است.

در سال ۱۳۱۸ش از اولین اسکله تجاری بزرگ در خرمشهر برای پهلوگرفتن یک کشتی اقیانوس‌پیما بهره‌برداری شد. در جریان جنگ جهانی دوم نیز شش اسکله دیگر در آن ساخته شد. پس از این جنگ، اسکله بتنی دیگر به طول ۳۶۰ متر و عرض ۳۲/۵ متر احداث شد.

احداث ساختمان بندر در سال ۱۳۳۴ آغاز شد و با طرح‌های توسعه این بندر طول اسکله به ۱۳۵۰ متر و تعداد ایستگاه‌های پهلوگیری به ۹ اسکله افزایش یافت.

در اسفند ۱۳۵۲ش، مرکز فرماندهی ناوگان خلیج فارس و دریای

عمان نیروی دریایی ارتش که در خرمشهر مستقر بود، به بندرعباس انتقال یافت.

با آغاز جنگ، بندر خرمشهر که با دوازده انبار، بزرگترین بندر تجاری کشور محسوب می‌شد، مملو از کالاهای صنعتی، خودرو، لوازم خانگی و مواد اولیه کارخانه‌ها بود. برهمین اساس شورای تامین خرمشهر تصمیم گرفت با اولویت‌بندی براساس میزان اشتغال‌پذیری اقدام به تخلیه انبارهای گمرک کند. اما به دلیل تعلل و غافل‌گیری مسئولین و صاحبان کالا، تخلیه گمرک با کندی صورت گرفت و در نتیجه بسیاری از کالاها دچار آتش‌سوزی شد و یا توسط ارتش عراق به غارت رفت.

ترمینال نظامی بندر خرمشهر از روز ۲۸ شهریور ماه ۱۳۵۹ هدف گلوله‌های آرمی جی دشمن قرار گرفت و با آغاز هجوم سراسری، دشمن در ۸ مهر از محور بندر وارد عمل شد. ولی بلافاصله پس از حضور مدافعین در محدوده درفیلیه (از درهای سه‌گانه گمرک) دشمن پیش‌روی خود را متوقف کرد. در ۹ مهرماه دشمن از در سنتاب (از درهای سه‌گانه گمرک) قصد ورود و اشغال گمرک را داشت که مدافعان بندر ساعت‌ها در برابر هجوم تانک‌ها و زره‌پوش‌ها و انبوه آتش دشمن مقاومت کردند.

از صبح ۱۰ مهر عراقی‌ها دوباره از این محور حمله کردند و خود را به پشت دیوار گمرک رساندند. روز ۱۳ مهر دشمن با تحمل تلفات، بخشی از محوطه بندر را تصرف کرد. روز بعد مدافعان به عراقی‌ها یورش بردند و آنها را کمی به عقب راندند. حدفاصل روزهای ۱۵ تا ۱۷ مهرماه دوباره دشمن وارد عمل شد و در یک درگیری سنگین و تحمل ده‌ها کشته و

زخمی، نیمی از بندر و مسجد آن را که پایگاه مدافعان بود، اشغال کرد. با تهاجم گسترده دشمن در ۲۳ مهرماه محوطه بندر به طور کامل اشغال شد اما مقاومت در گمرک در برابر گردان‌های نیرو مخصوص و تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ ارتش عراق تا ۲۷/۷/۱۳۵۹ و در حالی که بیش از دوسوم شهر سقوط کرده بود ادامه یافت.^۱

پل خرمشهر

پل خرمشهر در جنوب شرقی این شهر و بر روی رود کارون قرار دارد. ساخت این پل که ۶۱۶ متر طول و ۸ متر عرض دارد، از سال ۱۳۳۸ آغاز شد و در سال ۱۳۴۹ به بهره‌برداری رسید و بدین وسیله بخش شمالی شهر به بخش جنوبی آن پیوند خورد.

ارتش عراق هنگام هجوم به خرمشهر کوشید با دستیابی سریع به این پل، راه تدارکاتی مدافعان را بسته و آنها را در محاصره کامل قرار دهد تا بتواند خرمشهر را سریع‌تر اشغال کند. دشمن از بامداد ۲ آبان ۱۳۵۹ پس از اشغال ساختمان فرمانداری، در بخش شمالی پل مستقر شد و نیروهای مدافع را که در حدفاصل شمال غربی پل تا مسجد جامع حضور داشتند، به محاصره درآورد. اما رزمندگان با تلاش بسیار موفق شدند نیروهای دشمن را عقب برانند.

صبح روز سوم آبان قوای دشمن دوباره هجوم آوردند و پس از اشغال ساختمان فرمانداری، بر پل خرمشهر مسلط شدند و با استقرار در ساختمان‌های مجاور، هرگونه تردد در اطراف پل را زیر آتش گرفتند. به این ترتیب با دستیابی دشمن به پل خرمشهر، این شهر عملاً در آستانه سقوط قرار گرفت و تعدادی از نیروهای باقیمانده در آن سوی

پل (در منطقه تحت اشغال دشمن) از طریق لوله‌های بزرگ زیر پل، خود را به ساحل جنوبی کارون رساندند. در نهایت با تخریب بخشی از پل توسط دشمن تردد زمینی به این سوی کارون غیرممکن شد. با پایان اشغال خرمشهر و آغاز ساخت پل جدید، به جهت استقامت فراوان مدافعان شهر در محدوده این پل، نام آن به «پل استقامت» تغییر یافت. اکنون پل دیگری نیز با نام «شهید جهان‌آرا» آبادان را به خرمشهر متصل نموده است.^۱

مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه جنگ)

مرکز فرهنگی دفاع مقدس (موزه جنگ) خرمشهر، ساختمان سابق شرکت نفت خرمشهر است که در خیابان امام خمینی (ره) (لب شط سابق) و در کنار پل شهید جهان‌آرا (پل فلزی) قرار دارد. این ساختمان در اواخر مهر ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمد که پس از آزادسازی خرمشهر به محلی برای برپایی موزه جنگ تبدیل شد.

در این موزه آثار دوره مقاومت و دوره آزادسازی در قالب فیلم، عکس، ماکت، تندیس و ... در معرض نمایش گذاشته شده است. یکی از موارد دیدنی این موزه، دیوارنویسی‌های اشغالگران عراقی است که در مدت استقرار در ساختمان شرکت نفت از خود به جا گذاشته‌اند.^۱

مارد

روستای مارد از توابع شهرستان خرمشهر در ۱۸ کیلومتری شمال آبادان و در کناره غربی جاده آبادان - اهواز واقع است. در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ دشمن در شمال این روستا با نصب پل

عملیات آفندی بیت المقدس / ۳۵

نظامی بر روی کارون، که به پل مارد معروف شد، از آن عبور کرد. تعدادی از نیروهای خودی برای جلوگیری از پیش‌روی دشمن به روستای مارد اعزام شدند. اما با وجود دشت صاف و بی‌عارضه منطقه و نبود تجهیزات مناسب، امکان جلوگیری از پیش‌روی دشمن میسر نشد و دشمن منطقه اشغالی را گسترش داد و روستای مارد را نیز تصرف کرد. در پی انجام عملیات «فرمانده کل قوا، امام خمینی روح خدا» در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ در شمال مارد و نزدیک شدن خط پدافندی خودی به پل مارد، ارتش عراق این پل را برچید و به دو پل قصبه و حفار که در جنوب مارد احداث کرده بود. متکی شد. روستای مارد تا عملیات ثامن‌الائمه (ع) همچنان در اشغال عراق باقی ماند.^۱

عملیات آفندی بیت المقدس (طرح عملیاتی کربلا ۳)،

۱۳۶۱/۲/۱۰

منطقه عملیاتی خوزستان ایران با عرض بیش از ۳۰۰ کیلومتر خود به سه بخش تقسیم می‌گردد. جبهه شمالی که در غرب دزفول و شوش قرار داشت و در عملیات فتح‌المبین (کربلای ۲) آزاد گردید. جبهه میانی که شامل منطقه نبرد در سوسنگرد و بستان می‌شد و در عملیات موفق طریق‌القدس (کربلای ۱) آزاد شد. سومین منطقه تحت عنوان جبهه جنوبی شامل غرب اهواز و شمال خرمشهر بود که علیرغم توجه جهت آزاد سازی آن، در دست عراق باقی مانده بود. عملیات نصر در ۵۹/۱۰/۱۵ و عملیات توکل در ۵۹/۱۰/۲۰ توسط نیروهای ایرانی در این راستا صورت پذیرفت. طرح «آب اندازی» که توسط سازمان آب و برق خوزستان و زیر نظر نیروهای مسلح در دو منطقه

کرخه کور (جنوب حمیدیه سوسنگرد) و جنوب غربی اهواز به اجرا در آمد در طراحی عملیات بیت المقدس مورد توجه و استفاده قرار گرفت. این طرح موجب شد تا عراق در مواضع نا مناسب متوقف شده و خطر سقوط و تهدید اهواز از محور سوسنگرد برطرف گردد، در منطقه جنوب غربی اهواز این طرح هر چند به سود نیروهای ایرانی اجرا گردید ولی عراق نیز از آن استفاده کرده و موقعیت خود را در مقابل حملات احتمالی ایران مستحکم نمود. طراحی عملیات بیت المقدس تحت عنوان سلسله رعملیات های کربلا و شماره ۳ (کربلا ۳) از ۶۱/۱/۹ بلافاصله بعد از عملیات فتح المبین آغاز شد. تدبیر کلی این بود: قبل از اینکه متجاوز از ضربه نبرد فتح المبین به خود آید، نیروهای ایران سومین منطقه استراتژیک را آزاد نمایند. و در اصطلاح نظامی نوعی استفاده از موفقیت نبرد فتح المبین بعمل آید. منظورهای اساسی از عملیات بیت المقدس تداوم رزم بر علیه دشمن، تهدید بصره، کاهش توان رزمی دشمن، آزادسازی خرمشهر و خارج نمودن اهواز از برد توپخانه بود. البته ملاحظات سیاسی در رابطه با بی ثبات نشان دادن رژیم صدام، وادار نمودن عراق به پذیرش شرایط ایران برای پایان جنگ، کاهش فشار مشکلات مهاجرین جنگی در داخل کشور و ایجاد زمینه برای فعالیتهای کشاورزی در مناطق حاصلخیز خوزستان نیز مورد توجه بوده است. این عملیات بطور مشترک توسط ارتش و سپاه ایران طرح ریزی، هدایت و با رمز یا علی بن ابیطالب (ع) اجرا گردید. قرارگاه هدایت کننده تحت عنوان «قرارگاه کربلا» با ۴ قرارگاه قدس و فتح، نصر و فجر شامل ۷ لشکر و ۵ تیپ مستقل از ارتش و سپاه عملیات را کنترل و هدایت نمود. طبق طرح عملیات در

۴ مرحله به شرح زیر باید انجام می‌شد :

- حمله قرارگاه قدس در شمال و عملیات عبور از رودخانه کارون توسط قرارگاه فتح و نصر و تامین سرپل در غرب کارون.
- تثبیت سرپل تصرفی و ادامه حمله برای تامین مرز
- تامین مرز و آزادسازی خرمشهر و ادامه نبرد برای تصرف پل نشوه بنا به دستور

تامین ساحل شرق اروند بنا به دستور از دلایل عمده عدم دست‌یابی نیروهای خودی به بصره و یا تنومه و متوقف ماندن عملیات بعد از آزاد سازی خرمشهر یکی انتخاب تاکتیک عقب نشینی از مناطق جنوب هویزه و شمال طلائیه و کوشک توسط دشمن بود که موجب شد که نیروی قابل ملاحظه ای را برای حفظ بصره برای خود ذخیره ساخته و از انهدام آن جلوگیری نماید و دیگری تداوم عملیات در طول ۲۵ روز جنگ و نبرد مداوم بود که موجب خستگی و کاهش توان رزمی یگانها گردیده و موفقیت ادامه عملیات را تضمین نمی کرد. در این عملیات امیر سرلشکر شهید خسرو تاش شجاعانه جنگید و به خیل شهدا پیوست و امیر سرلشکر شهید آزاده قهرمان و سرافراز ایران حسن هداوند میرزایی یک روز قبل از آزاد سازی خرمشهر در منطقه شلمچه مجروح شد و به اسارت در آمد و ۸ سال بعد در اسارت به شهادت رسید.

در این عملیات ۱۰۸ بالگرد هوانیروز با ۵۱۸۰ ساعت پرواز در قالب ۳۶۷۰ سورتی ضمن انهدام ادوات زرهی و سنگرهای دشمن ، ۷۸۲۰ مجروح را تخلیه کرده و ۳۶۵۱ رزمنده را ترابری و بیش از ۱۰۰ تن آذوقه و مهمات را به رزمندگان رساندند.

نتیجه:

با تغییراتی که در هنگام اجرای طرح بعمل آمد نهایتاً ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک مقدس میهن اسلامی ایران و خرمشهر پس از ۱۹ ماه اشغال، آزاد گردید. خطوط مرزیاز شلمچه تا شمال طلایه تامین شد، پادگان حمید و محور اهواز و خرمشهر به تصرف نیروهای خودی در آمد و شهر هویزه آزاد شد. ۲ لشکر عراق کاملاً منهدم و ۶ لشکر نیز از ۲۰٪ تا ۶۰٪ متحمل آسیب جدی شدند. بیش از ۱۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۷۴۹۹ نفر به اسارت درآمدند. ۵۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو، دهها عراده توپ و مقادیر زیادی از انواع جنگ افزار و مهمات به همراه سرنگونی ۵۳ هواپیما و ۳ بالگرد، ضایعات لجستیکی دشمن به حساب آمد. عملیات بیت المقدس بزرگترین، وسیع ترین و موثرترین اقدام نظامی ایران در طول جنگ محسوب می شود که بعد از آزادسازی خرمشهر موجب گردید فضایی برای گفتگو درباره خاتمه جنگ ایجاد گردد ولی چون عراقی به سرکردگی استکبار جهانی حاضر به پذیرش شرایط ایران نبود از این فرصت استفاده نشد و نبرد آزادسازی مناطق اشغال شده و نفوذ به خاک عراق تداوم یافت.*

ایستگاه حسینیّه

ایستگاه حسینیّه نام یکی از ایستگاه‌های راه آهن بین اهواز و خرمشهر است که در ۳۸ کیلومتری خرمشهر و در دهستان باوی، بخش

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

مرکزی از توابع شهرستان خرمشهر قرار دارد. در ضلع جنوبی این ایستگاه، کانال آب‌رسانی روستای گرم‌دشت از شرق به غرب امتداد دارد.

با آغاز جنگ یکی از محورهای حمله عراق، جاده پاسگاه زید بود که در نزدیکی این ایستگاه سه راه حساس حسینیہ را شکل می‌دهد. این ایستگاه به لحاظ قرار گرفتن در مجاورت جاده اهواز - خرمشهر و پاسگاه زید عراق در همان روزهای نخستین هجوم، سقوط کرد و بخشی از تاسیسات این ایستگاه تخریب و حتی ریل‌های آن برای استفاده در مواضع دفاعی ارتش عراق از جا کنده شد. در ۴ مهر ۱۳۵۹ آتشبارهای ۱۷۵ میلی‌متری توپخانه لشکر ۹۲ زرهی اهواز که در شرق حسینیہ مستقر بودند و مدافعان خرمشهر را پشتیبانی می‌کردند، به علت پیش‌روی تانک‌های دشمن به ناچار به شرق جاده اهواز - خرمشهر و نزدیکی رودخانه کارون عقب‌نشینی کرد. در نتیجه مدافعان خرمشهر از آتش پشتیبانی توپخانه محروم شدند. در ادامه لشکر ۵ مکانیزه سپاه سوم عراق با تصرف و اشغال این منطقه توانست تا عمق ۱۵ کیلومتری به سمت اهواز پیش‌روی کرده و خرمشهر را از شمال مورد تهدید قرار دهد.

این ایستگاه که یکی از محورهای اصلی عملیات بیت‌المقدس بود و حفظ و پدافند در آن منطقه بسیار مهم و حیاتی بود. سرانجام پس از ۱۹ ماه اشغال و به دنبال رخنه موفق نیروهای قرارگاه فرعی نصر ۲ (تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله سپاه و تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه نزا) در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس و رسیدن آنها به جاده اهواز - خرمشهر و به دنبال یک هفته جنگ شبانه‌روزی، در سحرگاه روز جمعه هفدهم اردیبهشت ۱۳۶۱ به تصرف رزمندگان درآمد. از طرفی ارتش عراق با توجه به

دشت وسیع اطراف آن و راه ارتباطی خرمشهر - اهواز بسیار تلاش می‌کرد آن را بازپس بگیرد اما بعد از قبول ناتوانی در انجام این کار، با آتش شدید توپخانه در این نقطه، جهنمی از آتش ایجاد نمود.

این منطقه در جریان عملیات رمضان، یکی از اصلی‌ترین محورهای هجوم به دشمن بود که در آن پاسگاه زید عراق آزاد شد. همزمان با عملیات خیبر نیز یکی از محورهای اجرای تک فریب، همین ایستگاه بود. پس از آزادسازی ایستگاه حسینیة این منطقه محل استقرار نیروهای پشتیبانی و جهادسازندگی شد.

این ایستگاه در جریان عملیات کربلای ۴ و ۵ و ۸ بیت‌المقدس ۷ نیز به عنوان یکی از عقبه‌های مهم و فعال یگان‌های خودی بود و تعداد زیادی از یگان‌های عمل‌کننده در اطراف این ایستگاه استقرار داشتند. ایستگاه بازرسی و کنترل هم در این منطقه دایر شد که تردد نیروها را کنترل می‌کرد و این پست دژبانی تا پایان جنگ دایر بود. در اول مرداد ۱۳۶۵ منطقه حسینیة به شدت زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۶۶ و ۲۳ دی ۱۳۶۶ نیز مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت.

در شرق جاده اهواز - خرمشهر و روبه‌روی ایستگاه حسینیة، جاده شهید شرکت قرار دارد که مسیری برای دسترسی به روستای دارخوین است و به واسطه پل «شهید هزاردستان» ارتباطش با جاده آبان و اهواز برقرار می‌شود.

در کنار این جاده در هفت کیلومتری ایستگاه حسینیة، بیمارستان صحرائی امام‌حسین(ع) قرار دارد و همین امر این ایستگاه را برای نقل و انتقال مجروحین بسیار حیاتی و بااهمیت کرده بود. از طرفی وجود

قرارگاه عملیاتی کربلا در ۸ کیلومتری شرق ایستگاه، اهمیت آن را دوچندان کرده بود. به همین علت در طول جنگ این مناطق بارها مورد حمله هوایی قرار گرفت و برای مقابله با این حملات، پدافند هوای در این منطقه استقرار یافت. نیروهای پشتیبانی جهادسازندگی تا پایان جنگ در این منطقه مستقر بودند.^۱

عملیات آفندی رمضان (طرح عملیاتی کربلا ۴)

مطابق طرح ریزی قرارگاه کربلا در جبهه ایران، طرح عملیاتی کربلا ۴ که به علت اجرا در ماه رمضان «عملیات رمضان» نام گرفت، در منطقه غرب جاده اهواز و شمال کانال ماهیگیری و شمال شرق بصره عراق اجرا گردید. آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس که با طرح کربلا ۳ انجام گرفت، تحلیل گران غربی را وادار نمود تا از ایران به عنوان خطر عمده منطقه یاد نموده و دولت های غربی به طور جدی خواهان خاتمه جنگ شوند.

مسئله احتمال نفوذ ایران به خاک عراق بحث های زیادی را ایجاد کرده و اقدامات فراوانی را موجب گردید. در این راستا رژیم صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد تا با استفاده از سیاست ضد صهیونیستی ایران، نیروهای ایرانی را متوجه لبنان نماید که بیان استراتژی «راه قدس از کربلا می گذرد» از طرف امام خمینی (ره) این طرفند را با شکست روبرو ساخت و همچنین عمده ترین دلیل اصرار دُول غربی برای خاتمه جنگ، جلوگیری از حمله آفندی ایران به داخل خاک عراق و حفظ توازن قدرت در منطقه بوده است تا از اینکه ایران به یک قدرت برتر تبدیل شود ممانعت به عمل آورد.

- کشورهای عربی، در این چهارچوب و با حمایت دُول غربی، عراق را به روش‌های زیر مورد حمایت قرار دادند:
- اعزام پرسنل نظامی (نیروی انسانی)
 - ارسال تجهیزات نظامی
 - خرید تجهیزات نظامی برای عراق
 - اجازه عبور تجهیزات نظامی به مقصد عراق
 - کمک‌های فکری در طراحی عملیات‌های نظامی و دفاع سرزمینی

عراق با برخورداری از این حمایت در منطقه عملیات رمضان اقدامات بسیار گسترده‌ای را شامل احداث مواضع، موانع، پمپاژ آب به داخل کانال ماهیگیری، توسعه منطقه آبگرفتگی و استقرار رده‌های پدافندی در عمق انجام داد.

عملیات رمضان در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۲ در چهار محور و پنج مرحله با رمز یا صاحب‌الزمان (عج) به اجرا درآمد.

به دلیل عدم آگاهی نیروهای خودی از عمق موانع دشمن و چگونگی پدافند جدید عراقی‌ها در این منطقه علی‌رغم پیشروی بسیار خوب اولیه، اهداف تصرفی غیر از منطقه‌ای در پاسگاه زید تثبیت نگردید.

آنچه تاکنون در دلایل عدم موفقیت عملیات رمضان کمتر به آن اشاره شده است، این نکته می‌باشد که عملیات رمضان اولین هجوم سراسری و گسترده ایران جهت نفوذ به خاک عراق است. یگان‌ها و نیروهای خودی شرکت‌کننده در این عملیات بیشتر از ۱۵۰ گردان از ارتش و سپاه بود که با آمادگی کامل و تجربه خوب و روحیه عالی

عملیات آفندی رمضان ۴۳/

آماده نبرد بودند، ولی تقویت حس ناسیونالیستی در سربازان عراقی به ویژه ترغیب حس قومیت و نژاد عربی موجب گردید تا ضمن استفاده از امکانات و شیوه‌های جدیدتری در دفاع، مقاومت بیشتری از خود نشان داده و نیروهای خودی را زمین گیر کنند.

زننده یاد شهید سپهبد علی صیاد شیرازی علت روانی عدوم موقیت این عملیات را احساس غرور از موفقیت در عملیات‌های گذشته معرفی کرده است.

خلبانان هوانیروز در این عملیات با به کارگیری ۳۴ فروند بالگرد، ۶۲۹ ساعت پرواز کردند تا ۶۹۰ نفر مجروح را تخلیه، ۹۶۱ نفر رزمنده را هلی‌برن و نزدیک به ۱۰ تن بار را جابجا نمایند.

نتیجه:

- آزادسازی حدود ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن جمهوری اسلامی و ۸۰ کیلومتر از خاک عراق.
- انهدام تیپ‌های ۹۶، ۱۲، ۴۲ زرهی و تیپ ۸۸ مکانیزه و تیپ ۵۵ مختلط.
- حدود ۱۰۰۰ کشته و زخمی و ۱۳۱۵ اسیر، تلفات نیروی انسانی عراق بود.
- انهدام ۶۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه انواع خودرو، سرنگونی ۱۴ هواپیما و ۲ فروند بالگرد از ضایعات عراقی‌ها است.
- تعداد ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر، مقادیر زیادی جنگ‌افزار و مهمات و تجهیزات به غنیمت نیروهای ایرانی درآمد.*

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

عملیات آفندی کربلا ۴

عملیات کربلا ۴ با یک طرح ریزی بسیار گسترده و وسیع انجام گرفت و بر اساس پیش بینی های بعمل آمده قرار بود ۱۵۰۰ گردان بسیجی این عملیات را انجام دهند (حدوداً ۴۵۰/۰۰۰ نفر) ولی تامین این نیرو در حد مقدورات کشور نبود. لذا سپاه یکصد هزار نفری محمد در قالب ۳۰۰ گردان برای عملیات کربلا ۴ تدارک دیده شد.

این سپاه در استادیم یکصد هزار نفری آزادی تجمع با شکوهی انجام داده و برای انجام عملیات به منطقه مورد نظر اعزام شد.

منطقه شرق بصره از مناطقی است که تلاش قابل توجهی از ایران را در طول جنگ به خود معطوف داشته و غالباً در تصرف هدف های زمینی نیز به موفقیت نرسیده است. تلاش سپاه پاسداران جهت انجام عملیات کربلا ۴ در ۴ قرارگاه نوح، کربلا، قدس و نجف با رمز محمد رسول الله (ص) صورت پذیرفت و یگانهای متعددی از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خطوط مقدم و نیروی هوایی ارتش در پشتیبانی به پای کار آمدند.

با تبلیغات بعمل آمده سال ۱۳۶۵ سال سرنوشت برای جنگ منظور شده بود ولی متأسفانه دشمن با آگاهی از عملیات و پی بردن به طرح و معابر اصلی حمله نیرو های خودی در دو طرف معابر اصلی حمله نیروهای خودی در دو طرف معبر کم عرض آبی «ام الرصاص» که از آن به نام «تنگه عملیات» یاد می شد این معبر را مسدود ساخت. هر چند عملیات منجر به شکسته شدن خطوط پدافندی مستحکم دشمن گردید ولی اجرای انبوه آتش عراق روی نقاط خاص و حساس اروند، سازمان قواص های سواری که در مراحل دوم و سوم قرار بود به

کار بیایند بر هم زد و عملیات هم مختل نمود. نیروهای خط‌شکن از «تنگه عملیات» گذشته و در جزیره «بلجانیه» پیاده شدند. حتی قسمتی از جزایر سهیل و امالرصاص نیز به تصرف در آمد. ولی ادامه عملیات به دلیل ذکر شده میسر نگردید و نیروهای خودی جهت حفظ قوا و جلوگیری از تلفات بیشتر از ادامه نبرد صرف نظر نمودند تا فرصت مناسب تری برای طراحی مجدد بدست بیاید. در این عملیات نیروی زمینی به کار گرفته شده خودی حدوداً به سه برابر نیروی زمینی دشمن بالغ میگردید.

کربلای ۴ بار دیگر نشان داد که رعایت اصول و قواعد اساسی رزو که اصطلاحاً به آن جنگ کلاسیک گفته میشود اجتناب ناپذیر بوده و حتی شیوه‌های نوین بکا گرفته شده در رزم نیز باید در قالب رعایت قوانین شناخته شده و تجربه گردیده جنگ به اجرا در آید.

نتیجه:

- منطقه و زمین مورد نظر آزاد نگردید.
- ۸۰۰۰ نفر کشته و زخمی و ۶۰ اسیر، تلفات نیروی انسانی عراق بود.
- حدود ۷۰ دستگاه تانک و نفربر و خودرو از عراق منهدم گردید.*

عملیات آفندی کربلا ۵

نامگذاری سال ۱۳۶۵ به سال سرنوشت از طرف ایران و عدم موفقیت عملیات کربلا ۴ بدلیل کشف محورهای نفوذی ایران توسط دشمن پیش آمد، بحرانی برای فرماندهان جنگ بوجود آورد که

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

موجب شد فرماندهی عالی جنگ برای انجام یک عملیات، تضمین پیروزی طرح‌های عملیاتی را درخواست نماید. این درخواست نیز باعث گردید تا کمتر کسی خطر را برای انجام یک عملیات قبول نماید. ولی بدلیل آنکه پذیرش بن بست در جنگ، هدف عمده‌ای بود که استکبار جهانی انتظار داشت، فرماندهی سپاه پاسداران با کسب تجربه نقاط ضعف عراق و آسیب پذیر بودن مواضع عراقی‌ها در شلمچه، عملیات کربلا ۵ را طراحی کرد و با پیش‌بینی اهدافی با عمق کمتر در داخل خاک عراق به‌تجرا در آورد. در این عملیات نقش ویژه‌ای به‌عهده نیروی هوایی ارتش، هوانیروز و یگانهای پشتیبانی‌کننده از نیروی زمینی ارتش مانند توپخانه سنگین و احداث پل‌های مورد نیاز گذاشته شد. چهار قرارگاه نجف، قدس، کربلا و نوح با بیش از ۱۰ لشکر به مواضع سپاه سوم، ششم و هفتم عراق یورش بردند تا منطقه شلمچه را تصرف نموده و امکان پیشروی به سمت بصره را فراهم آورند. در شکل کلی همان طرح عملیات کربلا ۴ با تغییرات جزئی و با رمز یا زهرا (س) اجرا گردید، قرارگاه نوح پشتیبانی را بعهده گرفت و محور پیشروی از شلمچه به طرف تنومه تعیین شد و براساس ماموریت محوله، قرار بود قرارگاه کربلا در شمال، قرارگاه قدس در مرکز و قرارگاه نجف در جنوب از خطوط مرزی عبور کرده و بعد از تصرف بوتیان، کوت سواری و شلمچه در امتداد شط العرب به طرف تنومه ادامه حمله دهند. ولی ارتش عراق برای سد کردن حرکت رزمندگان ایران حاضر شد بهای سنگینی پرداخت نماید لذا با گسیل انبوه نیروهای خود به منطقه‌ای به وسعت کم در زیر آتش شدید و موثر نیروی خودی ایستادگی نمود. برادر حسین خرازی و اسماعیل دقایقی از فرماندهان

سپاه پاسداران در این عملیات به شهادت رسیدند. خلبانان با ۵۰ فروند بالگرد هوانیروز توانستند با انجام ۱۴۸۳ ساعت پرواز ضمن انهدام سنگرها وادات زرهی دشمن ۱۶۵ مجروح را تخلیه و ۴۸۲۲ رزمنده را به منطقه عملیاتی ترابری و نزدیک به ۵۰۰ تن آذوقه و مهمات را حمل نمایند. نتیجه:

مواضع متعددی در خاک عراق توسط ایران آزاد گردید که بالغ بر ۷۵ کیلومتر مربع بود. حدود ۹۰۰۰۰ عراقی کشته و زخمی شد و ۲۳۸۵ نفر به اسارت در آمدند. ۸۰۰ تانک و نفربر منهدم شد و ۱۹۰ دستگاه به غنیمت در آمد. ۴۰ هواپیما و ۵ بالگرد سقوط کرد. ۱۸۰ عراده توپ و ۹۰ قبضه پدافند هوایی منهدم و ۲۰ عراده توپ نیز به غنیمت در آمد. بعد از عملیات شمارش معکوس پایان جنگ شروع شد که منجر به صدور قطع نامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ گردید.*

جاده شهید صفوی

(بنای یادبود شهدای شیمیایی بهبهان)

جاده ۱۳ کیلومتری شهید صفوی در شمال غربی خرمشهر و در کیلومتر ۱۳ جاده اهواز - خرمشهر قرار دارد و این جاده را به دژ مرزی و جاده مرزی شهید کاظمی متصل می کند. این جاده محور اصلی عملیات کربلای ۵ بود و قرارگاه خاتم الانبیا (ص) در مجاورت این جاده قرار داشت. پس از عملیات کربلای ۵ و تثبیت منطقه شلمچه، قرارگاه مهندسی «صراط المستقیم» که مدتی پس از آغاز جنگ، به منظور بهره گیری از

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

توان وزارتخانه‌ها و دولت در جنگ توسط وزارت سپاه، به فرماندهی محسن صفوی تشکیل شده بود در کنار این جاده مستقر شد پس از شهادت محسن صفوی نام وی بر این جاده گذاشته شد.

در جریان عملیات کربلای ۵ و در ساعت هفت صبح ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵، در حالی که رزمندگان گردان فجر لشکر ۷ ولی عصر (عج) که از سه گروهان ابوالفضل (ع) و قمر بنی‌هاشم (ع) شهرستان بهبهان تشکیل شده بود در این جاده استقرار داشتند، این منطقه هدف اولین راکت شیمیایی آلوده به گاز خردل دشمن قرار می‌گیرد و تا ساعت یازده صبح دو راکت دیگر آلوده به سیانور به محل استقرار این گردان اصابت می‌کند که به شهادت نود نفر از رزمندگان گردان فجر شهرستان بهبهان و مصدوم شدن سایر افراد این گردان منجر می‌شود. تاکنون ۹ تن از مصدومین این حادثه به خیل شهدای این واقعه پیوسته‌اند.

در سال ۱۳۷۸ به همت خانواده این شهیدان، بنای یادبود کوچکی در جاده شهید صفوی به نام شهدای شیمیایی بهبهان احداث شد. هنوز در اطراف این بنا و جاده شهید صفوی آثار مربوط به دوران دفاع مقدس از جمله سنگرها نمایان است.^۱

یادمان شهدای شلمچه

این یادمان در یک کیلومتری شمال گمرک خرمشهر و پاسگاه شلمچه و در نزدیکی محل تلاقی جاده امام رضا (ع) و جاده شهید کاظمی قرار دارد. پس از عملیات کربلای ۵ آثار باقی‌مانده از شهدا در محل یادمان شهدای شلمچه جمع‌آوری شد که زیارتگاه میلیون‌ها نفر در سال‌های اخیر شده است.

با حضور رهبر معظم انقلاب در ۸ مهرماه ۱۳۷۸ در مشهد شهیدان شلمچه، به دستور معظم‌له مقرر شد یادمان شهدای شلمچه و فضاهای موردنیاز و جاده‌های ضروری، طراحی و اجرا شود. در یادمان شهدای شلمچه که به همت آستان قدس رضوی ساخته شده است. پیکر هشت شهید گمنام در بخش مرکزی یادمان به خاک سپرده شده است. جاده شهید کاظمی که در ضلع شرقی دژ جمهوری قرار دارد به عنوان یکی از مسیرهای مواصلاتی در دوران مقدس از غرب حسینیّه تا یادمان شلمچه به همت شهید احمد کاظمی برای زائران راهیان نور احیا شد. پاسگاه مرزی شلمچه که در روز اول جنگ به دست دشمن افتاد در جنوب این یادمان و در کنار گمرک مرزی واقع شده است و روبه‌روی آن پاسگاه شلمچه عراق قرار دارد. با ایجاد منطقه آزاد تجاری، صنعتی اروند در این منطقه، متأسفانه آثار ملی دفاع مقدس دستخوش تغییراتی شده است.^۱

شهرستان آبادان

شهرستان آبادان جنوبی‌ترین شهرستان استان خوزستان است و از شمال به شهرستان‌های شادگان و خرمشهر، از شرق و جنوب به خلیج فارس و از غرب و جنوب‌غربی با کشور عراق مرز مشترک دارد. این شهرستان دو بخش به نام‌های مرکزی و اروندکنار دارد که اروندکنار، مرکز بخش اروندکنار و آبادان مرکز بخش مرکزی شهرستان آبادان است. آب و هوای این شهرستان گرم و مرطوب است و اغلب مردم آن پیرو مذهب شیعه دوازده‌امامی هستند. جزیره آبادان منطقه‌ای است محصور بین رودخانه‌های کارون،

بهمن‌شیر و اروندرود و خلیج فارس که طول آن شصت و چهار کیلومتر و عرضش بین سه تا بیست کیلومتر در نوسان است و ۲۷۹۶ کیلومتر مربع وسعت دارد. قسمت‌های جنوب شرقی جزیره به صورت زمین‌های پست و باتلاقی است. عضدالدوله دیلمی (۳۷۲-۳۲۴ق) برای کوتاه کردن مسیر کشتی‌هایی که از اهواز عازم بصره بودند. دستور داد که از کارون تا اروندرود نه‌ری حفر کنند که به «فم عضدی» معروف شد و در نتیجه شبه جزیره آبادان به صورت جزیره درآمد. در دوره هخامنشیان نام این شهر «آپ‌پات‌آن» بوده است. «آپ» یعنی آب «پات» یعنی پائیدن و در کل آپاتان یعنی محل نهبانی از آب‌های سه گانه اروندرود، کارون و بهمن‌شیر. از آنجا که قبل از ایجاد پالایشگاه نفت، زمین این شهر، شوره‌زاری بیش نبوده و با ایجاد پالایشگاه و تاسیسات نفتی، آبادانی و رونق یافته است، لذا در شهریورماه سال ۱۳۱۴ش براساس مصوبه هیئت وزیران آن را آبادان، از ریشه همان آپاتان نام‌گذاری نمودند. شهرستان آبادان در ۱۳۲۱ش تشکیل شد و بنابر تقسیمات کشوری در دی ماه ۱۳۱۶ش تعداد دهستان‌های این شهرستان به شش دهستان رسید.

با آغاز نخستین حرکت‌های انقلاب اسلامی، مردم جزیره آبادان نیز به صفوف دیگر انقلابیون ایران پیوستند. در این میان نقش کارگران پالایشگاه نفت که یکی از حساس‌ترین رشته‌های حیات اقتصادی کشور را در دست داشتند بسیار کارساز بود.

با آغاز جنگ، این شهرستان آماج حملات هوایی و زمینی ارتش عراق قرار گرفت و خسارات مالی و جانی فراوان بر آن وارد آمد و پالایشگاه، تاسیسات نفتی، بندرگاه‌ها، فرودگاه و دیگر مراکز صنعتی و

اقتصادی، شبکه آبرسانی، تاسیسات برق و نیز مناطق مسکونی بسیاری آسیب دیدند. اشغال شهرستان آبادان یکی از اهداف اصلی ارتش عراق در جنگ با ایران بود که در چنین صورتی عراقی‌ها می‌توانستند ضمن تسلط بر اروندرود و شمال خلیج فارس، بندر امام خمینی (ره) و ماهشهر را تهدید کنند. حکومت عراق، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که در آن حاکمیت مشترک ایران و عراق بر اروندرود به رسمیت شناخته شده بود در ۱۳۵۹/۶/۳۱ به طور یک جانبه ملغی اعلام کرد و پنج روز بعد با آغاز رسمی جنگ نیروهای خود را به سوی جزیره آبادان روانه کرد. ارتش عراق پس از محاصره خرمشهر و آبادان در ۱۳۵۹/۷/۱۹ و با عبور از کارون در ۱۳۵۹/۷/۲۱ به این شهرستان نفوذ و بخشی از اراضی شمال شرقی آن را اشغال کرد و توانست با عبور از بهمن‌شیر در ۱۳۵۹/۸/۹ به این جزیره نفوذ کند. اما با مقابله مدافعان آبادان به خارج از جزیره عقب رانده شد و در شمال آن به محاصره جزیره اکتفا کرد. با عملیات ثامن‌الائمه (ع) در ۱۳۶۰/۷/۵ حصر یک ساله آبادان شکسته شد. با انجام عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو این شهرستان به عقبه تدارکاتی فاو تبدیل شد و نخلستان‌های این شهرستان در اروندکنار و چوئنده نقش مهمی در استتار رزمندگان در عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۴ ایفا نمودند.^۱

آبادان

آبادان مرکز شهرستان آبادان و پس از اهواز، دومین شهر مهم استان خوزستان است که از شمال به خرمشهر و رود کارون، از شرق به رودخانه بهمن‌شیر و اراضی مسطح باتلاقی و از جنوب و غرب به اروندرود منتهی می‌شود. نام این شهر در گذشته «عبادان» (یعنی

عبادت‌کنندگان) بوده است. در سال ۱۳۱۴ش طبق مصوبه هیات وزیران نام عبادان به آبادان تغییر یافت. از مناطق مشهور شهر آبادان می‌توان به محله بریم، بوارده، اروسی، فیه، هزاری‌ها، هلندی‌ها، امیری، احمدآباد، شاه‌آباد، فرح‌آباد، میدان طیب و بهمن‌شیر اشاره نمود.

این شهر دارای فرودگاه و بندر است که به دلیل داشتن پالایشگاه نفت و راهبردی بودن و هم‌مرزی با کشور عراق از زمان جنگ دوم از مهم‌ترین شهرهای خاورمیانه و ایران بوده است. نفت از اغلب مناطق خوزستان با لوله به این شهر می‌رسد و پس از تصفیه به نقاط مختلف کشور و برخی مراکز معاملات نفت جهان صادر می‌شود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از وقایع مهم آبادان آتش گرفتن سینما رکس به دست عوامل رژیم پهلوی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ بود که در آن حادثه ۳۷۷ تن جان خود را از دست دادند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی عوامل ضدانقلاب دست به اقدامات خرابکارانه متعددی در سطح شهر آبادان زدند که از جمله آنها؛ انفجار بمب در محوطه پالایشگاه در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، تخریب پل واقع بر نهر محربی و نهر ابوالفضل در سوم دی ۱۳۵۸ و انفجار چند لوله نفت و گاز در شمال آبادان در ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ است. از همان ابتدا حجت‌الاسلام غلامحسین جمی (امام جمعه آبادان) و جمعی از مبارزین، کمیته انقلاب اسلامی را در آبادان تشکیل دادند و به مقابله با اقدامات خرابکارانه ضدانقلاب پرداختند.

آبادان از نخستین ساعات آغاز جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تهاجم هوایی دشمن روبه‌رو شد و خساراتی به پالایشگاه آن وارد شد. در مهرماه ۱۳۵۹ آتش سنگین توپخانه دشمن از جنوب اروندرود بر تمام

منطقه خرمشهر و آبادان باریدن گرفت و به فرودگاه آبادان، تاسیسات نفتی و اسکله های شهر و حتی بیمارستان ها آسیب جدی وارد شد. در ۱۹ مهر دشمن، آبادان را تقریباً به محاصره کامل خود درآورد با این حال حدود ده هزار نفر از ساکنین آبادان شجاعانه در شهر ماندند و آبادان را ترک نکردند.

با فرمان تاریخی حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر شکست حصر آبادان، با تشکیل ستاد فرماندهی اروند در ماهشهر، سرهنگ حسنی سعدی به فرماندهی منطقه عملیات آبادان - خرمشهر منصوب شد. از طرفی نیروهایی که شامل نیروی زمینی ارتش، تکاوران نیروی دریایی، ژاندارمری، نیروی سپاه و بسیج مردمی بودند. در منطقه ماهشهر، دارخوین و آبادان مستقر شدند. دشمن که در اشغال چند روزه خوزستان ناکام مانده بود، تلاش برای اشغال خرمشهر و آبادان را تشدید کرد و تلاش نمود تا با عبور از بهمن شیر آبادان را اشغال کند لذا در ساعات اولیه روز هشتم آبان توانست در کرانه شمالی بهمن شیر به سمت شرق پیش روی کرده و حدود پانزده کیلومتر از این کرانه را تحت کنترل خود درآورده و حلقه محاصره شهر را تکمیل کند. دشمن با عبور دادن بخشی از نیروهای خود از بهمن شیر در ۱۳۵۹/۸/۹ توانست برای اولین بار وارد جزیره آبادان شود که با اجرای عملیات کوی ذوالفقاری دوباره به عقب رانده شد.

آبادان حدود یک سال در محاصره دشمن بود تا اینکه با همت و تلاش رزمندگان در عملیات ثامن الائمه(ع) در پنجم مهرماه ۱۳۶۰، محاصره شکسته شد. اما کماکان گلوله باران شهر آبادان همچنان ادامه داشت. این شهر در طول جنگ به عنوان عقبه عملیات های مختلفی از

جمله بیت‌المقدس، والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵ مورد استفاده قرار گرفت. اکنون بسیاری از شهدای دوران مقاومت در گلستان شهدای این شهر به خاک سپرده شده‌اند.^۱

پالایشگاه آبادان

پالایشگاه آبادان به عنوان مهم‌ترین تاسیسات شهر آبادان در بخش مرکزی شهر قرار دارد. پیش از آغاز جنگ، ظرفیت پالایش نفت در این پالایشگاه ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود که نفت خام مصرفی آن از دو شبکه خطوط لوله از مناطق نفت‌خیز دریافت می‌شد و در منطقه بواره آبادان در مجموع ۲۴۳ مخزن نفت و فرآورده‌های آن وجود داشت.

انگلستان که در سال ۱۲۷۸ش به موجب قرارداد «دارسی» امتیاز و استخراج نفت ایران را به مدت شصت سال در اختیار گرفته بود، با فوران نفت از اولین چاه حفر شده در منطقه مسجدسلیمان در سال ۱۲۸۷ش، ضمن تأسیس «شرکت نفت انگلیس» آبراه اروندرود را بهترین مسیر انتقال نفت انتخاب نمود تا نفت پس از تولید از طریق خطوط لوله به آبادان انتقال یابد و در این نقطه پالایشگاهی احداث و فرآورده‌های نفتی از آنجا بارگیری شود. اراضی موردنیاز پالایشگاه را «شیخ خزعل» حاکم محمره (خرمشهر) که با نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس روابط نزدیکی داشت، به موجب قراردادی ۹۹ ساله در اختیار شرکت مذکور گذاشت.

عملیات احداث پالایشگاه در سال ۱۲۸۸ش شروع شد و اولین محموله نفت خام ایران در سال ۱۲۹۱ش از بندر آبادان صادر شد. با احداث پالایشگاه، کارشناسان انگلیسی و کارگران ایرانی در این مرکز

صنعتی نوبنیاد مشغول به کار شدند و در نتیجه شهری با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای انگلیس پدید آمد. نیروهای بیگانه بر آن تسلط یافتند و در به بهره‌برداری از منابع نفت کشور پرداختند. در جنگ جهانی دوم این پالایشگاه به علت تولید سوخت هواپیما به مقدار ۲۵ هزار بشکه در روز (۱۲ درصد کل سوخت مورد نیاز هواپیماهای متفقین) شهرت جهانی یافت و هواپیماهای متفقین با فرود در فرودگاه آبادان به تخلیه، سوختگیری و تعمیرات می‌پرداختند. پالایشگاه آبادان تا سال ۱۳۲۴ش بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان و مرکز عمده صدور فرآورده‌های نفتی در نیم‌کره شرقی به شمار می‌آمد و تولیدات آن به بیش از صد نوع می‌رسید که نفت سفید، بنزین خودرو و هواپیما، نفت کوره، قیر، نفت گاز و انواع حلال‌ها مهم‌ترین آن‌ها بودند. محله بریم آبادان بزرگترین و بهترین محله شرکت نفت بود و کارکنان خارجی در آن سکونت داشتند. پالایشگاه آبادان، بیمارستان نفت، ساختمان اداره مرکزی، اداره کل روابط عمومی پالایشگاه، اداره کل تدارکات مرکزی، انبارهای بزرگ کالاهای ترانزیت، جرثقیل‌های بزرگ با ظرفیت بالا که معروف‌ترین آن‌ها «اکوان دیو» بود و خلاصه همه اسکله‌های بارگیری نفت و هسته تاسیسات نفت آبادان در محله بریم قرار گرفته بود. مناطق مسکونی کارکنان پالایشگاه براساس جایگاه شغلی‌شان از امکانات رفاهی و خدمات شهری برخوردار بودند. این وضعیت پس از ملی شدن صنعت نفت در ۱۳۲۹ش همچنان ادامه داشت و ساختاری کاملاً طبقاتی بر شهر حاکم بود. ناحیه سبز و خرم «بریم» در کنار اروندرود با منازل وسیع و مجلل آن به مقامات بلندپایه، محله «بوارده» با خانه‌های نسبتاً مرفه‌اش به مدیران درجه دوم، و

محله‌های «بهمن‌شیر» و «جمشیدآباد» با خانه‌های کوچک‌تر و ساده‌تر به کارگران عادی اختصاص یافته بود.

در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت و پس از ترور رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، اوضاع آبادان متشنج شد و در حالی که کارکنان در اعتصاب بودند، پالایشگاه آبادان در اشغال کامل قوای نظامی انگلیسی قرار گرفت و حکومت نظامی اعلام شد. با ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ اوضاع آبادان بهبود نسبی یافت و شرکت ملی نفت ایران تشکیل شد و در ۱۹ خرداد ۱۳۳۰ پرچم ایران بر فراز ساختمان شرکت نفت برافراشته شد و به دنبال آن ۴۵۰۰ نفر از کارکنان انگلیسی از ایران خارج شدند.

در جریان انقلاب اسلامی کارکنان پالایشگاه آبادان با اعتصاب و توقف فعالیت خود در ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۷ نقش بزرگی ایفا کردند. مجتمع پتروشیمی آبادان نیز که در سال ۱۳۴۵ش با مشارکت ۷۴ درصد شرکت ملی صنایع پتروشیمی و ۲۶ درصدی شرکت امریکایی «بی.اف.گودریچ» در کنار پالایشگاه، تاسیس در سال ۱۳۴۸ به بهره‌برداری رسیده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی با خرید کلیه سهام شرکت امریکایی توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ملی شد.

پس از پیروزی انقلاب علی‌رغم اقدامات خرابکارانه عوامل ضدانقلاب در جهت توقف کردن فعالیت‌های پالایشگاه، نظیر انفجار بمب در محوطه پالایشگاه آبادان در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ و انفجار چند لوله نفت و گاز در شمال آبادان در ۱۶ اسفند ۱۳۵۸، فعالیت‌های پالایشگاه هیچگاه تعطیل نشد. مردم آبادان برای مقابله با این خرابکاری‌ها، تشکیلاتی ایجاد کرده و نامش را «جوانمرد» یا «نیروهای خطوط لوله» گذاشتند.

با آغاز جنگ، دشمن با حملات هوایی، خساراتی را به پالایشگاه آبادان وارد آورد. در اول مهرماه ۱۳۵۹ آتش سنگین توپخانه دشمن آسیب جدی به شهر آبادان و تاسیسات پالایشگاهی و مخازن آن وارد ساخت. لیکن با رشادت کارکنان شریف و زحمتکش آن که در میان دود و آتش و شلیک مداوم خمپاره از تاسیسات پالایشگاه محافظت می‌کردند، بازسازی و دوباره فعال شد. از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۵ تا ۱۳۶۵/۱۱/۹ این پالایشگاه بیست و سه بار مورد حمله هوایی قرار گرفت. «کدراکر» که بلندترین تاسیسات پالایشگاه است در تمام طول جنگ مورد استفاده واحدهای اطلاعات و توپخانه و ادوات دیدبانی مواضع دشمن در غرب اروندرود مورد استفاده قرار می‌گرفت. دیوارهای پلیتی ضلع شمالی پالایشگاه که آثار ترکش‌های فراوان آن نمایان است و اتاق فرمان پالایشگاه (گیت ۱۸) از بقایای دوران جنگ در این پالایشگاه است.^۱

اروندروود

اروند به معنی تیز و تندرو در دوره باستان به تمام طول رود دجله و اروندرود امروزی گفته می‌شد. اگر اروند با تلفظ «او - روند» بخوانیم به معنی آب رونده است. در قدیم، اروندرود وجود نداشت و رودخانه‌های دجله، فرات و کارون جداگانه به دریا می‌ریختند. با سقوط ساسانیان و به دلیل عدم مراقبت، سدها شکسته شد و دو رودخانه دجله و فرات در قرن به هم پیوستند و اروندرود را تشکیل دادند.

هم اکنون ۸۱ کیلومتر از ۱۷۵ کیلومتر طول اروندرود، از محل نهر خین به این رودخانه تا مصب آن در خلیج فارس - مرز مشترک ایران و

عراق محسوب می‌شود. عرض اروندرود بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن بین نه تا پانزده متر در نوسان است و هنگام جزر و مد آب، تغییری می‌یابد و در عین حال برای کشتیرانی مناسب است. اروندرود را به علت جزر و مدها و نوع جریانش (جریان آرام بر سطح و جریان سریع و متلاطم در عمق) رودخانه وحشی نیز می‌نامند.

آب اروندرود از رودخانه‌های دجله و فرات که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند و از رودخانه‌های کارون، کرخه، زاب بزرگ، دیاله، بکور، سیروان و الوند که همگی از ایران سرچشمه می‌گیرند، تامین می‌شود و از نظر حجم، ۶۷ درصد آب اروندرود از ایران تامین می‌شود. پوشش ساحلی اروندرود پوششی از «چولان» (بوته‌های بلند) و «نی» است و عمق نخلستان‌های آن بین دو تا پنج کیلومتر متغیر است و به وسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروندرود، در حالت مد آبیاری می‌شوند. بصره، خرمشهر، آبادان، خسروآباد و فاو از جمله بندرهای مهم این آبراه هستند که نقش چشمگیری در رونق تجارت و بازرگانی منطقه دارند.

از آغاز تشکیل کشور عراق در پایان جنگ جهانی اول، همواره ادعاهای غیرحقوقی این کشور بر مالکیت کامل اروندرود، از مباحث اصلی اختلافات مرزی ایران و عراق بود که سرانجام براساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، ژرفگاه (خط القعر و یا خط تالوگ) رودخانه به عنوان خط مرزی تعیین شد.

یکی از اهداف رژیم بعثی عراق در هجوم سراسری به ایران، حاکمیت مطلق بر اروند و انتقال مرزهایش به ساحل شرقی این رودخانه بود. در خرداد ۱۳۵۸ دولت عراق با اعزام ناوچه‌های گشت‌زنی شروع به تقویت پاسگاه‌های مرزی خود در ساحل اروند نمود و بالگردهای آن

کشور بر فراز اروندرود به پرواز درآمدند.

با شروع جنگ تحمیلی اروندرود به سبب عریض بودن و تاثیرات ناشی از جزر و مد خلیج فارس بر این رودخانه - که هرگونه عملیات نظامی را با محدودیت مواجه می‌ساخت - مورد توجه نیروهای نظامی دو کشور ایران و عراق قرار نگرفت و فقط دو کشور با آتش توپخانه به تاسیسات نظامی و غیرنظامی مستقر در ساحل دو طرف اروندرود آسیب می‌زدند. در دومین ماه جنگ، ارتش عراق در حالی که از ساحل جنوبی این رودخانه، آبادان را می‌کوبید، از سمت شمال این شهر پیش‌روی کرد و در ۱۳۵۹/۸/۹ با عبور از بهمن‌شیر به نزدیکی اروندرود رسید. دشمن سعی داشت با پیش‌روی از جاده خسروآباد تا شهر اروندکنار در اراضی شمالی این رودخانه استقرار یافته و بر آن تسلط کامل یابد. لیکن با مقابله مدافعان آبادان، عقب رانده شد.

در عملیات والفجر ۸ و به دنبال موفقیت رزمندگان در عبور از اروندرود، برای بهبود تردد و افزایش توانایی انتقال رزمندگان به آن سوی اروند، پل‌سازی بر رودخانه مورد توجه و تاکید قرار گرفت.

با پایان جنگ و به رسمیت شناختن دوباره قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق، اروندرود دیگر بار حیات خویش را بازیافت هرچند که به علت انباشته شدن از گل و لای و لاشه‌های کشتی‌های غرق شده قابلیت کشتی‌رانی کشتی‌های بزرگ تجاری را تا حدی از دست داده بود.^۱

بهمن شیر

بهمن‌شیر همان شاخه اصلی کارون است که ابتدا بهمین‌اردشیر و به مرور زمان بهمین‌شیر نام گرفت. این رود که ۸۵ کیلومتر طول دارد در

شمال جزیره آبادان جاری است و به خلیج فارس می‌ریزد و از آن نهرهای متعددی منشعب می‌شود که کرانه‌های دو طرف رود را آبیاری می‌کند. با آغاز جنگ ارتش عراق که برای تصرف جزیره آبادان قادر نبود از اروندرود عبور نماید، با قوای زرهی از شمال شلمچه وارد خاک ایران شد و پس از عبور از کارون، در ۱۳۵۹/۸/۸ به ساحل شمالی بهمن‌شیر رسید و آبادان را محاصره نمود. محاصره زمینی جزیره آبادان هرچند بسیار بااهمیت بود اما هدف اصلی عراق، یعنی تصرف کامل جزیره آبادان و حضور در سواحل اروندرود، هنوز به طور کامل تحقق پیدا نکرده بود؛ لذا نیروهای عراقی می‌بایست از رودخانه بهمن‌شیر عبور کرده و وارد جزیره آبادان می‌شدند. پس از عبور بخشی از نیروهای دشمن از بهمن‌شیر در منطقه کوی ذوالفقاری، بلافاصله مدافعان آبادان در عملیات کوی ذوالفقاری دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند و نیروهای دشمن هیچگاه موفق به عبور مجدد از این رودخانه نشدند. پس از جنگ، بخش‌هایی از این رودخانه برای تردد شناورهای باری و صیادی (با ظرفیت ۵ هزار تن) لایروبی و پاک‌سازی شد.^۱

اروندکنار

اروندکنار شهر و بخشی است در شهرستان آبادان که در ۵۲ کیلومتری جنوب‌شرقی آبادان قرار دارد. شهر اروندکنار که قبلاً قصبه یا گسبه نام داشت (قصبه النصار هم می‌گویند) در زمان پهلوی دوم و در سال ۱۳۳۸ به شهر اروندکنار تغییر نام یافت. این شهر بندری، اسکله و امکانات بارگیری برای لنج‌های کوچک دارد و آخرین حد خشکی در جنوب جزیره آبادان است و روبه‌روی آن شهر فاو، بندر معروف

صادراتی و پایانه نفتی عراق قرار دارد. اهالی این منطقه عرب‌زبان بوده و بیشتر آنها شیعه هستند اما تعداد کمی از صائبین نیز در آن زندگی می‌کنند. از لحاظ طبیعی، اروندکنار به صورت دشت نسبتاً همواری است که از رسوبات بین‌النهرین و نیز رسوبات رشته‌کوه زاگرس تشکیل شده است.

قبل از آغاز جنگ، بخش اروندکنار با اقدامات خرابکارانه گروه‌های ضدانقلاب و خلق عرب وابسته به رژیم بعث، نظیر انفجار ۲۶ دی ۱۳۵۸ در دبستان روستای صحنه بخش اروندکنار و انفجار ۱۹ بهمن ۱۳۵۸ در مدرسه سیروس شهر اروندکنار روبه‌رو بود. در این ایام دشمن به تحریکات گسترده‌ای در ساحل غربی اروندرود و مقابل اروندکنار دست زد و علاوه بر افزودن استحکامات خود در منطقه در ۱۰ خرداد ۱۳۵۸ یک گردان توپخانه را در منطقه فاو و مقابل شهر اروندکنار به همراه واحدهای رزمی متعدد مستقر نمود تا علاوه بر کنترل مصب اروندرود بر شهرهای روستاهای ایران مسلط شود.

در دوم تیر و دهم شهریور ۱۳۵۹ نیز نیروی دریایی ارتش عراق ناوگان جنگی خود را در این منطقه متمرکز نمود که به نظر می‌رسید همه این تحرکات جهت کنترل بر اروندرود بوده است. مهم‌ترین پاسگاه‌های ایران در بخش اروندکنار پاسگاه‌های مینوحی، سعدونی، نهر علی‌شیر، نهر ابتر و خرما بود که در مقابل پاسگاه‌های فاو شمالی و فاو جنوبی عراق به فعالیت می‌پرداختند. پیش از آغاز جنگ، برخی از این پاسگاه‌ها مانند پاسگاه خرما اروندکنار (به ویژه در یکم و بیستم شهریور ۱۳۵۹) با تجاوز نیروی دریایی عراق روبه‌رو بوده است.

نزدیکی اروندکنار به شهر فاو که مهم‌ترین محور ارتباطی عراق به

خلیج فارس است، بر اهمیت جغرافیایی این بخش به ویژه در زمان دفاع مقدس افزود؛ به نحوی که با آغاز جنگ بخش و شهر اروندکنار عملاً به محاصره دشمن درآمد، که با مقابله رزمندگان و شکست حصر آبادان تهدید عراقی‌ها در تصرف اروندکنار نیز از بین رفت اما همچنان بخش اروندکنار و آبادی‌های آن و نیز سراسر سواحل این منطقه زیر آتش دشمن قرار داشت.

اروندکنار در بهمن ۱۳۶۴ محل تدارک رزمندگانی بود که برای عملیات والفجر ۸ آماده می‌شدند. واحدهای مهندسی نیز به منظور تثبیت نیرو و تامین نیازهای مهندسی منطقه، پیش از عملیات، با فعالیت‌های متعددی مانند احداث جاده‌های آنتنی‌شکل، احداث مواضع توپخانه و ایجاد مواضع موشک زمین به هوا در بخش اروندکنار، مقدمات عملیات را فراهم نمودند.

در عملیات والفجر ۸ موقعیت حساس اروندکنار به همراه نخلستان‌های وسیع آن که پوشش مناسبی برای تدارک و جابه‌جایی نیرو به شمارش می‌آمد. در موفقیت عملیات بسیار موثر بود.

در شهریور ۱۳۶۵ و طی عملیات موفقیت‌آمیز کربلای ۳، رزمندگان قرارگاه نوح با حرکت از قسمت‌های جنوبی بخش اروندکنار، دو اسکله الامیه و البکر را که مهم‌ترین پایانه‌های نفتی و پایگاه‌های دریایی عراق در خلیج فارس بودند منهدم ساخته و آرایش دشمن را در خلیج فارس متلاشی ساختند.

با خاتمه جنگ و اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸، اروندرود بار دیگر مرز ایران تعیین شد و سواحل اروندکنار مورد استفاده مردم این منطقه قرار گرفت.^۱

جزیره مینو

جزیره مینو منطقه‌ای نخلستانی در ضلع جنوب غربی فرودگاه آبادان است که به علت قرار گرفتن در وسط رودخانه اروندرود، حالتی جزیره‌ای دارد. نام این جزیره در گذشته «صلبوخ» بوده است که بعداً به جزیره مینو و اخیراً به مینوشهر تغییر نام داده است. از لحاظ تقسیمات کشوری جزیره مینو قبلاً جزو شهرستان خرمشهر بود ولی اکنون در محدوده شهرستان آبادان قرار دارد. مینوشهر با یک پل فلزی به طول ۲۱۰ متر و عرض ۸ متر با آبادان و خرمشهر مرتبط است. این پل که اهمیت ارتباطی فراوانی دارد، در سال ۱۳۴۹ ش ساخته شده است.

این جزیره به دلیل قرار گرفتن در وسط اروندرود برای تردد نیروهای دشمن موقعیت بسیار مناسبی فراهم می‌ساخت. به همین علت برادر عبدالحسین بنادری که مسئول عملیات سپاه آبادان بود، در ابتدا خودش فرماندهی سپاه در جزیره مینو را برعهده گرفت و بعدها نیز این مسئولیت به برادر عبدالله تمیمی واگذار شد.

در عملیات کربلای ۴ جزیره مینو از جمله محورهای عملیاتی بود. پاسگاه‌های مرزی در جزیره مینو در طول جنگ در مواقع لزوم به تبادل آتش با نیروهای دشمن در آن سوی اروند می‌پرداختند و واحد ادوات آبادان از آغاز جنگ در این جزیره مستقر بود و اجرای آتش خویی بر مواضع دشمن داشت. جزیره مینو اکنون یکی از مناطق گردشگری جزیره آبادان محسوب می‌شود و در حال حاضر جزء منطقه آزاد تجاری اروند است.^۱

چوئبده

روستای چوئبده در ۴۵ کیلومتری جنوب‌شرقی آبادان و ۱۰ کیلومتری شمال قفص در کنار رود بهمن‌شیر قرار دارد. با سقوط خرمشهر و محاصره آبادان بسیاری از مردم با رساندن خود به این روستا از طریق رودخانه بهمن‌شیر با لنج و یا بالگرد به بندر امام خمینی(ره) و ماهشهر رفتند.

توپخانه ارتش هنگامی که دشمن در ۱۹ مهرماه به شمال بهمن‌شیر رسید، قبضه‌های توپخانه به ناچار از منطقه سده به چوئبده منتقل شد که این امر مدافعان خرمشهر را از آتش پشتیبانی محروم نمود. بالگردهای هوانیروز ارتش نیز که از منطقه سده برای فرود استفاده می‌کردند، محل فرود خود را به چوئبده تغییر دادند.

در طول جنگ این منطقه محل تردد لنج‌ها و بالگردهایی بود که نقل و انتقال نیرو و مهمات از بندر امام خمینی(ره) و ماهشهر را برعهده داشتند. در عملیات والفجر ۸ نیز از اسکله چوئبده استفاده فراوانی شد. اکنون چوئبده به سه آبادی چوئبده ۱، ۲ و ۳ تقسیم شده است.^۱

عملیات آفندی ثامن الائمه (ع) ۱۳۶۰/۷/۵

«حصر آبادان باید شکسته شود» این فرمانی بود که در چهاردهم آبان ۱۳۵۹ توسط فرماندهی کل قوا حضرت امام خمینی(ره) خطاب به نیروهای مسلح بویژه ارتش جمهوری اسلامی ایران صادر گردید. براساس این فرمان لشکر ۷۷ ثامن‌الائمه از فروردین ماه ۱۳۶۰ مسئولیت منطقه عملیاتی خرمشهر و آبادان را از فرماندهی اروند دریافت نمود و با احداث جاده «وحدت» تردهای جزیره آبادان را از دریا به خشکی

عملیات آفندی ثامن الائمه / ۶۵

تغییر مسیر داد. قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در اهواز در خردادماه ۱۳۶۰ طرح عملیاتی ضربت را پیرو فرمان صادره رهبر کبیر انقلاب اسلامی تهیه و ماموریت اجرای آن به لشکر ۷۷ واگذار گردید. طرح مذکور پس از بازبینی در ۱۵ شهریور ۱۳۶۰ به قرارگاه ارسال و نهایتاً در ۱۳۶۰/۶/۲۶ طرح نهائی تصویب و برای اجرا به لشکر ابلاغ شد.

عملیات ثامن‌الائمه در ساعت ۱ پنجم مهرماه ۱۳۶۰ با رمز نصر من الله و فتح قریب آغاز و در تاریخ ۶۰/۷/۷ بعد از ۲ روز نبرد موفقیت‌آمیز، به پایان رسید. آتش پشتیبانی و هماهنگی بین نیروها و سرعت عمل فوق‌العاده باعث شد که در طول ۲۴ ساعت اولیه عملیات اهداف اصلی به تصرف دلاوران ارتش اسلام درآید. طراحی و فرماندهی و اجرای این عملیات توسط نیروی زمینی ارتش با شرکت و همکاری یگان‌هائی از سپاه پاسداران صورت پذیرفت. تیپ یکم لشکر ۷۷ از منطقه ذوالفقاریه تیپ دوم از منطقه فیاضیه و تیپ سوم از منطقه دارخوین حمله را آغاز نموده و با محاصره نیروهای دشمن خطوط مورد نظر را تصرف نمودند.

در این عملیات خلبانان هوانیروز با ۴۰ فروند بالگرد ۱۲۰۰ ساعت پرواز کردند تا ۶۲۰ نفر مجروح را تخلیه، ۸۰۰ نفر رزمنده را ترابری و ۳۵ تن بار و مهمات را جابجا کنند.

نتیجه:

تأمین ساحل شرق رودخانه کارون با آزاد سازی ۱۵۰ کیلومتر مربع از زمین‌های خودی، خارج شدن آبادان از محاصره طبق فرمان «حصر آبادان باید شکسته شود»

تلفات انسانی دشمن شامل ۳۰۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۶۵۶ نفر

اسیر بوده است.

ضایعات لجستیکی: انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر و ۱۰۰ دستگاه انواع خودرو، سرنگونی سه فروند هواپیما و یک فروند هلی کوپتر. غنایم: ۱۰۰ دستگاه تانک، ۶۰ دستگاه نفربر، سه دستگاه لودر، ۵ عراده توپ و ۱۵۰ دستگاه خودرو.

از نکات قابل توجه در این عملیات، طراحی کلاسیک و انجام پیش‌بینی‌های مورد نیاز در تمام زمینه‌ها بود. همچنین در پایان عملیات اسرای عراقی از مقابل فرماندهان عالی رتبه ارتش جمهوری اسلامی ایران سرلشکر شهید ولی‌الله فلاحی و سرهنگ ظهیرنژاد رژه رفته و سرتیپ جوادی فرمانده عملیات و فرمانده لشکر ۷۷ ثامن‌الائمه برای اسرا حدود ۲۰ دقیقه به زبان عربی سخنرانی کرد.

روز بعد از این عملیات فرماندهان عالی رتبه ایران هنگام بازگشت به تهران بر اثر سقوط هواپیما به شهادت رسیدند: سرلشکر شهید ولی‌الله فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش، سید موسی نامجو وزیر دفاع، یوسف کلاهدوز و محمد جهان‌آرا از فرماندهان سپاه پاسداران

به دنبال شهادت فرماندهان تغییراتی در فرماندهی نظامی ارتش ایران به وقوع پیوست و به دنبال آن سرتیپ ظهیرنژاد به سمت رئیس ستاد مشترک ارتش و سرهنگ علی صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شدند.*

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

بندر امام خمینی (ره)

موقعیت جغرافیایی:

بندر امام خمینی در منتهی الیه شمال غربی خلیج فارس و در انتهای آبراه طبیعی خورموسی و در ۱۶۵ کیلومتری مرکز استان خوزستان قرار دارد. این آبراه به طول ۴۲ مایل، با عرض حداقل ۲۵۰ متر و متوسط عمق ۲۰ متر، بستری آرام و مطمئن برای تردد انواع کشتی‌های اقیانوس پیمانی تجاری و نفتکش را از این بندر به اقصی نقاط جهان فراهم آورده است.

موقعیت اقتصادی:

بندر امام خمینی در میان بنادر تجاری ایران با ۱۱ میلیون متر مربع مساحت، یکی از بزرگترین و مهم‌ترین بنادر تجاری کشور محسوب می‌گردد. سالانه حدود نیمی از صادرات غیر نفتی از طریق این بندر انجام می‌شود.

این بندر با موقعیت ممتاز جغرافیایی و اقتصادی خود و با بیش از ۷۰ سال تجربه مفید توانسته به عنوان نزدیکترین و مهمترین مرکز تجاری و بندری ایران در نیمه غربی کشور که قریب به ۷۰٪ از مراکز تجاری، صنعتی، کشاورزی و جمعیتی کشور را شامل می‌شود، تبدیل گردد. همجواری با بزرگترین منطقه ویژه اقتصادی صنایع پتروشیمی در بندر امام خمینی، منطقه آزاد تجاری اروند در آبادان و خرمشهر و دیگر صنایع مادر در خوزستان بر اهمیت جایگاه این بندر افزوده است.

اراضی پشتیبانی جهت سرمایه‌گذاری:

اراضی پشتیبانی بندر امام خمینی (ره) با ۵۷۰ هکتار مساحت و کاربری احداث انبار، محوطه، مخازن نفتی و غیرنفتی، یارد کانتینری، احداث اسکله

جهت حمل و نگهداری کالاهای فله خشکه شامل، غلات، کود شیمیایی، مصالح ساختمانی، مواد معدنی، فله مایع اعم از روغن‌های خوراکی و فرآورده‌های نفتی و شیمیایی، کالاهای پالیتزه و کالاهای کانتینری، مناسبترین بستر برای سرمایه‌گذاری در صنعت حمل و نقل ترانزیت کالا می‌باشد.

ویژگی‌های بندر امام خمینی:

مساحت بندر:	۱۰۴۱ هکتار
تعداد اسکله:	۴۰ پست
مساحت انبارهای مسقف:	۳۰۰۰۰۰ مترمربع
مساحت باراندازها:	۲۰۰۰۰۰ متر مربع
ظرفیت پذیرش کالا:	۳۵ میلیون تن (سالانه)
عمق مناسب برای پهلوگیری کشتی‌ها:	۱۴ متر
طول خطوط داخلی راه‌آهن:	۱۲۰ کیلومتر
ظرفیت سیلوی غلات:	۷۰۰۰۰ تن
فاصله تا مرکز شهر:	۱۱ کیلومتر
فاصله تا اهواز:	۱۶۵ کیلومتر
فاصله تا تهران:	۹۵۰ کیلومتر

یگانهای رزمی نداجا در دوران جنگ تحمیلی*

ناوشکن کلاس بیر

وزن ناوشکن: ۲۲۰ تن

وزن کامل به همراه مهمات، سوخت، آب و...: ۳۳۲۰ تن

طول: ۱۱۴/۸ متر

آبخور: ۵/۸ متر

* نداجا - گروه پژوهشی دفاع مقدس

یگانهای رزمی نداجا در دوران جنگ تحمیلی ۶۹/

سامانه رانش:دیگ بخار

قابلیت حمل یک فروند بالگرد

سلاح‌ها:

- ۴ سکوی پرتاب موشک از نوع استاندارد به همراه ۸ فروند از این

نوع موشک:

- ۴ توپ ۵ اینچ (۱۲۷ میلیمتری) که به صورت دوتایی در سینه و

پاشنه ناوشکن قرار داشت.

- ۶ سکوی پرتاب اژدر که به صورت سه تایی در دو طرف ناوشکن

مستقر بود.

تعداد دو فروند به اسامی ناوشکن ج.ا.پلنگ.

ناوشکن کلاس الوند

وزن: ۱۱۰ تن

وزن کامل: ۱۲۹۰ تن

طول: ۹۴/۴

آبخور ۳/۴ متر

سامانه رانش: دارای دو متر دیزل که سامانه رانش اصلی این نوع

ناوشکن را تشکیل میدهد، و دو توربین گاز که در موارد نیاز مورد استفاده

قرار میگیرد و ناوشکن را قار میسازد با سرعت ۴۰ گره حرکت کند.

سلاح‌ها:

- ۵ سکوی موشک سطح به سطح سی کیلو

- یک سکوی سه فروندی موشک سطح به هوا از نوع سی کت که

در زمان جنگ تحمیلی به جای آن توپ ۲۳ میلیمتری نصب شد.

۷۰ / راهنمای کلید واژه‌ها

فریگت کلاس بایندر

وزن: ۹۰۰ تن

وزن کامل: ۱۱۳۵ تن

طول: ۸۳/۸ متر

آبخور: ۳/۱ متر

سامانه رانش: موتور دیزل

سلاح‌ها:

- ۲ قبضه توپ ۳ اینچ (۷۶ میلیمتری) و دو قبضه توپ ۴۰ میلیمتری

- بمب‌های زیردریایی

- تعداد ۴ فروند به اسامی نامهای ج.آ. کهنمویی (همیشه جاوید) -

میلانیا - نقدی - بایندر

ناوچه‌های موشک انداز کلاس پیکان

وزن: ۲۴۹ تن

وزن کامل: ۲۷۵ تن

طول: ۴۷ متر

آبخور: ۱/۹ متر

سامانه رانش: ۴ موتور دیزل که حداکثر سرعت ۳۶ گره دریایی را

برای این نوع ناوچه تامین میکرد.

سلاح‌ها:

- ۴ اسکوی پرتاب موشک هارپون

- یک قبضه توپ ۷۶ میلیمتری اتوملارا در سینه

- یک قبضه توپ ۴۰ میلیمتری در پاشنه

- تعداد ۱۲ فروند به اسامی: ناوچه‌های موشک انداز ج.ا. کمان -

زوبین - خدنگ - پیکان (همیشه جاوید) - جوشن (همیشه جاوید) - فلاخن -

شمشیر - گرز - گردونه - خنجر - نیزه - تبرزین.

یگانهای رزمی نداجا در دوران جنگ تحمیلی ۷۱/

ناوچه‌های توپدار کلاس فجر

وزن: ۱۰۵ تن

وزن کامل: ۱۴۶ تن

طول: ۳۰/۵ متر

سلاح‌ها:

- یک قبضه توپ ۴۰ میلیمتری

- دو قبضه تیربار کالیبر ۵۰

سامانه رانش: موتور دیزل

تعداد ۳ فروند به اسامی ناوچه‌های ج.ا. فجر-نصر-فتح.

ناوچه‌های توپدار کلاس نجم

وزن: ۸۵ تن

وزن کامل: ۱۰۷ تن

طول: ۲۷/۵ متر

سلاح‌ها:

- یک قبضه توپ ۴۰ میلیمتری

- ۸ بمب ضد زیر دریایی

سامانه رانش: موتور دیزل

تعداد ۴ فروند به اسامی ناوچه‌های ج.ا. نجم-نور-شمس-

مهران (همیشه جاوید)

لازم به توضیح است که بسیاری از یگانهای فوق‌الذکر پس از جنگ در کارخانجات نداجا و به دست کارکنان متعهد و متخصص این نیرو مورد باز سازی و نوسازی قرار گرفت و بسیاری از سامانه‌ها و تجهیزات جنگی آنها تغییر کرد.

دارخوین

دارخوین شهرک و روستایی در ۴۴ کیلومتری شمال آبادان است که بین رودخانه کارون و جاده آبادان - اهواز قرار دارد. شهرک دارخوین متعلق به کارکنان سازمان انرژی اتمی بود که در تأسیسات دارخوین واقع در سه کیلومتری جنوب دارخوین و در حاشیه کارون فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۵۶ براساس قراردادی دو میلیارد دلاری، فرانسه متعهد شده بود برای تولید برق، دو نیروگاه اتمی ۹۰۰ مگاواتی در دارخوین احداث کند که پس از پیروزی انقلاب به تعهداتش عمل نکرد.

با آغاز جنگ و تسلط سپاه سوم ارتش عراق بر شرق کارون در محدوده روستای مارد، جبهه مهمی در شمال منطقه نبرد به منظور جلوگیری از پیش‌روی دشمن تشکیل شد که به علت قرار داشتن روستای دارخوین در عقبه آن، به «جبهه دارخوین» مشهور شد. این منطقه مرکز ثقل فشار واحدهای ارتش عراق برای تصرف سه راهی حساس شادگان - آبادان - ماهشهر و تصرف شهرهای اهواز و آبادان بود. براین اساس لشکر ۳ زرهی ارتش عراق در نظر داشت ضمن تصرف کامل حاشیه غربی کارون در حدفاصل سلمانیه تا خرمشهر تا اهواز را تصرف نماید. لذا جبهه دارخوین ضمن تحمل فشار از سلمانیه (خط شیر) ناچار بود به طور مداوم از رسیدن دشمن به کارون در حدفاصل جبهه فارسیات تا سلمانیه ممانعت کند.

در مجموع جبهه دارخوین درخطوطی ناپیوسته، موظف بود منطقه‌ای به طول ۶۰ کیلومتر را حفاظت نماید. از اواخر سال ۱۳۵۹ رزمندگان جبهه دارخوین با اعلام آمادگی، برای حمله به دشمن، اصرار می‌ورزیدند. همین اصرار موجب عملیات فرماندهی کل قوا در

۱۳۶۰/۳/۲۱ شد که طی آن نیروهای خودی منطقه‌ای به طول سه کیلومتر را آزاد کردند. در عملیات ثامن‌الائمه (ع) رزمندگان از همین جبهه به مواضع دشمن یورش بردند و با پیش‌روی تا پل قصبه، این پل را منهدم کردند.

در جریان عملیات بیت‌المقدس، رزمندگان ارتش با انتقال ۱۲۰۰ متر پل «پی.ام.پی» از دزفول به دارخوین و احداث پنج پل نظامی بر روی کارون در غرب دارخوین (موسوم به پل پیروزی)، غافلگیرانه به پهلوی دشمن زدند و تا جاده اهواز - خرمشهر پیش رفتند. از آنجا که شهرک دارخوین محل آموزش و استقرار لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و تاسیسات انرژی اتمی محل استقرار لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابیطالب (ع)، تیپ قمر بنی‌هاشم (ع) و تیپ زرهی سپاه در طول جنگ بود، بارها توسط دشمن مورد حمله هوایی قرار گرفت که منجر به شهادت تعدادی از رزمندگان شد.^۱

بستان

شهر بستان یکی از شهرهای دشت آزادگان و مرکز بخش بستان است. این شهر در شمال‌غربی سوسنگرد و جنوب رودخانه کرخه قرار دارد و فاصله آن تا سوسنگرد ۳۱ کیلومتر است. از آنجا که این شهر در مسیر یکی از محورهای حمله دشمن به خوزستان؛ یعنی محور چزابه - بستان - سوسنگرد قرار داشت، با شروع جنگ شهر بستان از دو محور مورد تهاجم دشمن قرار گرفت.

در محور اول نیروهای تیپ ابن‌الولید دشمن با تصرف پاسگاه سوبله و صفریه و عبور از تنگ‌چزابه در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۴ خود را به حومه

شمالی شهر بستان رسانید و در محور دوم نیروهای تکاور و جیش‌الشعبی ارتش عراق از طریق هورال‌هویزه و رودخانه سعیدیه و با قایق‌های موتوری به حومه غربی شهر وارد شدند.

از روز اول تا چهارم مهرماه نیروهای محدودی متشکل از سپاه پاسداران، ژاندارمری و گردان ۱۰۰ تانک از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی ارتش و نیروهای مردمی در برابر دشمن مقاومت کردند اما با نرسیدن نیروهای کمکی و در حالی که شهر بستان در محاصره بود و زیر حملات سنگین هوایی و توپخانه‌ای دشمن قرار داشت، در ۴ مهرماه شهر سقوط کرد.

پس از عملیات غیور اصلی، شهر بستان در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ آزاد شد. اما یک هفته بعد دو تیپ زرهی عراق برای تصرف بستان هجوم آوردند و پس از چهار روز در ۱۳۵۹/۷/۲۱ بستان برای بار دوم اشغال شد.

با اجرای عملیات طریق‌القدس در ۱۰ آذر ماه ۱۳۶۰ شهر بستان برای همیشه آزاد شد.

از روستاهای مهم و فعال بستان در دوران جنگ، می‌توان به روستاهای سعیدیه، ابوچلاج، سابله، فنیخی و رمیم اشاره کرد.^۱

هویزه

شهر هویزه جنوبی‌ترین شهر دشت‌آزادگان و مرکز بخش هویزه یا هوزگان است و در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. هویزه کلمه‌ای عربی است و از «هیازت» به معنی آباد کردن مشتق شده است. این شهر و حومه آن در دوره خلفای اسلامی، آباد و سرسبز بود و کوشک

هویزه و کوشک بصره دو قلعه محکم و دژ دفاعی این سرزمین به شمار می‌آمد. بخش هویزه با رودخانه کرخه‌نور آبیاری می‌شود و آب و هوای آن گرم و خشک است. نژاد مردم هویزه آریایی و سامی است و به زبان فارسی و عربی سخن می‌گویند و اغلب شیعه‌دوازده امامی هستند. از اوایل سال ۱۳۵۸ حکومت بعث عراق علاوه بر ایجاد تحرکات در مرزهای مشترک دو کشور اقدامات گسترده‌ای نیز در داخل ایران آغاز کرد. در این میان منطقه عرب‌نشین هویزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

با آغاز جنگ، هویزه آخرین شهر در دشت آزادگان بود که به اشغال ارتش عراق درآمد. نیروهای عراقی پس از پیشروی در منطقه سوسنگرد و کرخه‌نور، عملاً هویزه را در محاصره داشتند لیکن برای اشغال آن تعجیل نمی‌کردند تا اینکه عملیات نصر در ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ آغاز و در اولین مرحله آن یک تیپ عراقی منهدم شد. اما مراحل بعدی عملیات با ناکامی روبه‌رو شد و با کاهش تدریجی توان مدافعان، دشمن در روز ۱۳۵۹/۱۰/۱۸ خود را به کرخه‌نور رساند و نیروهای خودی برای جلوگیری از نفوذ دشمن به شمال کرخه‌نور، ناچار شدند حین عقب‌نشینی پل واقع در روستای حمودی فردوس را تخریب کنند. دشمن با تجاربی که از جریان مقاومت مدافعان سوسنگرد و خرمشهر کسب کرده بود، قصد داشت با پیش‌روی گام‌به‌گام و محتاطانه، محاصره شهر را از چهار طرف کامل کند و هنگامی که شهر کاملاً تخلیه شده و دیگر مقاومتی در آن نباشد، وارد هویزه شود. لذا در روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۱ حدود پنجاه تانک دشمن در نزدیکی روستای ساریه موضع گرفتند و در جنوب شرقی هویزه نیز نیروهای دشمن تا ۲ کیلومتری شهر پیش‌روی نموده و شهر را زیر آتش خود قرار دادند. در روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ یک

گردان تانک و یک گردان پیاده از ارتش عراق نیز در یک کیلومتری شرق هویزه محاصره را کامل‌تر کردند. نیروهایی هم که از دو روز قبل در نزدیکی روستای ساریه مستقر بودند، پیش‌روی کرده و جاده را در اختیار گرفتند. در روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ در حالی که هویزه زیر آتش قوای دشمن بود، یک گردان پیاده عراق نیز خود را به روستای ساریه رساند و در آنجا مستقر شد.

به این ترتیب هویزه علاوه بر شرق و جنوب، از سمت شمال و غرب نیز محاصره شد و دشمن در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ وارد شهر شد و با استقرار چند تانک برای تامین در داخل شهر، افراد پیاده با اطمینان از نبودن نیروهای مقاومت، به غارت منازل مردم مشغول شدند. این شهر در طی دوران محاصره به طور کلی تخریب شد به نحوی که قدم‌گاه حضرت عباس(ع) و ساختمان مقابل آن تنها آثار باقی‌مانده از شهر قدیم هویزه است. از آن زمان هویزه در اشغال دشمن بود تا آن که در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۹ با عقب‌نشینی دشمن، در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس آزاد شد.

در این عملیات، قوای قرارگاه قدس به پنج گروه تقسیم شد و قدس ۱ در غرب هویزه و قدس‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ در شرق هویزه وارد عمل شدند. در نتیجه تلاش‌هایی که باعث عقب‌نشینی دشمن از این منطقه شد، حدود ۴۱۰۰ کیلومتر مربع از منطقه اشغالی شامل جفیر، پادگان حمید و به خصوص هویزه آزاد شد. بلافاصله پس از آزادی هویزه، آستان قدس رضوی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) کار ساخت شهر جدید هویزه را که سه برابر شهر ویران شده قبل بود را آغاز نمود که تا سال ۱۳۶۴ همچنان ادامه داشت.

یادمان شهدای هویزه که در سال ۱۳۶۲ احداث شد در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهر هویزه و جنوب رودخانه کرخه نور قرار دارد. در این یادمان، مزار شهید سیدحسین علم الهدی و یارانش که پیکرهای مطهرشان پس از آزادسازی این منطقه، شناسایی و به خاک سپرده شد، قرار دارد.^۱

عملیات آفندی نصر ۱۳۵۹/۱۰/۱۵

متوقف نمودن نیروهای عراقی در سراسر جبهه‌ها که در اوایل آبان‌ماه ۱۳۵۹ کامل گردید باعث شد دشمن از دستیابی به اهداف اساسی باز مانده و زمین گیر شود ولی توقع و انتظار عمومی این بود که هر چه سریعتر بدون توجه به فشارهای وارد آمده جهت پذیرش صلح، جبهه‌های نبرد فعال شده و حملات جهت عقب راندن دشمن آغاز گردد. هر چند انجام این حملات توسط نیروهای جمهوری اسلامی ایران در جنوب و غرب از اوایل مهرماه آغاز گردیده بود ولی انجام یک عملیات گسترده احتیاج به تهیه مقدمات و جمع‌آوری نیروی کافی داشت که به سادگی امکان پذیر نبود.

فرمان صادره به نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مورخه ۵۹/۹/۲۶ واصل گردید و این نیرو طرح عملیاتی نصر را تهیه و ابلاغ نمود تا براساس آن لشکرهای ۱۶ قزوین و ۹۲ خوزستان در منطقه عمومی هویزه حمله را به طرف مرزهای بین‌المللی ادامه دهند.

با توجه به کمبود نیرو سرانجام لشکر ۱۶ با تیپ‌های ۳ و ۱ خود و تیپ ۲ لشکر ۹۲ و لشکر ۹۲ با تیپ دیگر خود و گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ و یک گردان از سپاه پاسداران و تعدادی از گروه نامنظم دیگر چمران آماده اجرای عملیات شدند.

عملیات در روز ۱۵ دیماه آغاز گردید و با متلاشی شدن یگان‌های دشمن اهداف تعیین شده تصرف شد و ۸۰۰ نفر عراقی به اسارت درآمدند. در روز ۱۶ دیماه استقامت و حفظ اهداف بدست آمده به خوبی صورت گرفت ولی به دلیل نبودن احتیاط در روزهای ۱۷ و ۱۸ دیماه فشار فوق‌العاده‌ای از طرف دشمن وارد گردید که سرانجام به دلیل اینکه در صورت باقی ماندن در محل و موفقیت دشمن در پیشروی، دیگر هیچ نیروئی وجود نداشت که در مقابل پیشروی عراقی‌ها به طرف اهواز ایستادگی کند، دستور عقب نشینی به مواضع قبل از حمله داده شد و با این تدبیر شجاعانه و ایستادگی مجدد از قبول تلفات بیشتر و ادامه حرکت عراق ممانعت بعمل آمد.

در این عملیات علاوه بر شهادت بیش از ۱۴۱ شهید لشکر ۱۶ زرهی حدود ۷۰ نفر از دانشجویان پیرو خط امام که در گردان سپاه سازمان یافته بودند نیز به محاصره عراقی‌ها در آمده و به شهادت می‌رسند.

نتیجه:

هر چند مرحله اول عملیات موفق بوده و کلیه اهداف آزاد گردید ولی در نهایت مناطق تصرفی تخلیه می‌شود.

دشمن بیش از ۱۰۰۰ کشته و مجروح و بیش از ۸۰۰ نفر اسیر، تلفات می‌دهد.

لشکر ۹ زرهی به شدت آسیب دیده، ۴۵ دستگاه تانک، ۵۰ دستگاه خودرو، ۱۵ قبضه موشک‌انداز و ۱۰ دستگاه نفربر به همراه ۳ بالگرد منهدم گردید و تعدادی تانک و نفربر نیز به غنیمت درآمد.*

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

سوسنگرد

شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان و مهم‌ترین شهر آن است و فاصله آن تا شهر اهواز ۵۵ کیلومتر و تا شهر بستان ۲۸ کیلومتر است. رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از آن نیز از داخل شهر عبور کرده و در غرب و جنوب‌غربی سوسنگرد دو رود سابله و مالکیه از آن منشعب می‌شود.

نام این شهر ابتدا «خفاجیه» بوده که در دوران شاهنشاهی به «سوسنگرد» تغییر نام یافت. سوسنگرد در زمان ایران باستان به نام «عبادتگاه سیاره ناهید» بوده است. مردم این شهر شیعه‌نشین، اغلب عرب زبان هستند و شغل عمده آنها کشاورزی است. از طوایف ساکن در این شهر می‌توان به طوایف آلبوجلal، زبیدات، بنی‌طرف، اهل‌الیرف و سادات اشاره نمود.

با آغاز جنگ، تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان که در پاسگاه صفریه و سوبله مستقر بودند نتوانستند حملات دشمن را دفع کنند و به ناچار به عقب رانده شدند. لشکر ۹ مکانیزه ارتش عراق کم‌کم به محور سوبله، تنگ چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید و موفق شد بر روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کند. به این ترتیب بستان به طور کامل سقوط کرد و دشمن از شمال و غرب وارد شهر شد و با پیشروی در محور بستان - سوسنگرد، شهر سوسنگرد را از غرب مورد تهدید قرار داد. علاوه بر این، سایر یگان‌های دشمن در جنوب کرخه که از محور نشوه - کوشک - طلائییه وارد ایران شده و رو به شمال پیش‌روی کرده بودند، به کرانه جنوبی رودخانه کرخه‌نور رسیده و با عبور از کرخه، به قصد تصرف سوسنگرد و حمیدیه در دو ستون شروع

به پیش‌روی کردند. در نهایت دشمن علی‌رغم مقاومت مدافعان برای اولین بار در ۶ مهرماه سوسنگرد را اشغال کرد و اداره شهر را به گروه ضدانقلاب «جبهه‌التحریر» سپرد.

سه روز بعد در ۱۳۵۹/۷/۹ رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی «علی غیوراصلی» به قوای دشمن در حدفاصل اهواز و حمیدیه شیخون زدند و با حمایت هوانیروز ارتش، به تعقیب دشمن ادامه دادند. دشمن که برآورد دقیقی از تعداد و توان مدافعان نداشت در ۱۳۵۹/۷/۱۰ سوسنگرد را تخلیه کرد. حملات ارتش عراق از ۱۳۵۹/۷/۱۷ دوباره آغاز شد و دشمن در ۱۳۵۹/۷/۲۴ از سه طرف سوسنگرد را محاصره کرد و وارد بخش‌هایی از آن شد. اما مقاومت حدود دویست نفر از مدافعان از جمله شهید علی تجلایی و یارانش مانع از سقوط کامل شهر شد تا آنکه دو روز بعد در ۱۳۵۹/۷/۲۶ رزمندگان نزاجا، سپاه و ستاد جنگ‌های نامنظم به کمک محاصره شدگان آمدند و بار دیگر شهر را حفظ کردند.

در جریان مقاومت سوسنگرد، مسجد جامع این شهر محل اعزام نیرو، مداوای مجروحین و مرکز هماهنگی و هدایت عملیات مدافعان بود. مدافعان سوسنگرد پس از سازماندهی در این مسجد در گروه‌های کوچک در نقاط حساس شهر استقرار می‌یافتند. در دوران محاصره سوسنگرد؛ چند تانک عراقی در ۱۳۵۹/۸/۲۵ تا چند متری این مسجد جلو آمدند، اما با انهدام دو تانک، پیشروی دیگر تانک‌ها متوقف شد.^۱

تپه‌های الله‌اکبر

الله‌اکبر نام کوهی است در محدوده شهرستان دشت آزادگان که در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال سوسنگرد و در نزدیکی بستان قرار دارد

و ۷ کیلومتر طول و بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر عرض دارد و مرتفع‌ترین تپه آن ۵۵ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و بعد از ارتفاعات میشداغ مرتفع‌ترین عارضه دشت آزادگان محسوب می‌شود.

در سال ۱۳۲۳ق و در اواخر حکمرانی احمدشاه قاجار، در جنگ بین عشایر مسلمان ایران و ارتش بریتانیا بر روی این تپه، شیخ عبدالله بن عمارالطرفی به همراه مجاهدین نماز خواندند و چون قبل از آغاز نماز بر بلندای آن تپه اذان گفته شد، شیخ عبدالله نام آن تپه را الله اکبر نامید که تاکنون به همین نام شهرت دارد.

با شروع جنگ، این تپه‌ها به عنوان عارضه‌ای حساس مورد توجه ارتش عراق قرار گرفت و تیپ ۳۵ لشکر ۹ زرهی ارتش عراق پس از تصرف پاسگاه‌های سوبله و جزابه و پس از دو روز توقف در اطراف بستان، به سمت تپه‌های الله اکبر به حرکت درآمد و سرانجام در ۴ مهرماه این تپه‌ها را اشغال و بلافاصله بر روی آن استحکاماتی ایجاد کرد. دشمن با اشغال این تپه‌ها توانست سوسنگرد را زیر آتش قرار دهد و مقدمات سقوط سوسنگرد را فراهم کند؛ از همین رو یک گردان رزمی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در ۱۰ مهرماه ۱۳۵۹ موفق شد در اقدامی سریع قسمتی از تپه‌های الله اکبر را آزاد نماید. با آزادسازی تپه‌ها، از ۱۸ مهرماه مواضع رزمندگان مستقر در آن زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت و دشمن در ۱۹ مهرماه برای اشغال دوباره تپه‌های الله اکبر تا آبادی‌های سیدخلف، صالح حسن و حمودعاصی واقع در جنوب غربی تپه‌های الله اکبر، پیش‌روی کرد و خود را به ۵ کیلومتری مواضع رزمندگان رسانید. موقعیت رزمندگان در تپه‌های الله اکبر که با اشغال بستان و تشدید آتش توپخانه دشمن مورد تهدید جدی قرار گرفته بود،

مدافعان را مجبور به عقب‌نشینی از تپه‌های الله‌اکبر کرد و به این ترتیب تپه‌های الله‌اکبر دوباره به اشغال ارتش عراق درآمد. پس از اشغال هفت ماهه این تپه‌ها، رزمندگان در دو عملیات محدود امام علی (ع) و نصر (غرب تپه‌های الله‌اکبر) دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند. با تلاش رزمندگان در عملیات امام علی (ع) در ۳۱ مرداد ۱۳۶۰ که محور اصلی عملیات بر روی تپه‌های الله‌اکبر بود. ضمن وارد آمدن خسارات به ارتش عراق، تپه‌های الله‌اکبر به طور کلی آزاد شد و در عملیات نصر که در ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۰ انجام شد، تپه سبز و مناطق غرب تپه‌های الله‌اکبر نیز از اشغال دشمن درآمد. به این ترتیب تپه‌های الله‌اکبر و مناطق اطراف آن تا پایان جنگ تحمیلی از تهدید دشمن درامان ماند.

سید آزادگان ایران مرحوم سیدعلی‌اکبر ابوترابی در یکی از ماموریت‌های شناسایی عملیات ستاد جنگ‌های نامنظم در منطقه تپه‌های الله‌اکبر در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۶ به اسارت نیروهای دشمن درآمد.^۱

منطقه عملیاتی شهید رستمی

منطقه عملیاتی شهید رستمی در ۱۰ کیلومتری شمال غرب سوسنگرد و در مجاورت روستای دهلاویه و رودخانه سابله قرار دارد. با آغاز جنگ و اشغال روستای دهلاویه در ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۵۹، عملیات محدودی در ساعت ۴:۳۰ بامداد ۱۳۶۰/۳/۲۶ با تلاش یک گردان از نیروهای سپاه پاسداران و ستاد جنگ‌های نامنظم از دو محور آغاز شد و دشمن تا یک کیلومتر به عقب رانده شد. اما دشمن در ساعت ۹ صبح پاتک کرد و منطقه را زیر آتش شدید قرار داد که با مقاومت مدافعان پاتک دشمن خنثی شد.

در بعداز ظهر همان روز دشمن دوباره توانست با آرایش ۲۲ دستگاه تانک و یک گردان پیاده و پشتیبانی آتش توپخانه، رزمندگان را از منطقه آزاد شده تا ۳۰۰ متری شرق دهلاویه عقب براند. در ۳۰ خرداد رزمندگان دوباره به روستای دهلاویه شبیخون زدند که علاوه بر وارد آوردن تلفات به نیروهای بعثی شش تانک را منهدم و دو انبار مهمات را به آتش کشیدند. در این عملیات شهید سروان ایرج رستمی فرمانده جبهه دهلاویه و مسئول عملیات ستاد جنگ‌های نامنظم به شهادت رسید و به همین دلیل این عملیات به نام این شهید نام‌گذاری شد.^۱

دهلاویه (یادمان شهید چمران)

دهلاویه روستایی است در جنوب شرقی بستان و جنوب رود سابله که در ضلع شمالی جاده بستان - سوسنگرد قرار دارد. فاصله این روستا تا سوسنگرد ۱۱ کیلومتر و بستان ۱۵ کیلومتر است. مدافعان دهلاویه ده روز سرسختانه در برابر دشمن مقاومت کردند تا اینکه در ۲۴ آبان ۱۳۵۹ توانی برای مقاومت باقی نماند و دشمن با اشغال دهلاویه خود را به سوسنگرد رساند.

در ۱۳۶۰/۳/۲۶ رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی دکتر مصطفی چمران (وزیر دفاع وقت) در عملیاتی مشترک با ارتش و سپاه، دهلاویه را آزاد کردند اما دشمن با حملات خود دوباره این روستا را اشغال کرد.

هنگامی که دکتر چمران برای معرفی فرمانده جدید عازم دهلاویه شد، در پشت کانال این منطقه (مکان فعلی یادمان) بر اثر اصابت گلوله خمپاره به شدت مجروح شد و هنگام انتقال به بیمارستان سوسنگرد به شهادت رسید. دشمن بعد از این عملیات با وجود در اختیار داشتن

دهلاویه آن را تخلیه کرد و در غرب آن مستقر شد. به این ترتیب روستای دهلاویه از نیروهای دشمن خالی شد در حالی که در تصرف ایران نیز قرار نداشت.

این منطقه در ۱۳۶۰/۶/۲۷ و در عملیات «شهید آیت‌الله مدنی» آزاد شد و غرب دهلاویه از آن هنگام تا عملیات طریق‌القدس خط مقدم نیروهای خودی بود.

یادمان شهید چمران در سال ۱۳۷۴ در فاصله ۴۰۰ متری غرب روستای دهلاویه ساخته شد و ده سال بعد نیز شهیدی گمنام در محوطه مرکزی این یادمان به خاک سپرده شد. این یادمان در مساحتی بالغ بر ۴۴۰ متر مربع ساخته شده و دارای ردیف پلکانی به یک برج به صورت چهارگوشه است که با کاشی‌هایی در داخل آن که فرازی از سخنان گهربار امام خمینی(ره) بر روی آن منقش شده است.

این یادمان علاوه بر کتابخانه، نمایشگاهی نیز دارد که تصاویر و اسناد دوران کودکی، نوجوانی و جوانی و مبارزات دکتر چمران در لبنان، همچنین تصاویر ایشان در جبهه‌های نبرد تا لحظه شهادت در آن به نمایش گذاشته شده است.

رهبر معظم انقلاب در پنجم فروردین سال ۱۳۵۸ با حضور در مشهد شهید چمران و مزار شهید گمنام، رنگ و بوی خاصی به این مکان دادند.^۱

کرخه نور (کرخه کور)

رودخانه کرخه کور در جنوب شرقی حمیدیه از کرخه منشعب شده و بعد از عبور از هویزه به هورالهویزه می‌ریزد. با آغاز جنگ یکی از

محورهای تجاوز لشکر ۹ ارتش عراق، مسیر طلائی، جفیر، کرخه کور بود. دشمن در هفته اول هجوم به کرخه کور دست یافت، آنگاه با عبور از آن تا ۱۳۵۹/۷/۸ خود را به جاده حمیدیه - سوسنگرد رساند تا با قطع جاده، مقدمات اشغال اهواز و سوسنگرد را فراهم کرد. اما با انجام عملیات غیور اصلی در ۱۳۵۹/۸/۹ حدود چهار کیلومتر عقب‌نشینی کرد و به استحکام مواضع پرداخت.

در ۱۳۵۹/۸/۲۳ هم‌زمان با حمله تیپ ۳۵ لشکر ۹ عراق از شمال و غرب سوسنگرد، تیپ ۴۳ این لشکر نیز در شمال کرخه کور، پس از اشغال ابوحمیظه به سوی سوسنگرد هجوم آورد. اما با عملیات ۱۳۵۹/۸/۲۶ رزمندگان، از این منطقه عقب رانده شد.

در عملیات نصر در ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ نیروهای دشمن که در شمال و حاشیه جنوبی کرخه کور مستقر بودند. به شدت آسیب دیده و ۸۰۰ نفر اسیر دادند. پس از دو عملیات شهید چمران (۱۳۶۰/۵/۵) و شهیدان رجایی و باهنر (۱۳۶۰/۶/۱۰) دشمن در ساحل جنوبی این رودخانه موانع متعددی ایجاد کرد، به طوری که رزمندگان در اولین مرحله عملیات بیت‌المقدس (۱۳۶۱/۲/۱۰) به رغم چند رخنه در مواضع دشمن، نتوانستند آن مواضع را تسخیر کنند، تا آنکه نیروهای خودی ۹ روز بعد در دارخوین از کارون عبور کرده و از پهلوی موقعیت دو لشکر ۵ و ۶ عراق را که در جنوب کرخه کور مستقر بودند به خطر انداختند، به طوری که آنها مجبور به عقب‌نشینی شدند و این رودخانه از سیطره دشمن خارج شد.

پس از عملیات و راندن دشمن از رودخانه کرخه کور به آن طرف، شهید علی هاشمی در اطلاعیه‌ای نوشت: «کرخه کور با خون مطهر شهدا

برای همیشه تاریخ به کرخه‌نور تبدیل شد» از آن تاریخ به بعد بود که کرخه‌کور به کرخه‌نور تغییر نام یافت.^۱

عملیات آفندی طریق القدس، (طرح عملیاتی کربلا ۱)،

۱۳۶۰/۰۹/۰۹

پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات ثامن‌الائمه در شرق رودخانه کارون توسط نیروهای ایرانی که منجر شکستن حصر آبادان شد و در حقیقت مرحله اول عملیات آزادسازی خرمشهر محسوب می‌گردید، بررسی برای استفاده از موفقیت داده شد. لذا طرح مقدماتی که در خرداد ۱۳۶۰ تهیه شد همراه با دستورات تکمیلی در ۶۰/۰۵/۲۶ صادر گردید.

شهادت رئیس ستاد مشترک ارتش شهید سرلشکر فلاحی، وزیر دفاع شهید سرلشکر نامجو، فرمانده نیروی هوایی، شهید سرلشکر فکوری و فائز مقام سپاه پاسداران شهید کلاهدوز که این شهید اخیر نیز از افسران شجاع ارتشی بود که جهت سازماندهی سپاه از ارتش به سپاه رفته، در هفتم مهرماه سال ۱۳۶۰ بعد از پیروزی بزرگ عملیات ثامن‌الائمه، باعث شد تا تغییرات وسیعی در کادر فرماندهی عالی ارتش بوجود آید.

با انتصاب صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش، زمینه شرکت گسترده نیروهای مردمی و سپاه پاسداران و ایجاد وحدت بین نیروهای مسلح بیشتر فراهم گشت و برای اجرای عملیات‌های مشترک طرح ریزی‌ها شروع و تقدم به غرب دزفول و محور غرب سوسنگرد داده شد. ولی با بررسی کارشناسان دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش ایران که توسط فرمانده جدید نیروی زمینی ارتش در قرارگاه مقدم این نیرو بکار گرفته شده بودند عملیات غرب سوسنگرد ترجیح داده شد و علل

عمده این ترجیح سهل الوصول بودن اهداف با نیروی کمتر، تصرف بستان و رسیدن به مرز و صرفه جویی در قوا پس از تصرف بستان بدلیل وجود ارتفاعات میش داغ و شنزارهای شمال و باطلاق هورالعظیم در جنوب بود، همچنین انعکاس بین‌المللی و قطع ارتباط قوای عراقی در شمال و جنوب بستان و برطرف نمودن تهدید محور سوسنگرد و اهواز از دیگر ملاحظات انجام این عملیات محسوب می‌شد.

تغییرات و جابجایی‌های لازم مانند تعویض تیپ ۲ لشکر ۱۶ توسط ۵۵ هوابرد و مراجعات تیپ ۲ دزفول از هفت تپه به سوسنگرد و موارد دیگر صورت پذیرفت و نهایتاً اجرای طرحی که بصورت مشترک توسط سپاه و ارتش تهیه شده بود در نیمه شب هشتم آذرماه ۱۳۶۰ با رمز یاحسین (ع) فرماندهی آغاز و بعد از هشت روز نبرد طولانی و سخت با پیروزی کامل پایان یافت و دومین عملیات بزرگ جهت بیرون راندن دشمن به وقوع پیوست.

در این عملیات برای اولین بار یگان‌های سپاه با رده سازمانی تیپ وارد عمل شده و بخوبی مأموریت‌های محوله را انجام دادند.

همچنین هوانیروز با ۱۴۸۳ ساعت پرواز ضمن انهدام ادوات رزمی و سنگرهای دشمن، ۱۶۵۰ مجروح را تخلیه و ۱۹۴۰۰ رزمنده را هلی برن کرده و ۱۲ تن آذوقه و مهمات را به رزمندگان رساندند.

نتیجه:

- شهر بستان و ۶۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی آزاد شد.
- ۱۵/۰۰۰ نفر از پرسنل دشمن کشته و مجروح شده و ۵۴۶ نفر نیز به اسارت در آمدند.
- ۲۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو منهدم گردید.

- تعداد زیادی تانک و نفربر، خودرو، وسایل مهندسی، انواع تجهیزات و سلاح‌های سبک به غنیمت نیروهای اسلام درآمد.*

ارتفاعات میشداغ

ارتفاعات میشداغ در ۸۵ کیلومتری شمال‌شرقی اهواز قرار دارد و از شمال بستان آغاز می‌شود و تا نزدیکی‌های رودخانه کرخه در محدوده عبدالخان ادامه دارد. جهت آنها شمال‌غرب - جنوب‌شرق بوده و به تپه‌های رقابیه در جنوب غربی فکه منتهی می‌شود و در تقسیمات کشوری به عنوان مرز شهرستان‌های دشت آزادگان و شوش شناخته می‌شود. میشداغ مرتفع‌ترین منطقه دشت آزادگان محسوب می‌شود و ارتفاع بلندترین قله آن ۲۷۰ متر است. این ارتفاعات به علت دید مناسب آن در منطقه و تسلطش بر شهرهای بستان و سوسنگرد در طول جنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و با آغاز جنگ به اشغال دشمن درآمد.

جنوب این ارتفاعات یکی از محورهای اصلی در آزادسازی سوسنگرد و بستان بود و در مرحله دوم عملیات فتح‌المبین به طور کامل به دست نیروهای خودی افتاد و بعدها به یکی از محورهای هجوم به دشمن تبدیل شد. تنگ ذلیجان یکی از معابری است که در محل تلاقی دامنه ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی قرار دارد و دشت چهیلا در دامنه شرقی این ارتفاعات را با منطقه فکه مرتبط می‌سازد. در گذشته مردم بومی و تجار محلی برای تردد و جابه‌جایی کالا به عراق از

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

این گذرگاه استفاده می‌کردند. در عملیات فتح‌المبین مسیر این گذرگاه به جاده تبدیل و در عملیات والفجر مقدماتی از آن برای رسیدن به مرز بهره‌برداری شد. تنگ میشداغ (تنگ صعده) نیز در شمال غربی بستان و جنوب این ارتفاعات قرار دارد و دشت چهیلا را به تپه‌های رملی شمال کرخه متصل می‌کند.

تنگ میشداغ و تنگ ذلیجان از محورهای هجومی حساس رزمندگان در عملیات فتح‌المبین بود. در اردیبهشت ۱۳۶۷ قرارگاه عملیاتی جنوب (کربلا) نزاجا، به پادگان میشداغ در ارتفاعات میشداغ نقل مکان نمود. اکنون پادگان میشداغ که محل استقرار تیپ مستقل ۴۵ تکاور نزاجا می‌باشد و به یکی از نقاط مورد توجه اردوهای راهیان نور تبدیل شده است.^۱

تنگ جزابه

جزابه منطقه‌ای است در ۱۷ کیلومتری شمال‌غربی شهر بستان به عرض متغیر دو تا چهار کیلومتر که از شمال به منطقه فکه، از جنوب به شهر بستان، از غرب به خط مرزی ایران و عراق و از شمال شرق به ارتفاع میشداغ محدود می‌شود و بین تپه‌های رملی و هورالهویزه و بر سر جاده مرزی فکه - بستان قرار دارد. پاسگاه مرزی سوبله ایران و شیب عراق در غرب آن واقع است. این منطقه به علت قرارگیری در بین هور و تپه‌های رملی یک گلوگاه محسوب می‌شود و به دلیل قرار داشتن در مسیر دستیابی به شهرهای بستان و سوسنگرد از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل این منطقه یکی از پنج معبر اصلی هجوم ارتش عراق به خوزستان بود.

در هجوم ۱۳۵۹/۶/۳۱ به جزابه، با وجود مقاومت مدافعان اندک آن، ارتش عراق توانست موقعیت خود را تا ۱۳۵۹/۷/۲ در جزابه تثبیت کند. دشمن سرانجام در روز ۱۳۵۹/۷/۳ با عبور از جزابه به طرف تپه‌های الله‌اکبر پیش‌روی کرد. از آن زمان تنگ‌چزابه در اختیار دشمن بود، تا اینکه در ۱۳۶۰/۹/۸ در جریان عملیات طریق‌القدس آزاد شد. در روز ۱۷ بهمن ۱۳۶۰، ارتش بعث عراق دو تیپ، یک لشکر و یک گردان در آستانه عملیات فتح‌المبین با هدف جلوگیری از انجام عملیات از نقاط مختلف عراق به تنگ‌چزابه روانه کرد و حدود سیصد متر در عمق مواضع خودی نفوذ کرد. در پاسخ به این اقدام، هجده گردان از نیروهایی که سپاه پاسداران برای اجرای عملیات فتح‌المبین آماده کرده بود به تدریج به جزابه اعزام و با دشمن درگیر شدند. اما موفقیتی به دست نیامد تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱ در عملیاتی با نام مولای متقیان(ع) نیروهای خودی وارد عمل شدند و این منطقه پس از چهارده روز نبرد طاقت‌فرسا به طور کامل آزاد شد.

در جریان عملیات خیبر نیز به منظور فریب دشمن، عملیات ایزایی والفرج ۶ در تنگ‌چزابه و دشت چیلان صورت گرفت که متأسفانه قریب به چهارصد نفر از رزمندگان در این عملیات مفقودالاثرا شدند. اکنون یادمان شهدای چزابه که در محل تنگ‌چزابه و در غرب جاده فکه - بستان قرار دارد، میزبان هشت شهید گمنام این منطقه است.^۱

پل سابله

پل سابله که مهم‌ترین نقطه ارتباطی سوسنگرد به بستان است، به طول سی و عرض شش متر در جنوب‌شرقی شهر بستان و در محل

تلافی رود سابله و جاده سوسنگرد - بستان قرار دارد. با آغاز جنگ و اشغال بستان در ۱۳۵۹/۱/۲۳ دشمن به سمت پل سابله پیش روی نمود و در ۱۳۵۹/۱/۲۷ توانست از آن عبور کند.

این پل تا عملیات طریق القدس (۱۳۶۰/۹/۸) در تصرف دشمن باقی ماند. در ششمین روز این عملیات (۶۰/۹/۱۳) دشمن با به کارگیری تیپ ۴۸ پیاده و گردان تانک قتیبه توام با غافل گیری به شمال رودخانه سابله و پل سابله حمله کرد تا دوباره شهر بستان را اشغال کند. اما با شنود مکالمات بی سیم فرماندهی دشمن، نیروهای خودی از این موضوع مطلع شدند و بلافاصله نیروهای نزاجا و سپاه با رساندن خود به این منطقه، تانک های دشمن را که در حال عبور از پل بودند، هدف قرار دادند.

این کار موجب متوقف شدن چند تانک و خودرو بر روی پل و در نهایت مسدود شدن این پل گردید و در نتیجه قوای زرهی دشمن با تحمل تلفات و خسارات بسیار عقب نشینی کرد. در نتیجه شهر بستان از خطر حتمی سقوط نجات یافت. پل سابله در واقع کلید فتح بستان و نقطه حماسی جنگ تن با تانک گردان قتیبه دشمن در عملیات طریق القدس است.^۱

هورالهویزه

هورالهویزه که هورالعظیم هم معروف است، در غرب منطقه دشت آزادگان به طول حدود هفتاد و پنج کیلومتر و عرض چهل کیلومتر با وسعتی در حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع گسترده شده است و از شمال به تنگ چزابه و یال جنوبی هورالسنانف، از جنوب به دست نشوه، از شرق به دشت آزادگان و هویزه و از غرب به رودخانه دجله و جاده العماره -

بصره محدود می‌شود و آب رودخانه‌های دجله، کرخه‌نور، دوبرج، طیب، میمه و باران‌های فصلی آن را تغذیه می‌کند. عمق آن بین چهار تا کمتر از یک متر متغیر است و مانعی طبیعی برای تحرکات نظامی محسوب می‌شود.

مهم‌ترین مجرای خروجی هورالهویزه، کانال سوئیب است که به صورت یک آبراه طبیعی آب هور را به اروندرود هدایت می‌کند. وجود پوشش گیاهی نی، چولان و بردی در این منطقه زمینه مناسبی را برای معیشت روستایی و عشایری متکی بر کشاورزی و پرورش گاو میش فراهم ساخته است.

جزایر مجنون شمالی و جنوبی برای بهره‌برداری از چاه‌های نفت هور به طور مصنوعی و با به کارگیری سیل‌بند توسط عراق در داخل هورالهویزه احداث شده است. روستای ترابه به عنوان مهم‌ترین عارضه‌های خشکی منطقه خودنمایی می‌کند و عبور جاده بصره - العماره از ساحل غربی هور و وجود پل‌های العزیر - القرنه و نشوه. موقعیت نظامی تنگ‌چزابه در شمال هور و وجود منابع سرشار نفتی، براهمیت نظامی و اقتصادی هورالهویزه افزوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از نوار مرزی طلائیه تا چزابه - که از میان هورالهویزه می‌گذرد. مراقبت لازم صورت نمی‌گرفت. لذا مزدوران عراقی به سادگی از این منطقه به دشت آزادگان نفوذ و ضمن قاچاق سلاح، اقدام به عملیات خرابکارانه می‌کردند.

در جریان جنگ با توجه به اینکه هورالهویزه مانع بزرگی برای عبور نیروهای نظامی بود، هرگز به عنوان یک معبر نظامی مورد توجه دشمن قرار نگرفت. لذا فرماندهان خودی برپایه آسیب‌پذیری دشمن در این

منطقه، عملیات‌های خبیر، بدر و چند عملیات محدود دیگر را با نام‌های قدس ۵،۴،۲،۱ و عاشورای ۴ و انصارالحسین طراحی و اجرا کردند. عبور تجهیزات و لشکرها از آب و جنگ در خشکی در آن سوی آب برای نیروی خودی بسیار دشوار بود. این اقدام در آغاز فقط به نیروهای غواص و استفاده از قایق متکی بود ولی پس از چند ماه پلی به طول سیزده کیلومتر از ساحل خودی به جزایر مجنون کشیده شد. پس از آن نیز با تلاش چند گروه مهندسی، چندین جاده در میان آب احداث شد که مهم‌ترین آنها جاده سیدالشهدا(ع) است. همچنین عراق - در چارچوب استراتژی دفاع فعال - در اردیبهشت ۱۳۶۵ تکی اجرا کرد که نتیجه‌ای برای دشمن به همراه نداشت. سرانجام ارتش عراق در تیرماه ۱۳۶۷ با افزایش توان تجهیزاتی و رزمی خود و با اجرای تک جبهه‌ای و هلی‌برن به جزایر مجنون حمله کرد و توانست آن را اشغال کند.^۱

کارون

رودخانه کارون به طول ۸۵۰ کیلومتر، طولانی‌ترین رودخانه ایران است و یکی از عوارض و موانع طبیعی بسیار مهم و استراتژیک خوزستان به شمار می‌آید. سرچشمه شاخه‌های اصلی کارون (ارمند و بازفت) و چشمه دیمه، زردکوه بختیاری در استان چهارمحال و بختیاری است ولی شاخه‌های فرعی آن از کوه‌های مختلف سرچشمه می‌گیرد؛ مانند خرسان از دنا در استان کهگیلویه و بویراحمد و دز در ارتفاع لرستان. این رود، پس از عبور از مناطق کوهستانی و پریپچ و خم، در منطقه‌ای به نام گتوند وارد دشت خوزستان می‌شود. رود کارون در

شمال شوشتر به دو شاخه تقسیم می‌شود که در جنوب شوشتر به یکدیگر متصل می‌شوند. مهم‌ترین شاخه فرعی کارون، رود دز است که در شمال اهواز به کارون ملحق می‌شود.

رود کارون در مرز ایران و عراق، به اروندرود پیوسته و روانه خلیج فارس می‌شود. پیچ و خم‌های موجود در سر راه این رود، خوزستان را به جلگه‌ای بی‌نظیر تبدیل کرده است. سدهای مختلفی بر روی این رودخانه ساخته شده است که مهم‌ترین آن‌ها، سدهای کارون ۱، کارون ۳، کارون ۴، مسجدسلیمان و در پایین‌تر، سدهای گتوندعلیا و سد تنظیمی گتوند است. روزانه بیست هزارمتر مکعب آب رودخانه کرخه از کانالی معروف به کانال شهید چمران به رودخانه کارون منتقل می‌شود. کارون اکنون مانند سابق پر آب نیست و قابلیت کشتیرانی ندارد. کارون از خرمشهر تا اهواز ۱۸۰ کیلومتر طول دارد و به کارون سفلی موسوم است.

این رود در گذشته از ۴ کیلومتری شمال اروندرود مستقیم به خلیج فارس می‌ریخت اما با حفر کانال عضدی در خرمشهر و در زمان عضدالدوله دیلمی (۳۷۲-۳۲۴ق) این رود به دو شعبه تقسیم شد. یکی شعبه به نام بهمن‌شیر در شمال آبادان که به موازات اروندرود به خلیج فارس می‌پیوندد و شعبه دیگر به همان نام کارون که به کانال عضدی نیز معروف است و از جنوب خرمشهر به اروندرود می‌ریزد. این رودخانه دارای عرضی متغیر است به گونه‌ای که در پاره‌ای نقاط فاصله‌ای دو ساحل کارون حدود ۱۵۰ متر است؛ حال آنکه در دیگر مناطق، این فاصله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر می‌باشد.

ارتش عراق با آغاز جنگ به علت ناتوانی در عبور از اروندرود و

نیز دشواری عبور از سد مدافعان خرمشهر، عملیات اشغال آبادان را با عبور از رودخانه کارون در منطقه مارد و سپس پیشروی به سوی بهمن شیر طراحی نمود. بر این اساس تیپ ۶ لشکر ۳ زرهی ارتش عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ با ایجاد پل شناور در منطقه مارد ضمن عبور از کارون، محاصره آبادان را تکمیل کرد و سپس برای تقویت نیروهای خود و سپس گسترش منطقه تصرف شده در شرق کارون، در منطقه قصبه پل دیگری بر روی کارون نصب کرد. با سقوط خرمشهر در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۴ و انهدام پل خرمشهر بر روی کارون، این رودخانه به عنوان یک مانع طبیعی بین نیروهای خودی در آبادان و نیروهای دشمن در خرمشهر اهمیت یافت.

با انجام عملیات ثامن الائمه (ع) در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ دشمن به طور کلی از ساحل شرقی کارون بیرون رانده شد. با نصب پل پیروزی بر روی کارون در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ در منطقه دارخوین، مقدمات آزادی خرمشهر و ساحل شمالی رودخانه کارون در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳ فراهم شد. اکنون در یادمان شهدای شرق کارون در بخش شرقی رودخانه کارون و شمال شرقی شهر آبادان ۹ شهید دوران دفاع مقدس به خاک سپرده شده‌اند.^۱

دُبَّ حردان

دب حردان؛ جنگل و روستایی است واقع در ۵ کیلومتری جنوب غربی اهواز، که لشکر ۵ مکانیزه عراق با عبور از مرز و رسیدن به جاده اهواز - خرمشهر در روز هفتم جنگ با ده‌ها تانک و نفربر آن را به اشغال موقت خود درآورد و با اجرای مستقیم آتش بر روی اهواز،

خسارات قابل توجهی به بار آورد. اما این لشکر به دلیل آب افتادن در منطقه مجبور به عقب‌نشینی تا امام‌زاده سیدطاهر شد.

در پی اجرای موفق عملیات غیوراصلی و عقب‌نشینی نیروهای عراقی از سوسنگرد و بستان، بخشی از نیروهای زرهی باقی‌مانده دشمن با عبور از رودخانه کرخه‌نور، با سه دهانه پل شناور نظامی، در روز دوازدهم جنگ از کنار روستاهای سیار، احمدآباد و حمودی عبور کرده و برای تقویت این جبهه، خود را به ۲ کیلومتری دبحردان رساندند و تا اجرای مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس در این منطقه توسط قرارگاه قدس همچنان اهواز را گلوله‌باران می‌کردند.

پس از غرقاب کردن مواضع دشمن در حوالی روستان دبحردان با پمپاژ آب رودخانه کرخه‌نور، دشمن با شکافتن جاده اهواز - خرمشهر و هدایت دوباره آب به شرق جاده توانست در برابر جنگ آب رزمندگان تا حدی مقاومت نماید.

اکنون در نزدیک دبحردان و در شرق جاده اهواز - خرمشهر نماد یادبودی قرار دارد که یادآور حدنهایی تجاوز ارتش عراق به خوزستان است.^۱

کارخانه نورد

کارخانه نورد و لوله اهواز که به منظور تولید کلاف ورق گرم فولادی، لوله‌های سیاه، گالوانیزه، گاز و پروفیل در مهرماه ۱۳۵۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفت در ۱۰ کیلومتری جنوب‌غربی اهواز و در حاشیه شرقی جاده اهواز - خرمشهر قرار دارد.

در روزهای ابتدایی جنگ و با ورود ارتش عراق به حومه اهواز در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۵ و اشغال روستای مکطوع و ام‌الطیر در جنوب کارخانه

در محدوده شهرک نورد که متعلق به کارکنان کارخانه است و نخلستان‌های پیرامون آن مقاومت سرسختانه مدافعان برای جلوگیری از ورود دشمن به شهر اهواز آغاز شد.

در نتیجه این مقاومت، دشمن نتوانست از این نقطه برای تصرف اهواز پیش‌روی نماید و با جنگ آب مجبور به عقب‌نشینی تا امام‌زاده سیدطاهر شد و رزمندگان خط پدافندی خود را در ضلع شرقی سیدطاهر و جاده اهواز برقرار کردند و تا عملیات بیت‌المقدس به عراق اجازه هیچ‌گونه تحرکی در این منطقه ندادند. این خط دفاعی در طول جنگ به خط نورد معروف شد.^۱

تپه‌های فولی‌آباد

تپه‌های فولی‌آباد در شرق ابتدای جاده اهواز - سوسنگرد قرار دارد و از شمال غرب اهواز تا حمیدیه امتداد یافته است. ارتفاع این تپه حدود سی‌متر و مرتفع‌ترین آن‌ها هفتاد متر است و در مجاورت آن پادگان شهید غلامی قرار دارد. انبارهای مهمات لشکر ۹۲ زرهی ارتش و سوله‌های مخصوص تانک از قبل از انقلاب در این منطقه استقرار داشتند.

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق، در روز هفتم مهرماه ۱۳۵۹ خود را به حمیدیه رسانده بود و احتمال خطر ورود عراق به اهواز و سقوط مرکز استان خوزستان پیش‌بینی می‌شد. بنابراین رزمندگان برای دفاع از اهواز و جلوگیری از پیشروی ارتش عراق در بالای این تپه‌ها مستقر شدند و با ایجاد انواع مواضع در اطراف جاده و تپه‌ها، خود را آماده دفاع کردند. در روز هشتم مهرماه ۱۳۵۹ انبارهای مهمات مجاور پادگان لشکر ۹۲ زرهی به دلایل نامعلومی دچار حریق شد و انفجارهای پی‌درپی آن

اهواز را به لرزه درآورد و مردم به احتمال اینکه دشمن وارد اهواز شده است، سراسیمه به خیابان‌ها آمدند.

با انجام عملیات غیوراصلی و مقاومت سرسختانه رزمندگان در غرب حمیدیه، ارتش عراق هرگز نتوانست به این منطقه که دید و تسلط خوبی بر شهر اهواز داشت دست یابد.^۱

پادگان حمید

این پادگان متعلق به نیروی زمینی ارتش است و در ۴۱ کیلومتری جنوب‌غربی اهواز و در غرب جاده اهواز - خرمشهر و در حاشیه دشت جفیر و ابتدای جاده جفیر قرار دارد و محل استقرار یگان‌هایی از لشکر ۹۲ زرهی خوزستان است.

این پادگان در ابتدای حمله عراق به ایران در روز هفتم مهرماه علی‌رغم دفاع گردان‌های ۲۳۱ و ۲۳۲ لشکر ۹۲ زرهی ارتش و تقدیم ۸۳ شهید، به ناچار تخلیه شد و به اشغال متجاوزین درآمد.

پس از گذشت نوزده ماه از سقوط پادگان حمید، در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۱، دشمن از بیم قطع خطوط سراسری سپاه سوم خود، در حدفاصل دشت جفیر تا شلمچه و نگرانی از بابت سرنوشت لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی خود که در جفیر و پادگان حمید مستقر بودند، روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ به این دو یگان فرمان عقب‌نشینی سریع از جفیر و پادگان حمید از طریق پاسگاه مرزی شهابی ایران، واقع در ضلع جنوب‌غربی صحرای کوشک را صادر و به هنگام فرار و عقب‌نشینی پادگان را به کلی تخریب کرد.^۱

شهرستان شوش

شهرستان شوش با مساحت ۳۵۴۰ کیلومتر مربع در غرب استان خوزستان واقع است و از شمال به شهرستان دزفول و اندیمشک، از شمال غرب به شهرستان دهلران، از شرق به شهرستان شوشتر، از جنوب شرقی به شهرستان اهواز و از غرب و جنوب غربی به شهرستان دشت آزادگان محدود می‌شود.

شهرستان شوش یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن در جهان است و آثار و بقایایی در این منطقه یافت شده است که قدمت آنها به دوران ماقبل تاریخ باز می‌گردد. عیلامیان اولین اقوامی بودند که شوش را رونق بخشیدند و شهر باستانی شوش آنچنان اعتبار یافت که به پایتختی برگزیده شد و علی‌رغم دست‌اندازی‌های سومری‌ها، اکدی‌ها و اقوام دیگر و حتی استیلای آشوربانیپال اهمیت خود را از دست نداد. پس از تسلط هخامنشیان نیز شوش همچنان عظمت خود را حفظ کرد و داریوش هخامنشی آن را به عنوان پایتخت زمستانی خود برگزید.

اکنون شهر شوش مرکز این شهرستان است و مردم آن اکثراً شیعه دوازده‌امامی‌اند و به فارسی و عربی تکلم می‌کنند. شوش در سال ۱۳۶۸ شهرستان شد و قبل از آن بخشی از شهرستان دزفول بود. وجود رودخانه کرخه در این شهرستان که از حوالی کوه الوند در همدان سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود با شعباتی از کرمانشاه، ایلام و لرستان به جلگه خوزستان می‌رسد باعث حاصل‌خیزی و سرسبزی بخش مرکزی و شرقی شهرستان می‌شود اما بخش غربی آن بیابانی و خشک است.

دو رودخانه دز و شاوور نیز این شهرستان را سیراب می‌کند. رود دز از کوه‌های لرستان سرچشمه گرفته و پس از طی مسافتی در شوشتر به کارون

ملحق می‌شود. شاوور نیز بین دز و کرخه جریان دارد و از کوچک‌ترین رودخانه‌های خوزستان محسوب می‌شود. با احداث سد دز شبکه خطوط انتقال انرژی، سیستم آبیاری مدرن، ایجاد کشت و صنعت‌ها به خصوص هفت‌تپه و واحدهای صنعتی متعدد منطقه شمال خوزستان به‌خصوص ناحیه اطراف شهر شوش، این شهرستان تحول اقتصادی عظیمی یافت و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد ملی و توسعه کشور به دست آورد.

شهرستان شوش اکنون عمده‌ترین تولیدکننده استان است و کشاورزی و صنایع وابسته به آن اهمیت فراوانی دارد. کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، شامل مزارع نیشکر و کارخانه تولیدی قند و شکر، و کارخانه کاغذسازی پارس از جمله مهم‌ترین واحدهای اقتصادی این منطقه است. شوش آثار و بناهای تاریخی مهم و متعددی نظیر بقعه دانیال‌نبی(ع)، موزه شوش، مجموعه تپه‌های باستانی شوش (اکروپل، شهر شاهی و کاخ آپادانا) و معبد زیگورات (چغازنبیل) دارد.

با آغاز جنگ و هجوم لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق به این شهرستان و توقف آنها در غرب کرخه، شهر شوش و مناطق اطراف آن تا انجام عملیات فتح‌المبین به مدت هجده ماه زیر آتش دشمن قرار داشت و به همین علت، خالی از سکنه شد و ساکنان آن به مناطق امن مهاجرت کردند.

تحركات عراق در این جبهه باعث شد که این شهرستان به عنوان یک جبهه میانی اهمیت یابد و شهید مجید بقایی فرمانده سپاه شوش با تشکیل قرارگاه فجر و سازماندهی یگان‌هایی چون تیپ ۱۷ علی‌ابیطالب(ع) و تیپ ۱۵ امام حسن مجتبی(ع) به کمک شهید حسن درویش، شرایط اجرای موفق عملیات فتح‌المبین را فراهم کند.^۱

شوش

شهر شوش در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی دزفول و ۱۰۵ کیلومتری شمال غربی اهواز واقع است. این شهر در زمان جنگ از توابع شهرستان دزفول بود اما از سال ۱۳۶۸ به بعد شهرستان شوش به مرکزیت این شهر تشکیل شد. این شهر باستانی از مراکز تمدن قدیم و پایتخت چهارهزارساله حکومت عیلام و همچنین پایتخت زمستانی امپراتوری هخامنشی بوده است.

شوش در قرون وسطی، مرکزی بزرگ برای خوزستان بوده که در آن شهر قلعه‌ای محکم و قدیمی، بازارهایی باشکوه و مسجدی با ستون‌های گرد وجود داشته است. در طبقات پایین‌تر این شهر آثاری به دست آمده که باستان‌شناسان آنها را مربوط به هشت‌هزار سال پیش می‌دانند.

شوش چهار اثر باستانی معروف دارد؛ اکروپل یا ارگ شاهنشاهی که قبرستان شاهان عیلامی بوده است. کاخ آپادانا که هفت حیاط و سالن بزرگی با ۷۲ ستون سنگی دومتیری دارد و داریوش هخامنشی آن را ساخته است. شهر شاهی یا شهر پانزدهم که در آن پانزده لایه از پانزده تمدن کشف کرده‌اند و شهر صنعتگران که از سه تمدن ساسانی، اشکانی و اسلامی نشان دارد.

در زمان مظفرالدین شاه (سال ۱۲۶۹) ژان دومرگان، باستان‌شناس معروف فرانسوس با صد و بیست نفر به ایران آمد و با دولت قرارداد بست تا در شوش کاوش کند. آنها با آجرهایی که از کاخ باستانی آپادانا یافتند، قلعه‌ای شبیه قلعه باستیل فرانسه ساختند تا هم در آن زندگی کنند و هم هرچه را می‌یابند در آن نگه دارند اما بعدها دومرگان

یافته‌هایش را به موزه لوور پاریس فرستاد. هنگامی که مرکز خوزستان به اهواز منتقل شد، شوش کم‌کم اهمیت خود را از دست داد اما با احداث راه اصلی تهران - خرمشهر و راه آهن سراسری، حیات اقتصادی شهر شوش رونق گرفت. اهمیت تاریخی شوش نیز موجبات توجه و جذب جهانگردان و مشتاقان زیارت بارگاه دانیال نبی(ع) را فراهم آورد. به نحوی که این شهر با افزایش جمعیت در سال ۱۳۲۵ دارای شهرداری شد.

شوش در طرح عملیاتی ارتش عراق به این دلیل اهمیت داشت که راه آهن و جاده اندیمشک - اهواز از مجاورت آن می‌گذشت و قطع این راه‌ها بر جبهه اهواز و دزفول تاثیر زیادی می‌گذاشت. لشکر ۱ مکانیزه ارتش عراق با پیش‌روی به سمت این شهر در ۷ کیلومتری غرب آن موضع گرفت و از آنجا به طور مداوم شوش را زیر آتش خود قرار داد. این شهر در هجوم سراسری عراق پیوسته مورد حملات هوایی و توپخانه‌ای قرار داشت و به همین دلیل شهر شوش به تدریج خالی از سکنه شد و اهالی آن در شرایطی بسیار سخت به مناطق امن مهاجرت کردند.

در طول جنگ رزمندگان از منازل این شهر به عنوان عقبه جبهه استفاده می‌کردند. شوش به دلیل بمباران و زیرآتش قرار گرفتن در طول هجده ماه، خسارات فراوانی دید و بیشتر منازل و اماکن این شهر تخریب شد با انجام عملیات فتح‌المبین در غرب و شمال غرب شهر شوش، این منطقه از دید و تیر مستقیم متجاوزان خارج شد و تا پایان جنگ در امان ماند.^۱

بارگاه دانیال نبی(ع)

بارگاه دانیال نبی(ع) مزاری زیبا و باشکوه است که در مرکز شهر شوش و در ساحل شرقی رودخانه شاوور قرار دارد و سالیان بسیاری است که شوش را بدان می‌شناسند و به همین منظور این شهر را شوش دانیال نیز می‌نامند. دانیال به زبان عبری به معنای «خدا حاکم من است» و دانیال نبی(ع) پیامبری از دین یهود بود که در تورات کتابی با دوازده باب به وی اختصاص دارد. بعضی مورخان عقیده دارند پس از آنکه دانیال نبی(ع) به اسارت «بخت‌النصر» درآمد، به همراه هزاران یهودی به بابل برده شد و در آنجا ماند تا اینکه پس از تصرف بابل به دست کورش، دانیال نبی به همراه عده‌ای از اقوام یهود به شوش آمد و در آنجا وفات یافت. قول اکثر مورخین اسلامی این است که پس از تصرف شوش به دست لشکریان اسلام، درباره این مقبره از امام علی(ع) پرسیدند، که ایشان فرموده‌اند: «من زار اخی دانیال کمن زارنی» هرکس قبر برادرم دانیال را زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده است. گنبد دانیال نبی(ع) به سال ۱۲۸۷ ق پس از آنکه سیل بقعه قدیمی را خراب کرد، از نو ساخته شد. بنای این زیارتگاه شامل دو حیاط است و برروی گنبد مخروطی - پله‌ای قرار دارد که نوع رایج گنبدهای منطقه است.

با شروع جنگ و پیشروی ارتش عراق تا نزدیکی شوش، دشمن این بارگاه را آماج گلوله‌باران خود قرار داد به نحوی که بخشی از گنبد اصلی آن تخریب شد. تا پایان جنگ، مزار حضرت دانیال نبی(ع) محل مناجات، دعا و قوت قلب برای رزمندگان جبهه شوش بود.^۱

کرخه

رودخانه کرخه به طول حدود ۹۰۰ کیلومتر از ارتفاعات الوند در استان همدان سرچشمه می‌گیرد و با عبور از کنار شهر بیستون در کرمانشاه وارد استان‌های لرستان و ایلام شده و سپس در امتداد شمالی - جنوبی وارد شهرستان شوش در استان خوزستان می‌شود و در نهایت در مرز مشترک ایران و عراق به مرداب هورالهویزه می‌ریزد.

رودخانه کرخه پس از رودخانه‌های کارون و دز سومین رودخانه بزرگ ایران از نظر آبدهی محسوب می‌شود. حوزه آبریز رودکرخه به وسعت حدود ۴۳ هزار کیلومتر مربع، و شامل استان‌های همدان، کرمانشاه، کردستان، ایلام، لرستان و خوزستان است. این رودخانه در محدوده شهرستان دشت آزادگان تغییر جهت تقریباً ۹۰ درجه پیدا می‌کند و از وضعیت شمالی - جنوبی به وضعیت شرقی - غربی تغییر مسیر داده و در نهایت در منطقه جزابه به هورالهویزه می‌ریزد.

کرخه مانند کارون از جمله بزرگ‌ترین موانع دستیابی ارتش عراق به مرکز استان خوزستان بود کرخه در جزیان هجوم سراسری عراق، عامل بازدارنده مهمی برای لشکر ۱ مکانیزه و لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی دشمن در تصرف شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش بود. لشکر ۹ ارتش عراق برای گسترش تجاوز خود کوشید از دو نقطه در کرخه عبور کند. یکی در منطقه سبحانیه که عراق دوبار در این منطقه پل زد و نیروهای خود را وارد سوسنگرد کرد که البته در هردو حمله شکست خورد و دیگری در منطقه ابوچلاچ که پس از تخریب پل بستان به دست نیروهای خودی به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن، ارتش عراق ناچار شد در منطقه ابوچلاچ بر روی کرخه پل نظامی نصب کند.

سد کرخه / ۱۰۵

نیروهای خودی نیز در طول جنگ از آب کرخه برای جلوگیری از پیش‌روی دشمن بهره گرفتند و در منطقه جنوب جاده حمیدیه، سوسنگرد و حدفاصل روستای هوفل تا سیدخلف، با عملیات آب‌اندازی، نه تنها پیش‌روی دشمن را سد کردند بلکه عقب‌نشینی اجباری را به عراق تحمیل کردند. ارتش عراق تا اجرای عملیات فتح‌المبین مناطق غرب کرخه را در اشغال خود داشت.^۱

سد کرخه

اطلاعات کلی	
کرخه	رودخانه:
۲۱ کیلومتری شمال‌غرب اندیمشک در استان خوزستان	محل:
خاکی با هسته رسی	نوع سد:
۱۲۷ متر	ارتفاع از پی:
۳۰۳۰ متر	طول تاج:
۱۱۰۰ متر	عرض در پی:
اوجی دریاچه‌دار با سرسره آبی و ۴ دریاچه قطاعی	نوع سرریز:
۱۸۲۶۰ مترمکعب بر ثانیه	ظرفیت تخلیه سرریزها:
فروردین ۱۳۸۰	تاریخ ساخت:
اطلاعات مخزن	
۵۳۴۶ میلیون متر مکعب	حجم مخزن:
۴۷ کیلومتر مربع	مساحت دریاچه:
۶۰ کیلومتر	طول دریاچه:

سایت ۴ و ۵ دهلران

سایت رادار دهلران در منطقه دشت عباس به منظور پوشش راداری بسیار عالی جهت عمق آسمان کشور عراق شامل رادار دوبعدی **FPS-100** با سامانه ارتفاع یاب **FPS-89** گسترش یافته و دو سایت هاگ ۴ و ۵ نیز که با فاصله چند کیلومتر در دو سمت آن مسئولیت دفاع از آن را عهده‌دار بودند.

مورخه ۵۹/۷/۳ ساعت ۱۳۰۷ - ایستگاه رادار دهلران توسط سه فروند جنگنده عراق بمباران می‌شود. در این حمله تعدادی از کارکن پدافند با ریز سقف؛ در داخل اتاق عملیات محبوس و این ایستگاه غیرعملیاتی می‌شود. در ساعت ۱۶۳۵ کارکنان محبوس توسط سایرین نجات داده می‌شوند و با تلاش کارکن نگهداری سامانه، بخش عظیمی از ایستگاه راداری مجدداً عملیاتی می‌شود.

به تدریج منطقه به اشغال نیروهای عراقی درمی‌آید و با اعلام مشاهده تانک‌های دشمن که در حال پیشروی به سمت رادار دهلران بودند در ساعت ۱۶۵۵ دستور تخلیه سایت صادر می‌گردد که عملیات تخلیه آغاز می‌گردد.

کارکنان رادار دهلران مبادرت به اجرای طرح تخلیه می‌نمایند و پس از مراجعت به پایگاه چهارم برابر دستور فرماندهی پایگاه و تأیید فرماندهی نیرو در ساعت ۰۳۱۵ صبح مورخه ۵۹/۷/۴ به سایت دهلران برگشت داده می‌شوند.

در صبح همان روز حلقه محاصره سایت تنگ‌تر می‌شود.

بر اساس ابلاغیه ستاد پدافند هوایی تعداد هشت قبضه توپ ۲۳م در اطراف ایستگاه رادار دزفول گسترش داده می‌شود و ستاد (پدافند

سایت ۴ و ۵ دهلران ۱۰۷/

هوایی) نهاجا مجدداً دستور ایستادگی و مقاومت را به تمامی نیروهای تحت امر خود ابلاغ می‌کند.

در تاریخ ۵۹/۷/۵ علی‌رغم غیرعملیاتی بودن رادار دهلران دستور مقاومت به کارکنان رادار دهلران داده می‌شود و تعداد دو رسر کامل سامانه پدافند هوایی اورلیکن (مشمول بر رادار و توپ‌های ۳۵م) جهت مقابله مؤثر با تهاجم‌های هوایی دشمن در ایستگاه رادار دهلران گسترش داده و عملیاتی می‌شوند.

در نیمه شب مورخه ۵۹/۷/۶ نیروهای سطحی خودی تا پشت کرخه عقب‌نشینی می‌نمایند. به طوری‌که در صبح مورخه ۵۹/۷/۶ دو دستگاه اتوبوس شامل کارکنان پدافندی رادار دهلران به سمت سایت حرکت می‌نماید که یک دستگاه اتوبوس از سه راهی دهلران عبور می‌نماید و اتوبوس دوم متوجه نیروهای دشمن در سه راهی می‌گردد و به دزفول مراجعت می‌نماید و تنها راه مواصلاتی رادار دهلران قطع می‌گردد و مجدداً سایت مورد حمله ۴ فروند هواپیمای عراقی قرار می‌گیرد و در این زمان کارکنان سایت رادار اقدام به تخلیه سایت می‌نمایند و تعدادی از آن‌ها با شنا کردن از کرخه عبور و تعدادی نیز اسیر می‌گردند.

در این عملیات تعدادی از تجهیزات از جمله سامانه پیشرفته TQS (تقسیم آتش هاگ) و جنگ‌افزارهای اورلیکن به دست دشمن می‌افتد. لازم به توضیح است که سایت‌های ۴ و ۵ گسترش نیافته بودند.

مشخصات رادار دوبعدی FPS-100 با سامانه ارتفاع‌یاب

FPS-89

این رادار دارای دو چانل سمت‌یاب (یکی در حال کار و دیگری آماده به کار)، یک سامانه ارتفاع‌یاب و سامانه‌های رادار داخل شامل تعداد ۱۱ نشان‌دهنده UPN-35 و سامانه آموزشی T4 شامل مازول‌های شبیه‌سازی هواپیماهای F4 و F5 و دستگاه شبیه‌ساز هدف T2 با فیلم آموزشی می‌باشد.

در حدود ۲۰۰ ناتی‌کال مایل برد راداری دارد.

کانال هندلی

پل فلزی نادری یا پل کرخه و یا پل حیدر نادری در کیلومتر ۲۰ جاده اندیمشک - دهلران و در شمال روستای سرخه نادری بر روی رودخانه کرخه قرار دارد که در ۵ کیلومتری جنوب این پل، یا بهتر بگوییم در فاصله حدود ۵۰۰ متری از جاده قدیم که پل هفت دهنه معروف بود، در محلی بنام روستای حسینی آباد، کانال ال (L) شکلی به نام کانال هندلی وجود دارد که اهالی منطقه قبل از انقلاب به منظور آبیاری زمینهای کشاورزی خود آن را احداث کرده بودند. این کانال هندلی شکل که شبیه هندل‌های ماشین‌های قدیمی بود. از کرانه‌های غربی رودخانه کرخه به سمت زمینهای غرب منطقه امتداد داشت بطوریکه ارتفاع کانال در حدود ۵۰۰ متر اول بیش از ۴ متر از سطح زمین اطراف بلند تر بود و سپس به سمت جنوب تغییر مسیر داده و پس از طی مسافت حدود ۵۰ تا ۷۰ متر مجدداً به سمت غرب ادامه می‌یافت بطوریکه طوب این کانال حدود ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ متر می‌رسید. هرچه این کانال به سمت غرب ادامه می‌یافت از ارتفاع آن کاسته می‌شد بطوریکه در قسمت غربی بعد از حدود ۱۷۰۰ متر با زمین‌های همجوار

هم سطح می شد.

به منظور جلوگیری از نفوذ آب به داخل این کانال توسط غلطک کاملاً فشرده و محکم شده بود سپس در قسمت بالای خاکریز (کانال) بصورت یک جوی آب احداث شده و پس از پمپاژ آب به داخل آن ، آب در داخل جوی روی کانال به سمت غرب جریان می یافت و زمین های اطراف را آبیاری می کرد. این کانال در روزهای اول جنگ توسط دشمن بعضی اشغال و مواضع پدافندی و دیده بانی خود را بر روی این کانال قرار داد. بطوریکه با دید مستقیم شهرهای اندیمشک و دزفول بویژه جاده های مواصلاتی منتهی به پل کرخه را زیر نظر داشت . با تیر مستقیم تانک این جاده بویژه فرودگاه اضطراری که بروی جاده اندیمشک به دهلران در شرق رودخانه کرخه قرار داشت و تنها راه تدارکاتی یگانهای مستقر در غرب کرخه بود را مسدود می کرد. و یگانهای تدارکاتی را در طول روز آسیب می زد.

در این منطقه ۳ عملیات تک محدود جهت باز پس گیری آن انجام شد که بعلت حساسیت منطقه برای دشمن پس از تصرف کانال توسط یگانهای خودی ، با قدرت آتش سلاح سنگینی و اجرای تانک های متعدد مجدداً آنها پس گرفت بطوریکه این کانال تا آغاز عملیات فتح المبین تحت اشغال نیروهای عراقی بود.

یگانهای خودی در فاصله حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ متری از این کانال هندلی در داخل یک رودخانه فصلی مواضع پدافندی خود را قرار داده . با تدبیر فرماندهان در این منطقه حفر تونل زیر زمینی آغاز گردید که پس از حدود چهار ماه تونلی به طول حدود ۴۰۰ متر زیرزمین توسط گروهان یکم گردان ۱۳۱ تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه و عناصری از بسیج

دزفول توسط یک نفر مقنی بنام شهید حاج غلامحسین یزدی احداث گردید و خاک آن بوسیله فرغون دستی به بیرون حمل سپس شیب در بستر رودخانه فصلی پخش می شد. این تونل در انتها به سه شاخه تقسیم شد و از سه جهت به بیرون باز میشد که در شب آغاز عملیات فتح المبین دو دهانه تونل باز شد درست در فاصله بسیار کم از کانال بعد از میدان مین که عراقی ها برای خود احداث کرده بودند بیرون آمد از همین طریق یگانهای تک ور تحت امر قرارگاه نصر به دشمن بعضی هجوم بردند و در آغاز عملیات بیش از چهارصد نفر از دشمن بعضی به اسارت در آمده و تعدادی از ادوات زرهی دشمن به آتش کشیده شد و تعدادی بنز سالم به غنیمت گرفته شد و اسرا نیز از طریق همین تونل که با مولد برق داخل آن کاملاً روشن شده بود به عقب تخلیه شدند. این کانال بعد از ۱۸ ماه از لوٹ وجود دشمن بعضی پاکسازی گردید.

عملیات آفندی فتح المبین، (طرح عملیاتی کربلا ۲)،

۱۳۶۱/۰۱/۰۲

پس از ۱۸ ماه آغاز جنگ بین عراق و ایران و انجام دهها عملیات کوچک و بزرگ توسط طرفین، توازن قوا به سمت برتری موقعیت نیروهای ایرانی در حال تغییر بود و به همین دلیل فرماندهان ایرانی آزادسازی سریع سرزمینهای اشغال شده را در طرح و برنامه خود منظور کردند. در منطقه غرب کرخه و شوش، گستردهترین حضور زمینی عراق به وجود آمده بود. منطقه‌ای از دهلران در شمال تا تنگه رقایبه در جنوب به عمق متوسط ۷۰ الی ۸۰ کیلومتر در اشغال عراقی‌ها بود. هر چند

عوارض حساس و نقاط مهمی در این منطقه وجود نداشت ولی تهدید محور اندیمشک به اهواز و قرار داشتن شهرای شوش، اندیمشک و دزفول در برد توپخانه دشمن موضوعی بود که به سادگی قابل تحمل نبود. پیشروی نیروهای عراقی را در مهرماه ۱۳۵۹، مقاومت شدید نیروهای خودی با استفاده از مانع رودخانه کرخه به همراه تلاش شدید یگان‌های توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی قهرمان ارتش جمهوری اسلامی ایران متوقف نمود و نه تنها ایرانی‌ها توانستند دشمن را در غرب رودخانه زمین‌گیر کنند بلکه با حفظ سر پل منطقه پل نادری، کرخه و شوش و گسترش آن با انجام عملیات‌های کانال‌هندلی و تپه چشمه و انگوش نیروهای قابل توجهی را در غرب کرخه مستقر کردند.

در تداوم حوادث این منطقه حملات عراقی‌ها نیز به شکست انجامید و با قطع ارتباط نیروهای عراقی در منطقه بستان، زمینه انجام یک عملیات گسترده فراهم شد. در ایران یک قرارگاه مشترک با نام «قرارگاه عملیاتی کربلا» تشکیل و این قرارگاه اصل «وحدت فرماندهی» را برای ترکیب مقدس ارتش و سپاه مورد توجه قرار داد. در این راستا حرکات عراق در حمله مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۱۷ در تنگه چزابه و منطقه بستان و ۱۳۶۰/۱۲/۲۹ در منطقه شوش قابل توجه است.

نیروهای عراقی می‌خواستند با پراکنده نمودن نیروهای ایرانی مانع از انجام یک حمله گسترده در منطقه شوش گردیده و حضور خود را در عمق خاک خوزستان تداوم دهند. عملیات فتح‌المبین که نام آن با استخاره از قرآن و آیه شریفه «انا فتحنا لک فتحا مبینا» انتخاب گردید در ساعت نیم بامداد مورخه ۱۳۶۱/۰۱/۰۲ با رمز یا زهرا (س) آغاز و در نهم فروردین ماه پس از ۷ روز نبرد به پایان رسید و بدین ترتیب

یکی از بزرگترین و گسترده ترین نبردهای زمینی به وقوع پیوست. ترتیب از شمال به جنوب در عین خوش و ابوقریب، علی گره زد و تپه‌های ابوصلیبی خات به چنابه و شرق ارتفاعات میش داغ و رقابیه با دشمن درگیر شده و در ۳ مرحله توانستند بعد از عبور از خطوط پدافندی پیشروی خود را در عمق مواضع عراقی‌ها آغاز کرده و در ارتفاعات حاشیه مرزی مستقر شوند.

نقش حضرت امام خمینی (ره) در تصمیم‌گیری نهائی و صدور فرمان برای انجام عملیات بسیار تعیین کننده و مهم بود که باعث گردید فرماندهان عالی رتبه ارتش و سپاه با توکل و اعتماد بیشتری به عنایات خداوند عملیات را انجام دهند. سرلشکر شهید نقدی یکی از فرماندهان شجاع ارتش در این منطقه به شهادت رسید.

در این عملیات ۱۱۰ فروند بالگرد هوانیروز با ۴۰۷۷ ساعت پرواز در ۳۵۰۰ سورتی ضمن انهدام ادوات رزمی و سنگرهای دشمن، ۲۶۹۵ مجروح را تخلیه و ۲۸۴۰ رزمنده را ترابری و بیشتر از ۱۷۰ تن تدارکات و مهمات را به رزمندگان رساندند.

نتیجه:

- آزادسازی حدود ۲۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی.
- منطقه عین خوش، ارتفاعات بلتا، شاوریه، علی گره زد، ابوصلیبی خات، تینه، برقازه، میشداغ و چاه‌های نفت ابوغریب و برقازه آزاد شد.
- ۲۵/۰۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۶/۰۰۰ اسیر تلفات سنگین نیروهای عراقی بود.
- ۲۷۰ دستگاه تانک، ۱۵۰ دستگاه نفربر، ۶ فروند هواپیما، ۳ فروند بالگرد منهدم گردید.

عملیات آفندی محرم ۱۱۳/

- ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۱۲۵ عراده توپ و ۵۰۰ دستگاه خودرو سالم همراه هزاران سلاح سبک و تجهیزات و لوازم مخابراتی به غنیمت ایران درآمد.*

عملیات آفندی محرم، (طرح عملیاتی کربلا ۵)، ۱۳۶۱/۰۸/۱۰

بدنبال انجام عملیات‌های موفق نیمه اول سال ۱۳۶۱ توسط ایران و عدم موفقیت در ورود به خاک عراق در عملیات رمضان لازم بود تا فرصت پیش آمده مغتنم شمرده شود. چرا که دشمن با درک قدرت آفندی نیروهای ایرانی و از دست دادن سه چهارم مناطق اشغال شده از عمده مناطق درگیر عقب نشینی نموده و در مواضع مستحکم و موقعیت مناسب‌تری متکی به خطوط مرزی آرایش یافته و مشغول پدافند گردید. تصرف مناطقی در خاک عراق توسط ایران چند هدف عمده را دنبال می‌کرد، اول دور نمودن آتش توپخانه دشمن از شهرهای مرزی و دوم بدست آوردن موقعیت مناسب برای تنبیه متجاوز و موضع‌گیری قدرتمندانه در مذاکرات سیاسی و صحنه بین‌المللی.

عملیات محرم در محور شمالی منطقه جنوب در ارتفاعات حمیرین و زبیدات و غرب رودخانه دویرج با رمز یا زینب (س) در این راستا انجام شد تا عمق خاک عراق را در محورهای زبیدات و طیب عراق مورد تهدید قرار دهد. قابل ذکر است که این عملیات در هوای بسیار نامساعد و بارندگی شدید صورت پذیرفت و به پیروزی رسید.

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

خلبان هوانیروز با بکارگیری ۴۶ فروند بالگرد و ۹۳۷ ساعت پرواز ۱۵۲۱ مجروح را تخلیه و ۲۱۹۴ نفر رزمنده را هلی برن و ۸۵ تن مهمات و تدارکات را به منطقه حمل نمودند.

نتیجه:

- ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق آزاد شد.

- ۱۰ پاسگاه مرزی و حوضچه‌های نفتی شرفانی و زبیدات عراق همراه با ارتفاعات حمیرین و قله‌های ۲۹۰ و ۲۸۸ و ۳۰۰ به به تصرف نیروهای ایرانی درآمد.

- ۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی و ۳۴۰۰ نفر به اسارت ایران درآمدند.

- ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودرو به همراه ۱۲ فروند هواپیما منهدم شد و تعداد قابل توجهی ادوات زرهی و تجهیزات نظامی از جمله ۱۴۹ دستگاه تانک و نفربر به غنیمت درآمد.

در این عملیات شهید سروان سید طه ضرابی و شهید ستوانیکم علیرضا بیات و شهید سروان محمدی و شهید سروان بهزاد بهنوش و سروان حجت الله نوردی از فرماندهان یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه به خیل شهداء پیوست.*

رقایه

رقایه نام تپه و تنگه‌ای در شمال ارتفاعات میشداغ و سی کیلومتری جنوب غربی شوش است و در مسیر جاده عبدالخان - عین‌خوش قرار دارد. این تپه یکی از نقاط مهم و حساس در دوران جنگ تحمیلی بود

* اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس،

که دشمن با استقرار در آن، منطقه را تحت کنترل داشت. در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹، نزاجا، عملیات رقابیه را برای آزادسازی این منطقه طراحی و اجرا کرد که تا اول فروردین ۱۳۶۰ به مدت شش روز ادامه داشت.

هرچند در این عملیات تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی قزوین در سمت جنوبی تپه‌های ابوصلیبی‌خات و رقابیه متوقف شد ولی توانست با وارد کردن تلفات به دشمن، پیش روی احتمالی آنها را در غرب رودخانه کرخه متوقف کند.

با ابتکار عمل تیپ نجف اشرف سپاه پاسداران و تیپ ۵۵ هوابرد نزاجا در مرحله دوم عملیات فتح‌المبین؛ عقبه نیروهای دشمن در غرب رقابیه بسته شد و بسیاری از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.^۱

شهرستان اندیمشک

شهرستان اندیمشک به مرکزیت شهر اندیمشک، شمالی‌ترین شهرستان استان خوزستان است و از شرق با دزفول، از جنوب با شوش و دزفول، از غرب با آبدانان (استان ایلام) و از شمال با پلدختر و خرم‌آباد (استان لرستان) همسایه است. این شهرستان از نظر تقسیمات کشوری، دو بخش به نام‌های مرکزی و آوار گرمسیری دارد. راه‌آهن سراسری جنوب به شمال از اندیمشک می‌گذرد و مردم شهرهای شمال خوزستان برای سفرهای خود از راه‌آهن این شهر بهره می‌برند. مردم اندیمشک شیعه دوازده‌امامی بوده و به زبان فارسی و گویش لری (خرم‌آباد) سخن می‌گویند.

شمال و شمال‌شرقی شهرستان اندیمشک کوهستانی و بقیه

قسمت‌های شهرستان در دشت گسترده است لذا این شهرستان دارای دامنطقه آب و هوایی معتدل و خشک است. دو رودخانه کرخه و دز در دو سوی شهرستان اندیمشک جریان دارد و رود کرخه مرز غربی (۱۵ کیلومتری) شهرستان اندیمشک را تشکیل می‌دهد. این رود که از کوه‌های الوند و گرو سرچشمه می‌گیرد، در ابتدای مسیر طولانی خود؛ گاماساب، در لرستان سیمره، و در خوزستان کرخه نامیده می‌شود. شاخه مهم آن در اندیمشک، رود زال است. رود دز نیز که مرز شرقی شهرستان اندیمشک را تشکیل می‌دهد، از کوه‌های لرستان سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری نواحی خاوری اندیمشک و دزفول و پیوستن آب شطیط به آن، در نقطه‌ای به نام بندقیر به کارون می‌ریزد.

عراق پس از پیروزی انقلاب کوشید در این منطقه سلاح پخش کند و عشایر منطقه را در اختیار خود بگیرد؛ ولی هرگز موفق نشد. در طول جنگ، این شهرستان بارها با موشک‌های رژیم عراق هدف قرار گرفت و شهدای فراوانی را تقدیم انقلاب کرد.

جدی‌ترین حمله عراقی‌ها در ماه‌های اولیه جنگ، تنها موجب اشغال بخشی از اراضی منطقه غربی شهرستان اندیمشک شد، اما هیچگاه از رود کرخه و پل نادری که مهم‌ترین محور دسترسی به اندیمشک بود. فراتر نرفت و این امر که دشمن هرگز نخواهد توانست این شهر کلیدی را اشغال نماید، در آبان ماه ۱۳۵۹ مسجل شد. در این شهرستان و در حاشیه رودهای کرخه و دز عملیات فتح‌المبین به انجام رسید که این شهرستان عقبه تدارکاتی و پشتیبانی آن محسوب می‌شد. در سال ۱۳۶۵ شدت حملات هوایی به اندیمشک بیشتر شد و در یکی از این حملات به قطاری در هفت‌تپه، بیش از سیصد نفر شهید و مجروح شدند.^۱

اندیمشک

شهر اندیمشک در ۱۵۰ کیلومتری شمال شرقی اهواز و در مسیر راه تهران - اهواز، همچنین در مسیر راه آهن جنوب (تهران - خرمشهر) و در بخش جلگه‌ای و هموار استان خوزستان قرار دارد. اندیمشک یا اندامش، نام کهن شهر دزفول و پل بزرگ مجاور آن نیز بوده، که در کنار شهر «لور» و «جندی شاپور» قرار داشته است. همچنین دژی استوار در این نواحی با نام «اندمشن» (گیلکرد) برپا بوده که به «انوشبرد» شهرت داشته است. برخی مآخذ کهن، نام آن دژ را «انوش» به معنای فراموش شده آورده‌اند و این نام‌گذاری بدان سبب بوده که بر زبان آوردن نام زندانیان آن و حتی نام دژ ممنوع بوده است.

صالح خان مکرری، حاکم شوشتر و دزفول، در ۱۲۲۰ ق چند بنا از جمله دژی در نزدیکی شهر کهن لور (تقریباً ۱۸ کیلومتری شمال غربی دزفول) برای سکونت خویش ساخت که به قلعه صالح یا قلعه لور معروف شد و به انضمام حومه آن، صالح آباد نامیده شد. روستای صالح آباد با اسکان برخی عشایر به تدریج شکل گرفت و در ۱۳۱۴ ش توسعه یافت و به موجب معاهده‌ای در جنگ جهانی دوم، به محلی برای انتقال نفت به روسیه تبدیل شد. اندیمشک در ۱۳۳۵ ش به عنوان مرکز بخش اندیمشک و در ۱۳۵۹ ش به عنوان مرکز شهرستان اندیمشک انتخاب شد.

این شهر پس از انقلاب اسلامی، چندین بار صحنه تظاهرات گروه‌های ضدانقلاب بود، تا جایی که نیروهای ضدانقلاب در اردیبهشت ۱۳۵۹ درصد آسیب‌رساندن به واگن‌های راه آهن اندیمشک - اهواز بودند که با رشادت نیروهای نهادهای انقلابی ناکام ماند. این شهر که از

ابتدای جنگ میزبان رزمندگان برای حضور در مناطق عملیاتی بود، هجده مسجد و سه حسینیه داشت که از مراکز حمایتی جنگ و محل اعزام نیرو به جبهه بود.

در هفته اول جنگ و با توقف پیش‌روی ارتش عراق در غرب رودخانه کرخه و پل نادری، این شهر و جاده اندیمشک - اهواز در تیررس حملات توپخانه‌ای و موشکی عراق قرار گرفت. معراج شهدای اندیمشک در طول جنگ و به‌خصوص در عملیات فتح‌المبین بسیار فعال بود و بیمارستان شهید کلانتری که از سال ۱۳۶۰ به بهداری سپاه پاسداران تحویل داده شده بود، تا پایان جنگ به مداوای مجروحین جبهه شمالی خوزستان می‌پرداخت. ایستگاه راه‌آهن اندیمشک نیز که در جنوب غربی شهر قرار دارد، در طول جنگ بارها مورد حملات هوایی دشمن قرار گرفت که آثار واکنش‌های منهدم شده آن همچنان در این ایستگاه موجود است.

سه‌راهی دهلران در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی اندیمشک که جاده دهلران - دزفول از آن منشعب می‌شود، تقاطع منطقه عملیاتی فتح‌المبین، محرم، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ یکی از نقاط مهم دسترسی به شمال غربی خوزستان است. در حملات موشکی و هوایی دشمن در ۱۳۶۲ش بیش از ۶۸۰ نفر از اهالی این شهر شهید و مجروح شدند و خسارات فراوانی به واحدهای مسکونی، تجاری، مساجد و مدارس شهر وارد شد به نحوی که در سنگین‌ترین این حملات در اسفندماه ۱۳۶۲ش ۱۲۴ نفر به شهادت رسیدند و به ۴۰۰ واحد مسکونی خساراتی وارد شد. طولانی‌ترین بمباران تاریخ ایران نیز در ۴ آذرماه ۱۳۶۵ در این منطقه صورت گرفت و شهر اندیمشک، ایستگاه راه‌آهن و حومه آن به مدت یک ساعت و ۴۵ دقیقه

توسط ۵۴ فروند هواپیمای دشمن بمباران شد و بیش از ۳۰۰ نفر از شهروندان و مسافران شهید و حدود ۷۰۰ نفر مجروح شدند. رزمندگان خودی هیچگاه اجازه ندادند دشمن از پل نادری پیش‌تر بیاید. اکنون در جنوب شرقی شهر اندیمشک و نزدیک میدان بسیج این شهر، پنج شهید گمنام به خاک سپرده شده‌اند تا یادگاری از دوران مقاومت در این شهر باشند.^۱

پل نادری

پل فلزی نادری که به جسرنادری، پل کرخه، پای پل و پل سرخه‌نادری نیز معروف است در کیلومتر ۲۰ جاده اندیمشک - دهلران و در شمال آبادی سرخه‌نادری و بر روی رودخانه کرخه قرار دارد. این منطقه در واقع پل ارتباطی استان‌های خوزستان - ایلام و شهرهای اندیمشک به دهلران محسوب می‌شود و جبهه‌های موسیان، عین‌خوش و دشت‌عباس را به یکدیگر متصل می‌کند.

تصرف پل و عبور از آن برای دشمن نقطه عطفی در جنگ به شمار می‌رفت؛ چرا که این امکان را برای دشمن فراهم می‌ساخت تا ارتباط خوزستان، با استان‌های شمالی قطع و شهرهای اندیمشک و دزفول را در خطر سقوط قرار دهد و در نهایت از جبهه‌های جنوب، میانی و شمالی خوزستان مرکز استان را محاصره و در معرض سقوط قرار دهد. دشمن متجاوز برهمین مبنا حرکت خود را در طول مسیر دهلران به اندیمشک و تصرف پل نادری و عبور از آن قرار داد و این پل محور اصلی هجوم لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق تعیین شد. در بعد از ظهر روز پنجم جنگ با نزدیک شدن یگان‌های زرهی دشمن به این منطقه، تخریب این پل با

هدف ممانعت از نفوذ دشمن مورد بحث قرار گرفت اما به علت منحصر به فرد بودن این پل برای پشتیبانی و عقب‌نشینی احتمالی رزمندگان غرب کرخه، ضمن ممانعت از تخریب پل، بر ایجاد یک خط پدافندی در این محور با محوریت نیروهای مردمی و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی نزاجا تاکید شد. با ورود لشکر پیاده ۲۱ حمزه نزاجا به این منطقه، اولین عملیات گسترده و پدافندی با هدف به عقب‌راندن دشمن در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳ با عنوان عملیات پل‌نادری در دستور کار قرار گرفت. اما با موفق نشدن این عملیات، دشمن در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۹ برای تصرف پل‌نادری تهاجم وسیعی را آغاز کرد که با مقاومت سرسختانه رزمندگان، نیروهای دشمن به ناچار ضمن عقب‌نشینی در مناطق سه‌راهی قهوه‌خانه، کوت کاپون و بر روی تپه‌های مشرف بر ساحل رودخانه مستقر شدند و این وضعیت تا عملیات فتح‌المبین و عقب‌نشینی گسترده دشمن، یک پاسگاه مشترک بین ارتش و سپاه با نام پاسگاه شهید قدوسی در کنار پل‌نادری ایجاد شد که همه عبور و مرورها به مناطق عملیاتی غرب کرخه را در طول جنگ کنترل می‌کرد. ایستگاه صلواتی کرخه نیز که قبل از سه‌راهی قهوه‌خانه قرار داشت، تا پایان جنگ به پذیرایی از رزمندگان می‌پرداخت. اکنون پل جدید نادری در کنار بقایای پل تاریخی و پل نادری زمان جنگ که در ردیف آثار ملی دفاع مقدس قرار گرفته است، احداث شده است.^۱

پادگان دوکوهه (احمد متوسلیان)

دوکوهه نام منطقه و پادگانی است در ۴ کیلومتری شمال‌غربی شهر اندیمشک، در مجاورت جاده اندیمشک - خرم‌آباد که دهستان دوکوهه

در شرق جاده و پادگان دوکوهه در غرب جاده واقع شده است. این پادگان از شمال و غرب به رودخانه فصلی بالا رود منتهی می‌شود و بخش جنوبی آن نیز با عوارض مصنوعی محدود شده است. این منطقه به علت وجود دو ارتفاع ۳۱۶ و ۲۸۸ متری در کنارهم که مانند دو کوه دوقلو در این منطقه مسطح خودنمایی می‌کنند، دوکوهه نام گرفته است. مساحت این پادگان با حواشی آن پانزده کیلومترمربع می‌باشد که وسعت بخش اصلی آن کمتر از پنج کیلومترمربع است. بخش اصلی پادگان که شامل ساختمان‌های گردان‌ها، ساختمان‌های اداری، دژبانی و انبار و ادوات و همچنین زمین صبحگاه است، در کنار جاده و ایستگاه راه‌آهن موقت دوکوهه قرار دارد.

دوکوهه قبل از انقلاب پادگان پشتیبانی لشکر ۹۲ زرهی و یگان‌های نظامی جنوب غرب کشور بود و ساختمان‌هایی نیمه‌ساز برای نیروهای پادگان وجود داشت. با شروع جنگ این پادگان در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت و در دوران دفاع مقدس به مهم‌ترین پادگان عملیاتی خوزستان مبدل شد. این پادگان که عقبه یگان‌های عمل کننده در عملیات فتح‌المبین بود، پس از این عملیات به پادگان تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله (ص) تبدیل شد. همچنین لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) نیز در همین پادگان تشکیل و راه‌اندازی شد که بعدها مقر اصلی آن به نزدیکی همین پادگان (پادگان شهید کلهر) منتقل شد. دوکوهه به عنوان بزرگترین منزلگاه برای تجهیز و سازماندهی نیروهای جبهه جنوب، و مثل یک شهر، مملو از جمعیت، تحرک، نشاط و زندگی بود.

دو نوع ساختمان در دوکوهه بود؛ ساختمان‌های یک طبقه که در قسمت شمال و غرب پادگان قرار داشتند که واحدهای اداری بودند و

کارهای ستادی و خدماتی می‌کردند و دیگر، ساختمان‌های پنج‌طبقه‌ای که آسایشگاه نیروهای رزمنده بود و در بخش جنوبی پادگان قرار داشت و هر کدام به نام یک گردان پیاده نظیر انصار، مالک اشتر، حبیب‌بن‌مظاهر، مقداد و عمار نام گرفته بود. از آنجا که پیش از تکمیل کارهای تاسیساتی پادگان، جنگ شروع شده بود، ساختمان‌ها در ابتدا فاقد امکانات تهویه، شیشه و دستشویی و لوله‌کشی آب مناسب بودند و خیابان‌های پادگان، شنی بود. زمین صبحگاه، حمام و بعضی واحدها مثل مخبرات، حسینه شهید همت، آرایشگاه و سایر سرویس‌های خدماتی بعدها به وجود آمد. در بخش مرکزی دوکوهه حسینه شهید همت قرار دارد که قلب این پادگان و سال‌ها شاهد شب‌زنده‌داری‌ها و مناجات رزمندگان اسلام بود. حوضی نیز که در مقابل این حسینه دو ساختمان پنج طبقه دیگر به نام‌های ذوالفقار، محوطه وسیعی وجود دارد که نمادی از قدس در آن خودنمایی می‌کند، این محوطه زمین صبحگاه و محل تمرین‌ها و اجتماع بسیجیان دوکوهه بود. در بخش جنوبی زمین صبحگاه حمام‌های دوکوهه و در بخش شمالی آن ساختمان‌های اداری قرار دارد. در فاصله ۲ کیلومتری جنوب‌غربی دوکوهه، حسینه گردان تخریب واقع است که حسینه حضرت زهرا (س) نام گرفته و چادرهای رزمندگان تخریب‌چی در کنار آن مستقر بود مقر این رزمندگان به علت تمرین‌های ویژه و سخت‌تر، دور از سایر گردان‌ها قرار داشته است. پس از ربوده شدن حاج‌احمد متوسلیان فرمانده تیپ محمدرسول‌الله(ص) در لبنان، پادگان دوکوهه به نام پادگان حاج‌احمد متوسلیان تغییر نام یافت. اکنون دوکوهه حالتی دوبخشی پیدا کرده که با فنس و دیوار از هم جدا شده است، بخش شرقی آن در اختیار لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) قرار دارد که این بخش

حالت یادمانی دارد و یکی از محل‌های بازدید راهیان نور است. بخش غربی پادگان در اختیار نزاجا است که ساختمان پنج طبقه آن مسکونی شده و قسمت‌های دیگر به صورت انبار مهمات و درآمده است.^۱

شهرستان دزفول

شهرستان دزفول در شمال استان خوزستان واقع شده و از شمال غرب به شهرستان اندیمشک، از غرب به شهرستان شوش، از جنوب به شهرستان شوشتر و از شرق به شهرستان مسجدسلیمان، از شمال شرق به بخش کمی از استان چهارمحال و بختیاری و از شمال به استان لرستان محدود می‌شود. شهرستان دزفول از مناطق پرجمعیت استان خوزستان به حساب می‌آید و مرکز آن شهر دزفول است.

اکثر مردم دزفول شیعه دوازده امامی‌اند و به گویش دزفولی تکلم می‌کنند که از گویش‌های باستانی فارسی به شمار می‌رود و در آن ریشه‌های فراوانی از پارسی میانه دیده می‌شود. از گویش مردم شهرهای دزفول و شوشتر با نام گویش خوزی نیز یاد شده است که ویژه این دو شهر است و ناهمگونی‌های زیادی با گویش‌های لری و بختیاری دارد. کشاورزی پیشه بیشتر مردم روستاهای دزفول است. دشت پر بار دزفول و گذر رودخانه‌های پرآبی مانند دز و کرخه سبب شده که بیشتر فرآورده‌های کشاورزی مانند گندم، جو، برنج، بنشن، گیاهان روغنی، یونجه، تره‌بار، چغندر و مرکبات گوناگون به ویژه پرتقال در این گسترده به دست آید. فرآورده‌های چوبی، نمدمالی، گیوه‌دوزی، سبدهافی، خراپی، نازک‌کاری چوب از قبیل شمعدان، چوب‌لباسی و نمکدان از جمله صنایع دستی مردم شهرستان دزفول به شمار می‌آید. دزفول یک فرودگاه دارد

که کاربرد آن بیشتر، نظامی است. این شهر به شبکه راه‌آهن سراسری وصل نیست و مردم برای مسافرت با قطار از ایستگاه راه‌آهن شهرستان اندیمشک استفاده می‌کنند. از اماکن مذهبی دزفول می‌توان به آرامگاه حزقیل‌نبی(ع) پدر دانیال‌نبی(ع)، بقعه امام‌زاده رودبند و نیز امام‌زاده سبزقبا برادر ناتنی امام رضا(ع) و همچنین بقعه محمدبن جعفر طیار اشاره کرد.

در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هواپیماهای عراقی در نخستین روز جنگ به پایگاه چهارم شکاری دزفول موسوم به پایگاه وحدتی حمله کردند و اولین موشک در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۹ به این شهرستان اصابت کرد. در طول جنگ شهر دزفول ۱۷۴ بار مورد حمله موشکی قرار گرفت.^۱

دزفول

شهر دزفول مرکز شهرستان دزفول است و فاصله این شهر از اندیمشک ۱۰ کیلومتر و تا شوش ۲۶ کیلومتر است. «دزپل» یا «دژپل» را در اصطلاح محلی دزفیل و دژپیل گویند و معرب آن دسفول است و به همین علت نام محلی این شهر به گویش دزفولی (شبیه به فارسی دری و لری بختیاری) «دسفیل» می‌باشد. دزفول در زمان ساسانیان هم‌زمان با ساختن پل در کنار آن بر روی دز (به منظور برقرار ارتباط بین پایتخت جدید یعنی جندی‌شاپور و شوشتر) بنا شده است. دز به معنی قلعه می‌باشد و احتمالاً نام دزفول یا دزپل از نام همان پل مشتق شده است. شهر دزفول بر روی تپه‌ای به ارتفاع ۲۱۰ متر از رودخانه بنا شده و سرداب‌های عمیق دارد. مردم ساکن جندی‌شاپور پس از ویرانی

این شهر توسط الوار به کناره رود دز مهاجرت و بنای شهر دزفول کنونی را پایه‌ریزی کردند. دزفول از هجوم مغول محفوظ ماند. مهم‌ترین اثر تاریخی دزفول پل قدیم است که شاپور دوم ساسانی به کمک اسیران رومی آن را بر روی رود دز بنا کرد و به همین دلیل به پل رومی نیز مشهور است. همچنین قلعه‌ای نیز برای حفاظت از آن عمارت احداث کرد که اکنون در محل قدیمی آن محله‌ای به نام قلعه وجود دارد. امام‌زاده سبزقبا، ایوان کرخه و شهرباستانی جندی‌شاپور در ۱۰ کیلومتری دزفول نیز از جمله اماکن تاریخی دزفول است.

با آغاز جنگ، دزفول یکی از شهرهایی بود که به شدت مورد حمله قرار گرفت و در نخستین روز جنگ پایگاه چهارم شکاری دزفول موسوم به پایگاه وحدتی بمباران شد. در طول جنگ دشمن با بمب و موشک‌های ۹ متری «فراگ» و «اسکاد - بی» بارها به شهر دزفول حمله کرد به طوری که شهر دزفول به «بلدالصواریخ» یعنی شهر موشک‌ها نیز مشهور شد.

شهری که تا آن زمان زخم ۱۷۴ موشک و ۱۰۶۴ گلوله توپ دشمن را به جان خریده و همچنان برپا و استوار بود. در سال‌های دفاع مقدس نماز جمعه باشکوه دزفول به امامت سیدمجدالدین قاضی دزفولی و حضور رزمندگان و پذیرایی مردم مقاوم آن دیار بعد از نمازجمعه در ایستگاه‌های صلواتی، فراموش نشدنی است. با تشکیل ستادهای بسیج مردمی با محوریت مساجد این شهر به‌خصوص مسجد نجفیه، داوطلبان ضمن آموزش نظامی، به کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان و بازسازی منازل مسکونی نیز می‌پرداختند.

بخشی از ابتدای جاده دزفول - دهلران که از سهراهی دهلران در

جنوب اندیمشک آغاز می‌شود و تا شهر دهلران در استان ایلام ادامه دارد، دارای عرض زیاد و آسفالت مخصوصی است و از آن به عنوان یک باند فرود اضطراری استفاده می‌شود.

دزفول که در طول دفاع مقدس میزبان همیشگی خیل عظیم رزمندگان بود در عملیات فتح‌المبین به عنوان عقبه تدارکاتی مورد استفاده زیادی قرار گرفت. رادیو جبهه نیز برای روحیه‌بخشی به رزمندگان توسط جوانان دزفول راه‌اندازی و به اجرای برنامه می‌پرداخت. اکنون از شهر دزفول به پاس مقاومت و تقدیم بیش از ۲۶۰۰ شهید، به عنوان شهری نمونه یاد می‌شود.^۱

پایگاه وحدتی دزفول

پایگاه هوایی وحدتی دزفول در شمال غربی شهر دزفول و در غرب جاده دزفول - اندیمشک قرار دارد و به یاد سرهنگ وحدتی که در یک سانحه هوایی جان باخت، نامگذاری شده است. در سال ۱۳۲۰ و در جنگ جهانی دوم، نیروهای متفقین برای حمل وسایل و تجهیزات از خلیج فارس به روسیه در مکانی به نام تپه‌چرمی (موقعیت کنونی پایگاه) توقف می‌کردند و بعدها در سال ۱۳۲۲ مطالعات برای احداث پایگاه آغاز و در سال ۱۳۳۵ توسط مهندسین ایتالیایی طرح احداث آن ریخته شد و در سال ۱۳۳۷ قسمت‌هایی از پایگاه آماده و با نام پایگاه دوم شروع به کار کرد. با تحویل هواپیماهای اف-۵ در سال ۱۳۴۲، این پایگاه به نام پایگاه چهارم شکاری تغییر نام داد.

این پایگاه که اکنون پایگاه مادر هواپیمای شکاری اف - ۵ نیروی هوایی ارتش محسوب می‌شود، در طول جنگ بسیار با اهمیت بود؛ چرا

که نزدیک‌ترین پایگاه هوایی به مرزهای شرقی عراق بود و برای پشتیبانی سریع از نیروهای درگیر سطحی جبهه‌های جنگ می‌توانست به طور هم‌زمان تعداد زیادی هواپیمای شکاری را به کار گیرد. با آغاز جنگ این پایگاه جزء اولین نقاطی بود که مورد هدف حمله هوایی دوازده فروند از هواپیماهای عراقی قرار گرفت که در آن یک هواپیما و بالگرد خودی منهدم و دو هواپیمای دشمن سرنگون شد.

در بامداد روز اول مهرماه سال ۱۳۵۹ و در جریان عملیات تاریخی کمان ۹۹ نیروی هوایی ارتش که در آن ۱۴۰ فروند هواپیما پایگاه‌های هوایی عراق را بمباران کردند. پایگاه وحدتی دزفول با چهل فروند هواپیمای جنگنده بمب‌افکن FOE خود پایگاه هوایی ناصریه عراق را در هم کوبید. در روزهای بعد نیز این پایگاه یکی از اهداف حملات هوایی دشمن بود که در مواردی هواپیماهای دشمن با شلیک پدافند هوایی پایگاه سرنگون و یا متواری می‌شدند. این پایگاه در طول جنگ در برخی موارد محل برگزاری جلسات مهم و اضطراری فرماندهان جنگ بود و با تقدیم چهل و پنج شهید، جانباز و آزاده خلبان از جمله شهیدان اسدزاده، فرزین، هارونی، بیک‌محمدی و تقدیم ۵۴۳ شهید، جانباز و آزاده غیرخلبان و انجام ۱۵۱۵ سورتی پرواز برون‌مرزی در طول جنگ، از فعال‌ترین پایگاه‌های هوایی کشور بوده است و خلبانانی چون شهیدان فرزین و بابایی به طور شبانه‌روزی در آن انجام وظیفه کرده‌اند.^۱

هواپیمای F-14 تامکت (گربه نر)

هواپیمای شکاری است که دو کابینه، دو موتور و ساخت کشور آمریکا (شرکت گرومن) این هواپیما ما فوق صوت و حداکثر سرعت

آن ۲/۵ برابر صوت یا ۲/۵ ماخ می‌باشد، شکاری چند منظوره بوده و به خصوص برای دفاع ضد هوایی (رهگیری هوایی) مورد استفاده می‌باشد. یکی از ماموریت های این هواپیما پوشش هوایی (CAP) می‌باشد. هواپیما دارای رادار برد بلند (حدود ۲۰۰ NM) بوده و دارای موتورهای جت قوی توربوفاون می باشد. دارای بال متغیر بوده که شرایط خوبی را برای پرواز آن فراهم می آورد و همچنین می تواند برای بلند شدن (T.O) و نشستن (LAND) از باندهای کوتاه استفاده کند. هواپیما دارای یک توپ ۲۰ میلی متری در جلوی هواپیما (CANON) بوده و حدود ۶۰۰ تیر فشنگ دارد و می تواند ۴ موشک هوا به هوای راداری SPAROW یا AIM-7 (در زیر بدنه) و همچنین ۲ موشک حرارتی (در مجموع ۴ موشک) SIDE WINDER یا AIM-9 زیر هر بال با خود حمل می کند. هواپیما قادر است در مجموع ۶ تیر موشک راداری پیشرفته PHOENIX یا AIM-54 با خود حمل کند. این موشک از NM 80 می‌تواند پرتاب شو. این هواپیما قابلیت سوختگیری هوایی را دارد و نیز دارای صندلی‌های پُران (EJECTIN SEAT) می‌باشد. خلبان در کابین جلو برای هدایت هواپیما و در کابین عقب افسر کنترل کننده مهمات، رادار و دستگاه ناوبری می باشد.*

هواپیمای F-4 فانتوم (شبه)

هواپیمایی جنگنده دارای دو کابین و دو موتور ساخت کشور آمریکا (شرکت مک دانل داگلاس) می‌باشد. این هواپیما مافوق صوت بوده و حداکثر سرعت آن ۲/۴ برابر صوت می باشد. هواپیمای جنگنده و بمباران برای ماموریت های روز و شب بوده و دارای راداری با برد

* نهاجا - دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی

NM 200 و توان پرتاب موشک راداری زیر فاصله **NM50** می‌باشد.
دارای ۴ موشک راداری **SPAROW** یا **AIM-7** (در زیر بدنه)
همچنین دارای ۴ موشک حرارتی **SIDE WINDER** یا **AIM-9** زیر بال‌ها
بوده و یک توپ (**CANON**) ۲۰ میلیمتری با ۶۰۰ تیر فشنگ در جلوی
هواپیما می‌باشد.

با توجه به قدرت خوب موتورهای توانمندی بالایی در پرواز داشته .
توان سوختگیری هوایی را داشته و می‌تواند انواع بمب را با خود حمل
نماید. توان پرتاب موشک هوا به زمین و هوا به دریا و راکت را دارا
می‌باشد. در ارتفاع پائین بسیار خوب پرواز می‌کند و عملیات **H-3** با
این هواپیما انجام و جزو بهترین مأموریت‌های دنیا محسوب شد.
هواپیما قادر است تا حدود ۲۴ تیر بمب با خود حمل می‌کند .
خلبان برای هدایت هواپیما در کابین جلو و ناوبر شکاری و یا دیگر
خلبان در کابین عقب کار نظارت بر ناوبری و رادار را انجام می‌دهد و
هر دو کابین دارای صندلی پران **EJECTION SEAT** می‌باشند.*

هواپیمای F-5 تایگر (ببر)

هواپیمایی دو موتوره ساخت آمریکا کارخانه هواپیما سازی نورثروپ
بوده و به دو صورت تک کابینه برای مقاصد عملیاتی و دو کابینه جهت
منظورهای آموزشی ساخته شده است . هواپیمایی است چند منظوره
(شکاری بمب افکن ، رهگیر) و ما فوق صوت بوده و در بعد رهگیری،
توانایی این را دارد تا پس از اعلام سامانه رادار، به مدت ۵ دقیقه **T.O**
نموده و سریعاً مأموریت انجام دهد .
این هواپیما دارای صندلی پران **EJECTION SEAT** بوده و

توانایی این را دارد تا روی زمین و در سرعت صفر، خلبان را از هواپیما جدا نموده و در ارتفاع مناسب و قبل از برخورد با زمین، چتر خلبان را باز و وی سالم به زمین فرود آید.

در مأموریت‌های رهگیری توانایی بهره‌برداری از دو تیر موشک حرارتی **SIDE WINDER** یا **AIM-9** سر بال‌ها و ۵۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلیمتری را داشته و در نبردهای نزدیک هوایی به علت سبکی بدنه و قدرت موتور، از تفوق و برتری خوبی نسبت به هواپیماهای هم‌طراز، برخوردار می‌باشد.

در زمینه حمله به اهداف زمینی، این هواپیما می‌تواند با بهره‌گیری از بمب‌های ۲۵۰ پوندی تا ۱۰۰۰ پوندی، راکت‌های ۲/۷۵ میلی‌متری و مسلسل به تجمع نیروها، دپوها (انبار) آمادی، خودروهای زرهی، پل‌های استراتژیک و منابع حیاطی دشمن (پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و ...) یورش برده و ضربات کوبنده‌ای را بر آنها وارد آورد.*

تانک تی ۷۲

در اواخر دهه ۶۰ هنگامی که تانک تی ۶۴ ستون فقرات زرهی ارتش شوروی را تشکیل دهته بود روشها به فکرطراحی و ساخت تانک برتری افتادند که جایگزین تی ۶۴ شود. بنابر این اولین مدل تانک تی ۷۲ در سال ۱۹۷۱ تولید شد. ولی مدل فوق از فناوری آنچنان پیشرفته تری نسبت به تی ۶۴ برخوردار نبود. البته مدل‌های بعدی تی ۷۲ پیشرفت قابل ملاحظه و چشمگیری کردند. در سال ۱۹۷۷ این تانک در معرض دید عموم قرار گرفت.

* نه‌جا...

تی ۷۲ از بدو تولید مورد توجه و استقبال ارتش شوروی قرار گرفت و به سرعت وارد پیکره زرهی آن ارتش و نیروهای پیمان ورشو (بلوک شرق سابق) و این تانک به جز کشورهای بلوک شرق در بسیاری از کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفت (بیش از ۲۸ کشور). برخی کشورها نظیر جمهوری اسلامی ایران، لهستان، هند، چکوسلواکی سابق و... ترجیح دادند ۷۲ را تحت امتیاز در کشور خود تولید کنند. جثه و ارتفاع تی ۷۲ نسبت به تانکهای خانواده تی (سری‌های تی ۶۲، ۵۵ و ۵۴) کمتر است (داشتن ارتفاع کم و جثه کوچک برای تانک مزیت بزرگی محسوب میشود و احتمال هدف قرار گرفتن و اصابت گلوله و موشک به تانک کاهش می یابد). طراحی آن دقیق و ساده بوده و قیافه معمولی و شبیه به تانکهای قبلی سری تی دارد.

این تانک می تواند مقدار قابل توجهی سوخت و مهمات حمل کند. تی ۷۲ جز تانکهای متوسط به حساب می آید و از نظر ظاهری شباهت زیادی به تی ۶۴ دارد. تحرک آن نسبت به تی ۶۲ زیادتر می باشد ولی با تی ۶۴ فرق زیادی نمی کند. زره چند لایه آن، قابلیت بهتری نسبت به تی ۶۲ و ۶۴ دارد. البته در نهایت تی ۷۲ در مقایسه با تانکهای قبلی برتر است.

زره: این زره چند لایه و مقاوم می باشد. زره واکنشی نسب شده بر روی تی ۷۲ ام و تی ۷۲ ام یک در برابر آتش توپ ۱۰۵ میلیمتری تانک آبرامز تا فاصله ۲۰۰۰ متری مقاوم است. مدل‌های بعدی تی ۷۲ به مسافت یا بهای جدید لیزری مجهز است و احتمالاً در برابر ضربات مستقیم تانک آبرامز از فاصله کمتر از ۲۰۰۰ متر مقاومت میکند. قطر این زره چند لایه در کمترین ضخامت ۸۰ میلیمتر و در بیشترین ضخامت به ۲۸۰ میلیمتر میرسد.

انواع مدل‌های تی ۷۲

تی ۷۲ آ: این مدل تفاوت زیادی با سایرین دارد که شامل پرتاب کننده‌های نارنجک دود زا، صفحات محافظ شنی و ... است. داخل تانک مقداری متفاوت و زره آن هم ضخیم‌تر بوده که مختصری ورن تانک افزایش یافته است.

تی ۷۲ بی: زره قسمت جلویی برجک ضخیم می‌باشد.
تی ۷۲ بی کا: با نصب تعدادی بی سیم اضافه به عنوان تانک فرماندهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تی ۷۲ بی ام: زره آن دومین نسل از زره واکنشی **kontak-5** با مواد منفجره فعال مانند تی ۹۰ است (این سیستم در تانک های صادراتی هم وجود دارد).

تی ۷۲ ام: توسط لهستان و چکسلواکی سابق مورد استفاده قرارگرفت تفاوت‌های عمده آن با سایر مدل‌ها در برجک و مسافت یاب آن است.

تی ۷۲ ام یک: مدل روسی صادراتی تی ۷۲ بوده واز تی ۷۲ ام اقتباس شده است. مدل‌هایی از آن را که زره واکنشی در آن به کار رفته به نام تی ۷۲ آ وی و تی ۷۲ ام یک وی می شناسند. در بسیاری از کشورها تی ۷۲ ام و تی ۷۲ ام یک وجود دارد. برخی کشورها این تانک را اصلاح کرده و ارتقا داده اند. تی ۷۲ ام یک , پرتاب کننده نارنجک دودزا و محافظ شنی ندارد ولی مسافت یاب و زره مناسبی دارد.

تی ۷۲ اس: مدل ارتقا یافته تی ۷۲ آ می‌باشد که به کشورهای دیگر صادر شده است. این مدل را با تی ۷۲ بی ام می توان مقایسه کرد، البته زره جلو برجک تی ۷۲ اس احتمالا کمتر از تی ۷۲ بی ام است ولی تمام

تی ۷۲ها مجهز به زره واکنشی هستند.

تی ۷۲ بی وی: به زره واکنشی در بدنه و برجک مجهز است
تانک های تی ۸۰ و تی ۹۰: جایگزینی برای تی ۷۲ محسوب میشوند
کاربران تانک تی ۷۲

کشورهای زیر تی ۷۲ را به کار گرفته اند:

جمهوری اسلامی ایران-ارمنستان-آنگولا-الجزایر-آذربایجان-
اوکراین-ازبکستان-اسلواکی-بوسنی و هرزگوین-بلاروس-بلغارستان-
ترکمنستان-تاجیکستان-جمهوری چک-سوری
روسیه-رومانی-عراق-قزاقستان-کرواسی-گرجستان-مجارستان-
لهستان-لیبی-فنلاند-هند-ایلات متحده آمریکا(آن را کنار گذاشته)و
یوگسلاوی.

تانک تی ۷۲ با وجود ۲۰ تن وزن کمتر، مقاومت زرهی در سطح
تانک ام ۱ دارد که این برتری صنعت تانک سازی روسیه را نشان
میدهد. روسها در ساخت زره های پیشرفته تبحر زیادی دارند و در
صورت استفاده بیشتر از این زره ها(مانند تانکهای غربی) که وزن تانک
به ۷۰-۶۰ تن برسد باید شاهد تانکی باشیم که هیچ گلوله و موشکی بر
آن اثر گزار نیست!

مقاومت زره تانک تی ۷۲ بدون زره های واکنشگر در حدود ۵۵۰
میلیمتر در مقیاس **RHA** میباشد که این میزان با استفاده از زره های
واکنشگر تا ۱۰۰۰ میلیمتر قابل ارتقا هست. در مقابل تانک ام ۱ تنها
حدود ۶۲۰ میلیمتر مقاومت زره دارد. البته ویژگی زره ام ۱ در
آسیب پذیری کم در برابر سلاحهای قدیمی است ولی در کل مقاومت
مشابهی دارند.

بالگرد هجومی ۲۱۴ ترابری نیمه سنگین

مأموریت‌ها:

تاکتیکی: عملیات هجومی، فرماندهی و کنترل، تجسس و نجات،
تغییر موضع توپخانه سبک، پیاده کردن چتر باز
لجستیکی: حمل و نقل نفرات با تجهیزات، تجدید تدارکات، تخلیه
مجروح

کشور اصلی سازنده: آمریکا.

ساخت: شرکت هلیکوپتر سازی بل.

مشخصات نوع: هلیکوپتر ۱۶ نفره مناسب برای ترابری سبک و

دارای توان پروازی عالی در هوای گرم و ارتفاعات بالا

سال ورود به خدمت ارتش ایران: ۱۹۷۶.

نیروی کشش: مجهز به یک موتور توربوشفت لایکامینگ به قدرت

۲۹۷۱ اسب کشش.

مشخصات پروازی:

حداکثر سرعت افقی (در ارتفاع ۳۰۰۰ پا): ۱۶۸ مایل در ساعت.

سرعت اوجگیری اولیه: ۲۲۴۰ پا در دقیقه.

سقف پرواز: متجاوز از ۲۰۰۰۰ پا.

حداکثر برد پرواز: ۲۱۵ مایل.

وزن خالی (مجهز برای ایفای نقش ترابری): ۷۴۶۰ پوند:وزن

حداکثر وزن هنگام برخاستن: ۱۶۰۰۰ پوند.

توضیح:

در سال ۱۹۷۴ یک فروند از این نوع هلیکوپترهای متعلق به نیروی

زمینی ایران (در اهواز) به چند رکورد جهانی دست یافت. هلیکوپتر به

بالگرد ۲۰۶/ ۱۳۵

ارتفاع ۲۹۷۶۰ پا اوج گرفت، بمدت ۳۰ ثانیه در ارتفاع ۲۹۵۶۰ پا پرواز افقی انجام داد. رکورد سرعت اوجگیری را با رسیدن به ارتفاع ۹۸۴۳ پا در مدت یک دقیقه و ۵۸ ثانیه و به ارتفاع ۱۹۶۸۶ پا در مدت پنج دقیقه و ۱۳.۲ ثانیه و ارتفاع ۲۹۵۲۹ پا در مدت ۱۵ دقیقه و نیم به دست آورد.

ابعاد هلیکوپتر:

طول بدنه هلیکوپتر: ۴۹ پا و ۳ اینچ

قطر دایره گردش ملخ اصلی: ۵۰ پا

بلندی هلیکوپتر: ۱۵ پا

قطر دایره گردش ملخ دم: ۹ پا و ۸ اینچ

ظرفیت:

خلبان + ۱۵ مسافر (۲۲۰ پای مکعب جا برای محمولات در داخل کابین)*

بالگرد ۲۰۶

مأموریت‌ها:

تاکتیکی: الف- شناسایی ب- فرماندهی و کنترل پ- پست و

دیدهبانی ت- تنظیم تیر توپخانه

لجستیکی: الف- امر بری ب- نامه رسانی

مشخصات:

الف: نوع موتور یک موتور ۲۵۰/۲۲۰ ساخت کارخانه آلیستون.

ب: قدرت موتور حداکثر ۴۰۰ اسب بخار که ۳۱۷ اسب بخار آن

قابل استفاده می‌باشد.

پ: گنجایش در شرایط استاندارد ۵ نفر با خدمه.

* گروه معارف جنگ هوانیروز

- ت: حداکثر وزن قابل پرواز ۳۲۰۰ پوند
- ث: حداکثر سرعت در سطح دریا ۱۳۰ مایل دریایی (۲۳۴ کیلومتر)
- ج: حداکثر سقف پرواز ۱۹۹۵۰ پا (در صورت مجهز بودن به کپسول اکسیژن)
- چ: مدت زمان پرواز با یک باک سوخت دو ساعت چهل و پنج دقیقه.
- ح: ظرفیت محل باز داخلی ۲۵۰ پوند.
- خ: نوع سوخت مصرفی jp۴. jp۵
- د: حداکثر زمان پرواز ۲ ساعت چهل و پنج دقیقه.
- نوع وسایل ارتباطی VHF - UHF - FM
- ظرفیت بار خارجی در صورت مجهز بودن به تجهیزات لازم حداکثر ۱۵۰۰ پوند.*

بالگرد تک ور کبری (۲۰۹) NON TOW , TOW

- بالگرد کبری بالگردی است دو موتوره با گنجایش دو نفر (خلبان و تیرانداز) که ماموریت‌های تاکتیکی زیر را انجام می‌دهد.
- ماموریت‌ها:
- اسکوریت بالگردهای نیروبر، تک به وسایل زرهی و مکانیزه دشمن، پهلوداری
- شرکت در عملیات هجومی، تقویت آتش زمینی، شناسایی با آتش
- اسکوریت ستون‌های سطحی (آبی ... خاکی)

* گروه معارف جنگ هوانیروز

بالگرد شنوک / ۱۳۷

مشخصات:

الف : دارای دو موتور توربو شفت F-400-W-402

ب : قدرت موتورهای جمعا ۱۹۷۰ اسب بخار (قابل استفاده ۱۲۹۰

اسب بخار)

پ : گنجایش ۲ نفر (خلبان و تیرانداز)

ت : حداکثر سرعت در سطح دریا بدون سلاح ۱۹۰ نات (۳۴۲

کیلومتر)

ث : حداکثر وزن قابل پرواز در شرایط استاندارد ۱۰۰۰۰ پوند

ج : حداکثر سقف پرواز ۲۰۰۰۰ پا (با ماسک اکسیژن)

چ : نوع سوخت JP4, JP5

ح : مدت زمان پرواز ۲:۴۵ دقیقه

خ : جنگ افزارهای مورد استفاده

حداکثر ۸ فروند موشک تاو

حداکثر ۷۶ فروند راکت ۲/۷۵ اینچ با سرچنگی در مقرهای ۱۹ تایی

مجهز به یک قبضه توپ ۲۰ میلیمتری گردان در دماغه با

گنجایش ۷۵۰ تیر فشنگ ۲۰ میلیمتری و با نواخت ۷۵۰ تیر در

دقیقه *

بالگرد شنوک (CH-۴۷) ترابری سنگین

ماموریت‌ها:

الف: تاکتیکی: حمل و نقل توپخانه سبک و متوسط

ب: لجستیکی: حمل و نقل نفرات با تجهیزات، تجدید تدارکات،

* گروه معارف جنگ هوانیروز

حمل و نقل اداری تخلیه، تخلیه هواپیما و بالگردهای آسیب‌دیده
مشخصات:

الف: دارای دو موتور ساخت کارخانه لایکمینگ

ب: قدرت دو موتور ۳۷۵۰ اسب بخار (قابل استفاده ۳۴۰۰ اسب بخار)

پ: گنجایش حداکثر ۴۴ نفر با ۳۳ صندلی برای نشستن (با خدمه ۴۹ نفر)

ت: تعداد برانکارد ۲۴ عدد

ث: حداکثر سرعت در سطح دریا ۱۶۰ نات (۲۸۸ کیلومتر)

ج: حداکثر وزن قابل پرواز در شرایط استاندارد ۴۶۰۰۰ پوند

چ: مدت زمان پرواز با باک اصلی دو ساعت و چهل و پنج دقیقه

ح: حداکثر سقف پرواز ۱۵۰۰۰ پا

خ: نوع سوخت JP۴JP۵P۱

د: حداکثر بار خارجی ۲۰۰۰۰ پوند در شرایط استاندارد

ذ: هواپیماهای سسنا (U-۱۷) شناسائی ترابری سبک

ماموریت‌ها:

-رابط فرماندهی

-شناسایی

-رادیو رله

-پخش اوراق تبلیغاتی

-امربری

-کنترل ستون*

* گروه معارف جنگ هوانیروز

فرازهائی از پیام‌های امام خمینی(ره) در دفاع مقدس ۱۳۹/

فرازهائی از پیام‌های امام خمینی(ره) در دفاع مقدس

فرازهائی از پیام‌ها و فرمایشات امام راحل(ره) به مناسبت پیروزی‌های رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های مختلف که علاوه بر جنبه‌های نظامی راهبردی، حاوی نکات و مفاهیم عارفانه بسیار عمیقی می‌باشند.

ما و ملت اسلامی ما جنگجو و هجومگر نبوده‌ایم و نیستیم و از این جنگ تحمیلی هم خوشمان نمی‌آمد و کراهت داشتیم... در عین حالی که ما از جنگ گریزان هستیم، لکن دفاع، که حق هر انسانی است و واجب است بر هر انسانی دفاع از خود و دفاع از کشور خود و دفاع از دین خود، ما به عنوان دفاع در مقابل این قدرت‌ها ایستاده‌ایم... جنگ ما دفاع است، هجوم نیست.^۱

بر قوای مسلح اسلامی، از ارتش سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان مزدوران جبهه را از کشور اسلامی‌شان برانند و ایران عزیز را از این خس و خاشاکها پاک نمایند، و بدانند که نیروی ایمان پیروز است.^۲

آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشند و این است فتح الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه

۱. سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوانیروز (۶۰/۹/۱۱).

صحیفه امام ج ۱۵ ص ۴۰۰-۴۰۱

۲. پیام به ملت ایران (۶۰/۶/۲۷)، صحیفه امام ج ۱۲ ص ۲۴۱

پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی که از دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم. مبارک باد بر کشور عزیز ایران و بر ملت شریف ایران که چنین رزمندگانی قدرتمند و عاشقانی چنین محو جمال ازلی و سربازانی چنین دلباخته دوست که شهادت را آرزوی نهایی خود و جانبازی در راه محبوب را آرمان اصیل خویش می‌دانند. افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با مناجات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطر آگین نموده‌اند فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که شکست ناپذیر و سر تا پا پیروزی است.^۱

حصر آبادان باید شکسته شود.

فتح خرمشهر فتح خاک نیست فتح ارزش‌هاست.^۲

خدا خرمشهر را آزاد کرد.

با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.^۳

اینجانب در حالی که به حسب اخبار موثق می‌دانم ملت و قوای مسلح ما با آوارگان به طور اسلامی و انسانی رفتار می‌کنند، از همه آنان

۱- پیام امام به فرماندهان نیروها به مناسبت عملیات طریق القدس

۲- به مناسبت فتح خرمشهر

۳- پیام به ملت ایران (۶۷/۴/۲۹)، صحیفه امام ج ۲۱ ص ۹۲-۹۶

فرازهائی از پیام‌های امام خمینی(ره) در دفاع مقدس ۱۴۱/

می‌خواهم که با اسرا، خصوصاً مجروحین و مصدومین آنان هر چه بیشتر محبت و خدمت کنند.^۱

تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد.^۲ نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، بحق چهره راستین و شکست ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آن همه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقت فرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است.^۳ نیروی دریایی نیز همچون سایر نیروها بحمدالله در آبهای خلیج فارس و مرزهای آبی کشور در عرصه دفاع مقدس از کشور اسلامی‌مان چون نگینی درخشانده است و بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروهای دریایی دشمن و آن همه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتی‌هایی در خلیج فارس و تنگه هرمز و مهمتر از همه نبرد قهرمانانه آنان در برابر امریکای متجاوز و حضور جدی آنان در آبهای بین‌المللی نشانه اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مومن و وفاداری افتخار کند.^۴

شجاعت‌ها و رشادت‌های بی‌نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دل‌آور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرنترین امکانات

۱- پیام به ملت و ارتش عراق (۵۹/۷/۱۲)، صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۵۷

۲- پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعت (۶۷/۱۲/۱۳)، صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۳

۳- پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)، صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۶

۴- پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)، صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۷

اهدائی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوائی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگه داشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیده هواپیماها و رادارها و سلاح‌های ضد هوائی و موشک‌ها و پدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزش‌های علمی والای این عزیزان است که خداوند بر توان و ایمان آنان بیفزاید.^۱

فرازهایی از درسهای استاد شهید امیر سپهبد علی صیاد شیرازی

به دانشجویان، مدیران و فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از کتب منش فرماندهی :

لنگر مدیریت و فرماندهی خود را به لنگر قوی ترین مدیریت جهان هستی وصل کنید، مدیریت و فرماندهی مطلق که کوچکترین عیب و نقصی در آن وجود ندارد از آن خداست، فرمانده کل عالم را خدا بدانیم، با باور و عمل به اصول چنین مدیریتی است که مدیریت ما معنی پیدا می کند.

نبرد هشت ساله جنگ تحمیلی به ما این فرصت را داد که ضمن به کارگیری علم تئوریک خود عملاً با « رزم در راه خدا » آشنا شویم و به این معرفت برسیم که بسیاری از دانستنیها هست که نمی توان در کتابها به آن دست یافت.

کسانی از تهجد و نماز شب نتیجه مطلوب می برند که در طول روز بعد از مشارطه، مراقبه و محاسبه به این نتیجه رسیده اند که کلی بدهکارند و به آنچه انجام داده اند راضی نباشند و احساس کنند که در

^۱ پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)، صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۶

فرازهایی از درسهای استاد شهید امیرسپهد علی صیاد شیرازی / ۱۴۳

مقابل مسئولیتهای خود دینی به گردن دارند و برای جبران مافات، راهی جز کمک گرفتن از خداوند ندارند.

در چنین وضعیتی است که انسان در تهجد حال می گیرد. کسانی که خدا را بر کار خود ناظر می دانند در واگذاری مسئولیت بر دیگران مقدم اند، دوم، تخصص: یعنی چه کسانی آگاه ترند، دانش بیشتر دارند و چه خوب که تعهد با تخصص توأم باشد. سوم، استعداد، چهارم، لیاقت: یعنی توان بهره برداری از تمام ارزشهای موجود در شخصیت یک انسان.

در صحنه مدیریت و فرماندهی باید با صبر و حوصله تجربه اندوزی کرد تا انسان بر امور مسلط شود.

هرگز نباید ارتباط فرمانده با افراد تحت فرماندهی اش شکل استبداد به خود بگیرد. اما معنی این سخن آن نیست که حفظ اصول انضباط و سلسله مراتب و قاطعیت به فراموشی سپرده شود، بلکه جمع میان انضباط و برادری لازم است.

انگیزه معنوی که از روح ایمان به «الله» و ارزشهای الهی و انسانی سرچشمه می گیرد و پشتوانه ای همچون معاد و زندگی جاویدان پس از مرگ در جوار رحمت الهی، بهشت جاویدان و لقاء الله دارد، قوی ترین و عمیق ترین انگیزه هاست و تأثیرش فوق العاده نیرومند است.

اسیر عادت و روزمرگی شدن موافق حال و روح الهی بودن نیست، و این موفقیت حاصل نمی شود مگر با پیمان بستن به خدای خود، پیمان بستن با خود، مشارطه کردن در هر روز، مراقبت کردن از اعمال خود در هر روز و محاسبه کردن در پایان هر روز و معاتبه کردن خود به دنبال این محاسبه .

برای به دست آوردن اطلاعات صحیح، افرادی جسور، پرحوصله، شجاع، دقیق، واقع بین، متعهد، صریح الهجه و کاملاً امین و راستگو لازم است.

ناکامی مهم نیست، مهم این است که ما چگونه از ناکامیها عوامل پیروزی خود را بسازیم.

پایان